امتحانات متمرکز عمومی نیمسال اول ۱۴۰۱-۱۴۰۰

ساعت برگزاری: ۱۰:۲۰ صبح	نمره: ۱۵	مدت پاسخگویی: ۹۰ دقیقه

شناسه یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شناسه یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

مهر مدرسه

کد ملکی: ....

کد امتحان:	۲۴۰۰۱/۱۷
تاریخ ازمون:	۱۴۰۰/۱۰/۱۵
عنوان:	اصول فقه ۴
کتاب:	دروس فی علم الاصول
محدوده:	حلقه ثانیه: از ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب

از نوشتن نام و نام خانوادگی در برگه امتحان و پاسخنامه، خودداری نمایید.

۱- به نظر شهید صدر (ره) قاعده اولیه و ثانویه در «شک در تکلیف» به ترتیب چیست؟ ۰/۵

الف. احتیاط عقلی و برائت عقلی ☐

ب. احتیاط عقلی و برائت شرعی ☐

ج. برائت شرعی و احتیاط عقلی ☐

د. برائت عقلی و برائت شرعی ☐

۲- در موارد دوران امر بین محذورین کدام‌یک از ارکان علم اجمالی مختل است؟ ۰/۵

الف. رکن چهارم ☐

ب. رکن سوم ☐

ج. رکن دوم ☐

د. رکن اول ☐

۳- به نظر مصنف دلالت کدام‌یک از ادله بر حجیت استصحاب تمام است؟ ۰/۵

الف. غلبه و ظنّ به بقاء ☐

ب. سیره متشرعه ☐

ج. سیره عقلاء ☐

د. اخبار ☐

۴- مراد از اثبات در«اصل مثبت» چیست؟ ۰/۵

الف. اثبات لوازم غیر شرعی ☐

ب. اثبات حکم غیر شرعی ☐

ج. اثبات لوازم شرعی ☐

د. اثبات حکم شرعی ☐

۵- نام حالتی که شخص اجمالاً می‌داند هم حادث شده و هم وضوء گرفته، ولی نمی‌داند کدام مقدم است، چیست؟ ۰/۵

الف. الشک بین المحذورین ☐

ب. مجهولی التاریخ ☐

ج. الشک التعلیقی ☐

د. توارد الحالتین ☐

۶- نسبت بین دو حکم «انّ الشاک فی الرکعة الثانیة یعید الصلاة» و «کثیر الشک لیس بشاک» کدام است؟ ۰/۵

الف. تخصیص ☐

ب. حکومت ☐

ج. ورود ☐

د. تقیید ☐

۷- استدلال در عبارت: «انّ العقلاء فی اعرافهم یقبّحون عقاب المامور علی مخالفة تکلیف لم یصل الیه» را تبیین کرده، در صدد اثبات چیست؟ ۲

۸- تقریب استدلال به حدیث: «الوقوف عند الشبهة خیر من الاقتحام فی الهلکة...» برای وجوب احتیاط در شبهات بدویه و اشکال آن را بنویسید.

۲

۹- با توجه به عبارت: «ان الترخیص فی جمیع الاطراف ینافی الوجوب الواقعی المعلوم بالاجمال، لما تقدّم من تضاد الاحکام التکلیفیة» چرا مشهور قائل به استحاله جریان برائت در همه اطراف علم اجمالی شده‌اند؟ نظر شهید صدر (ره) چیست؟

۲

۱۰- قاعده «الیقین» را به همراه مثال، تبیین کرده و فرق آن با استصحاب را بنویسید.

۲

۱۱- استصحابِ «کلی قسمِ دوم» را در ضمن مثالی تبیین کنید.

۲

۱۲- «تعارض» اصطلاحی را تعریف کرده، چه تفاوتی با «تزاحم» دارد؟

۲

ساعت برگزاری: ۱۰ صبح	نمره ۱۵	مدت پاسخگویی ۷۰ دقیقه

امتحانات متمرکز عمومی نیمسال اول ۹۹-۱۳۹۸

پایه پنجم ۵ ساله، هفتم ۷ ساله، ششم پاره وقت

کد امتحان:	۲۹۸۱/۲۵
تاریخ آزمون:	۱۳۹۸/۱۰/۲۹
عنوان:	اصول فقه ۴
کتاب:	دروس فی علم الاصول (الحلقة الاولی و الثانیة فی اسلوبها الثانی)
محدوده:	از ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب (ص۲۸۸-۲۲۱)
حذفیات:	ندارد

نام و نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
نام و نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

مهر مدرسه

نام و نام خانوادگی: .... نام پدر: .... کد ملکی: .... مدرسه علمیه: .... شهرستان: .... استان: ....

۱- با توجه به مورد آیه شریفه: «لا یکلف الله نفسا الا ما آتاها» (الطلاق/۷) قدر متیقن از موصول چیست؟ ص ۲۲۴ ۰/۵

الف. تکلیف ☐

ب. فعل ☐

ج. جامع ☐

د. مال ☑

۲- از حیث اصولی، اگر شخصی شک کند ۱۰ تومان بدهکار است یا ۱۵ تومان، چه اصلی جاری می‌شود و چه مقدار باید پرداخت نماید؟ ص ۲۴۷ ۰/۵

الف. اشتغال- ۱۵ تومان ☐

ب. اشتغال- ۱۰ تومان ☐

ج. برائت - ۱۰ تومان ☑

د. برائت- ۱۵ تومان ☐

۳- مراد از اثبات در «اصل مثبت» چیست؟ ص ۲۶۵ (آزمون ورودی سطح سه سال تحصیلی ۹۷-۹۶) ۰/۵

الف. اثبات حکم غیر شرعی ☐

ب. اثبات لوازم غیر شرعی ☑

ج. اثبات لوازم شرعی ☐

د. اثبات حکم شرعی ☐

۴- اصل ثانوی در صورت تعارض مستقر چیست؟ ص ۲۸۴ و ۲۸۲ ۰/۵

الف. ترجیح با مرجح ☑

ب. جمع عرفی ☐

ج. تساقط ☐

د. تخییر ☐

۵- مراد از قاعده اولیه و ثانویه هنگام شک در تکلیف چیست؟ قاعده اولیه را بنابر نظر مشهور و شهید صدر (ره) بنویسید. ص ۲۲۲ و ۲۲۳ ۲

جواب: مراد از قاعده اولیه یعنی آنچه عقل با قطع نظر از شرع حکم می‌کند. و مراد از قاعده ثانویه یعنی آنچه شرع به آن حکم می‌کند. (۱ نمره)
مشهور قاعده اولیه هنگام شک در تکلیف را برائت عقلی می‌دانند لکن شهید صدر(ره) قاعده اولیه را بنابر مسلک حق الطاعة، احتیاط عقلی می‌دانند. (۱ نمره)

۶- دلالة حدیث: «کل شیء فیه حلال و حرام فهو لک حلال ابداً حتی تعرف الحرام منه بعینه فتدعه» بر برائت را تقریر نمایید. ص ۲۳۰ ۲

جواب: روایت دلالت می‌کند بر جعل حلیت در هر موردی که در آن حلال و حرام واقعی باشد و مشتبه شده باشند و این حلیت تا زمان علم به حرمت و تمییز آن ادامه دارد و این یعنی حلیت، حکم ظاهری است و واضح است جعل حلیت به این معنی تعبیر دیگری از عدم وجوب احتیاط در موارد شک در تکلیف است یعنی برائت.

۷- شهید صدر (ره) چهار نحوه شک در شبهات موضوعیه مطرح نموده‌اند، دو موردی را که مجرای اصل اشتغال هستند، به همراه مثال تبیین نمایید. ص ۲۳۸ و ۲۳۹ ۲

جواب: ۱- جزم به وجود قیدی در ضمن فردی و شک در وجود آن در ضمن فرد دیگر در صورتی که متعلق وجوب اطلاق بدلی باشد، وجوب غسل با آب و یقین دارد ظرف اول آب است ولی در آب بودن ظرف دوم شک دارد، اصل اشتغال جاری می‌شود چون شک در کفایه غسل با مشکوک المائیة است. ۲- شک در تحقق متعلق امر یعنی شک در امتثال مانند اینکه نماز واجب است مکلف شک دارد نماز را اتیان نموده یا نه؟ که اصل اشتغال جاری می‌گردد. (۳- شک در وجود مسقط مانند اینکه می‌داند قربانی روز عید قربان مسقط امر به عقیقه است لکن شک دارد که آیا قربانی کرده یا خیر در این صورت بنا بر نظر مشهور اگر شک در مسقط به شک در بقاء تکلیف بر گردد نه حدوث تکلیف یعنی «عدم مسقط» قید بقاء تکلیف باشد در این‌صورت مانند شک ناشی از احتمال امتثال است و اشتغال جاری می‌گردد.) [نوشتن دو مورد کفایت می‌نماید]

Scanned with CamScanner

۸- عبارت: «ان یکون جریان الاصل المومّن فی الطّرفین مودّیاً الی الترخیص فی المخالفة القطعیة و امکان تحققها فی الخارج عن اذن الشرعی وامّا مع امتناعها...» را در قالب مثال تبیین کرده، ناظر به چه مطلبی است؟ ص ۲۴۵ | ۲ |

جواب: رکن چهارم علم اجمالی است یعنی اگر در همه اطراف علم اجمالی، اصل ترخیصی (برائت) جاری شود منجر به ترخیص در مخالفت قطعیه شود و البته وقوع مخالفت قطعیه در خارج با اجازه شارع، ممکن باشد و اما اگر در خارج ممکن نباشد در حقیقت منجر به ترخیص در مخالفت قطعیه نیست تا منافی تکلیف بالاجمال باشد. مانند: «دوران امر بین محذورین» مثل وجوب یا حرمت دفن کافر که حتی برفرض جریان اصل ترخیص در دو طرف، چون نمی‌توان هر دو طرف را ترک نمود، مخالفت قطعیه ممتنع است.

۹- قاعده «الیقین» را به همراه مثال تبیین کنید. ص۲۵۳ و ۲۵٤ | ۱ |

جواب: اگر یقین به چیزی داشته باشیم و سپس در اصل وجود همان شیء شک کنیم به این معنا که تردید کنیم آیا واقعاً آنچه می‌پنداشتیم، وجود داشت (یقین، صادق بود) یا نه (یقین، کاذب بود)، چنین حالتی مجرای قاعده یقین است. مثل اینکه روز جمعه یقین به عدالت شخصی داشتیم و روز شنبه در عدالت همان شخص در روز جمعه شک کنیم.

۱۰- استصحاب «کلی قسم دوم» را در ضمن مثالی بیان کرده، دلیل جریان آن را بنویسید. ص ۲۷۰ | ۲ |

جواب: مکلف می‌داند یا زید یا خالد در مسجد هستند غیر اینکه بعد از مدتی زید را خارج مسجد می‌بیند پس اگر زید داخل مسجد بوده الان خارج شده است و اگر خالد بوده شاید هنوز داخل مسجد است، اگر دو فرد در نظر گرفته شود در هیچ یک شک و یقین محقق نیست و استصحاب جاری نمی‌شود ولی اگر طبیعی (زید یا خالد) در نظر گرفته شود، متیقن الحدوث و مشکوک البقاء است در نتیجه اگر اثر شرعی بر آن بار شود استصحاب جاری می‌گردد. (چهار رکن استصحاب موجود است.)

۱۱- «تعارض» اصطلاحی را تعریف کرده، چه تفاوتی با «تزاحم» و « ورود» دارد؟ ص ۲۷۸ و ۲۷۹ | ۲ |

جواب: تعارض عبارت است از تنافی دو دلیل از حیث مدلولهایشان به این نحو که ثبوت هر دو دلیل با هم در واقع امکان ندارد. (۱ نمره) با توجه به تعریف تعارض، تنافی بین دو جعل است ولی تزاحم تنافی بین دو امتثال است که ربطی بین دو مدلول ندارد. (۰/۵ نمره) تعارض بین دو مجعول (فعلیت دو حکم) که فعلیت یکی، موضوع فعلیت دیگری را نفی (یا محقّق) می‌کند، و تعارضی بین دو جعل نیست. (۰/۵ نمره)

ساعت شروع: ۱۰ صبح	نمره: ۱۵	مدت پاسخ: ۷۰ دقیقه

امتحانات متمرکز عمومی نیمسال دوم ۹۸-۱۳۹۷

پایه پنجم ورودی بهمن

کد امتحان :	۲۹۷۲/۲۷
تاریخ ازمون :	۱۳۹۸/۰۴/۰۹
عنوان:	اصول فقه ۴
کتاب:	دروس فی علم الاصول
محدوده:	از ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب (ص ۲۸۸-۲۲۱)
حذفیات:	ندارد

شناسه یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شناسه یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

مهر مدرسه

نام و نام خانوادگی: .... نام پدر: .... کد طلبگی: .... مدرسه علمیه: .... شهرستان: .... استان: ....

۱- محور استدلال مرحوم نائینی (ره) بر قاعده «قبح عقاب بلابیان» کدام است؟ ص ۲۲۳ ‏۰/۵

الف. انّ العقاب مع عدم العلم بالتکلیف ظلم ☐

ب. حق الطاعة یختص بالتکلیف المعلوم ☐

ج. تقبیح العقلاء فی عقاب غیر العالم ☐

د. لامقتضی للتحرک مع عدم العلم ☑

۲- در موارد دوران امر بین محذورین کدام‌یک از ارکان علم اجمالی مختل است؟ ص ۲۴۷ (مسابقات علمی منطقه‌ای ۹۷-۹۶) ‏۰/۵

الف. رکن چهارم ☑

ب. رکن سوم ☐

ج. رکن دوم ☐

د. رکن اول ☐

۳- در مثال «اذا کان علی یقین من عدالة زید یوم الخمیس ۱. فشک یوم الجمعة فی عدالته یوم الخمیس ۲. فشکنا فی طرو الفسق یوم الجمعة» هر یک از جمله‌ها به ترتیب مجرای کدام قاعده است؟ ص ۲۵۴ (مسابقات علمی منطقه‌ای ۹۶-۹۵ آزمون ورودی سطح سه سال تحصیلی ۹۷-۹۶) ‏۰/۵

الف. قاعده یقین – قاعده مقتضی و مانع ☑

ب. قاعده مقتضی و مانع – قاعده یقین ☐

ج. قاعده مقتضی و مانع – استصحاب ☐

د. استصحاب – قاعده یقین ☐

۴- نسبت بین دو دلیل «اکرم العالم» و «انّما العالم عالم الدین» چیست؟ ص ۲۸۱ ‏۰/۵

الف. التخصیص ☐

ب. الحکومة ☑

ج. التقیید ☐

د. الورود ☐

۵- نحوه استدلال به آیه شریفه «و ما کنّا معذّبین حتی نبعث رسولا» (اسراء ۱۵) بر برائت شرعیه را توضیح داده، شهید صدر (ره) چه اشکالی بر این استدلال وارد می‌کند؟ ص ۲۲۵ ‏۲

جواب: استدلال: آیه شریفه دلالت بر این دارد که خداوند قبل از بعثت رسول، عذاب نمی کند و چون «رسول» به عنوان مصداق «بیان» منظور شده است، عدم عقاب قبل از بیان اثبات می شود. نقد: غایت دلالت آیه شریفه، عدم عقاب در صورت عدم صدور بیان است نه در صورتیکه صادر شود ولی به دلیل مانعی، واصل نشود در حقیقت «رسول» مصداق «صدور» است نه « وصول» در نتیجه نمی توان با آن برائت را که موضوعش عدم بیان (عدم وصول) است را اثبات نمود. [زیرا ممکن است دلیلی صادر شده باشد ولی واصل نشده باشد.]

۶- چگونه برخی از ظاهر «فیه حلال و حرام» در حدیث: «کل شیئ فیه حلال و حرام فهو لک حلال ابدا حتی تعرف الحرام منه بعینه فتدعه» برای اختصاص حدیث به شبهات موضوعیه استدلال می نمایند؟ با مثال تبیین نمایید. ص ۲۳۰ ‏۲

جواب: ظاهر « فیه حلال و حرام» دلالت دارد بر وجود دو قسم بالفعل به نحوی که قسمی از آن حلال و قسمی دیگر حرام است مثلا در پنیر برخی از انواع آن حلال است و برخی حرام است(مثلا در صورتیکه مایه آن از مردار باشد) و این انقسام به حلال و حرام سبب شک در حلیت یا حرمت شده است و این

امر جزء در موارد شبهه موضوعیه محقق نمی شود زیرا در موارد شبهه حکمیه مثل شک در حرمت سیگار کشیدن، شک ناشی از عدم وصول نص بر تحریم می باشد نه ناشی از وجود دو قسم حلال و حرام از چیزی.

۷- شهید صدر(ره) چهار نحوه شک در شبهات موضوعیه مطرح نموده اند، دو موردی که مجرای اصل برائت هستند، را به همراه مثال تبیین نمایید. ص ۲۳۹-۲۳۸

۲

جواب: ۱- شک در اصل وجود قید که موجب شک در فعلیت تکلیف می گردد و برائت جاری می گردد مانند: وجوب نماز آیات مقیّد به کسوف است، پس در صورت شک در کسوف، شک در فعلیت نماز آیات است که مجرای آن برائت است. ۲- جزم به وجود قیدی در ضمن فردی و شک در وجود آن در ضمن فرد دیگر در صورتی که متعلق وجوب اطلاق بدلی داشته باشد مانند: وجوب اکرام عالم و یقین به عدالت زید و شک در عدالت عمرو و برائت جاری می گردد چون شک در حدوث تکلیف جدید است(۳- شک در وجود مسقط مانند اینکه می داند قربانی روز عید قربان مسقط امر به عقیقه است لکن شک دارد که آیا قربانی کرده یا خیر در این صورت بنابر نظر شهید صدر (ره) چون شک در وجود ... است بقاءاً مجرای برائت است لکن استصحاب وجوب مقدم است.)

۱

۸- رکن دوم منجزیت علم اجمالی را تبیین نموده، مثالی برای اختلال این رکن بنویسید. ص ۲٤٦

جواب: رکن دوم: وقوف علم بر جامع وعدم سرایت به فرد زیرا در این صورت علم اجمالی نیست بلکه علم تفصیلی است و همان فرد منجز است. مثال: علم داریم یکی از دو لیوان نجس است سپس متوجه می‌شویم لیوان نجس لیوان سمت راستی است در این صورت رکن دوم علم اجمالی مختل می‌شود.

۲

۹- چرا «اصل مثبت» حجت نیست؟ توضیح دهید. ص۲٦٥

جواب: [استصحابی که بخواهد حکمی شرعی که مترتب بر أثر تکوینی مستصحب است را اثبات کند، اصل مثبت نام دارد. مثل اثبات حکم شرعی که مترتب بر رویش محاسن زید است، بواسطه اثبات رویش محاسن با استصحاب حیات زید.]

زیرا اگر مرادتان این است که حکم شرعی را مستقیماً بدون تعبد به رویش محاسن زید و با استصحاب حیات او اثبات کنید، غیر ممکن است، چون موضوع حکم شرعی رویش محاسن است نه حیات زید و اگر مرادتان است که با استصحاب حیات زید، ابتدا رویش محاسن را اثبات کنید و به تبع حکم شرعی را اثبات کنید، خلاف ظاهر دلیل استصحاب است، چه این‌که مفاد دلیل استصحاب این است که مشکوکاً لبقاء را می‌گوید باقی فرض کن (تازل منزله باقی قرار می‌دهد)، و عرفا تنزیل منصرف است به توسعه در دایره آثاری که خود منزّل جعل کرده است و شامل آثاری که تحت جعل او نبوده نمی‌شود. لذا در مقام ما رویش محاسن از آن جهت که أثر تکوینی حیات است، از دایره مجعولات ... خارج است و استصحاب از اثبات آن قاصر است. [رساندن مفهوم کفایت می‌کند.]

۲

۱۰- مراد از استصحاب سببی و مسببی را در قالب مثالی توضیح دهید. ص ۲۷۲-۲۷٥

جواب: در صورتیکه مستصحب، موضوع حکم شرعی باشد با جریان استصحاب موضوع اثبات شده و حکم نیز بر آن مترتّب می شود (فعلیت می‌یابد) مثلا طهارت آب موضوع حکم جواز شرب است و در صورت شک در طهارت و یقین سابق، استصحاب طهارت جاری شده و در نتیجه حکم جواز شرب بر آن مترتب می گردد زیرا اثر شرعی طهارت آب است، از طرف دیگر خود جواز شرب نیز در صورت دارا بودن شرایط قابل استصحاب است ولکن با اثبات جواز شرب، طهارت آب اثبات نمی گردد زیرا اثر شرعی جواز شرب نیست بلکه لازمه غیر شرعی آن است. در اصطلاح به استصحاب موضوعی، اصل سببی و به استصحاب حکمی، اصل مسبّبی می گویند.

۱۱- مراد از عبارت «انّ التنافی بین الحکمین تارة یکون بین الجعلین و اخری بین المجعولین» به همراه مثال تبیین نمایید.

۲

ص ۲۷۹ (امتحانات عمومی نیمسال اول ۹۷-۹۶)

جواب: در تنافی بین دو جعل تنافی بین دو مدلول است، مثال: جعل وجوب حج بر مستطیع و جعل حرمت حج بر مستطیع که دو مدلول با هم تنافی دارند در تنافی بین دو مجعول به این نحو که فعلیت دو حکم با هم تنافی دارد و در حقیقت یک حکم، موضوع حکم دیگر را نفی یا اثبات می‌کند. مثال: دو مجعول در دو حکم «اذا وجد الماء فلیتوضأ للصلاة» و «اذا لم یجد الماء فلیتیمم للصلاة» با هم تنافی دارند. زیرا هنگامی که آب نداشته باشد موضوع حکم اول منتفی و در نتیجه حکم فعلی نیست

مدیریت حوزه علمیه

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

نیمسال اول ۹۸-۹۷

پایه پنجم ۵ ساله
پایه هفتم ۷ ساله

مهر مدرسه

کد درس:	۲۹۷۱/۲۰
تاریخ:	۱۳۹۷/۱۱/۰۱
درس:	اصول فقه ۴
کتاب:	دروس فی علم الاصول «الحلقة الاولی و الثانیة فی اسلوبها الثانی»
محدوده:	از ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب (ص ۲۸۸-۲۲۱)

ساعت آزمون: ۱۰ صبح | تعداد سؤال: ۱۵ | مدت آزمون: ۹۰ دقیقه

شماره، نام و امضای مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شماره، نام و امضای مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

نام و نام خانوادگی: .... نام پدر: .... کد ملی: .... مدرسه علمیه: .... شهرستان: .... استان: ....

۱- مرجع اثبات قاعده ثانویه در تکالیف مشکوک کدام است؟ ص ۲۲٤ — ۰/۵

الف. عقل ☐

ب. برائت ☐

ج. عقلاء ☐

د. شرع ☑

۲- از کدام بخش حدیث «کل شیء فیه حلال و حرام فهو لک حلال ابدا حتی تعرف الحرام منه بعینه فتدعه» برای اختصاص حدیث به شبهات موضوعیه استدلال نموده‌اند؟ ص ۲۳۰ — ۰/۵

الف. حتی تعرف الحرام ☐

ب. فیه حلال و حرام ☑

ج. کل شیء ☐

د. فتدعه ☐

۳- مراد از نهی در «لا تنقض الیقین بالشک» چیست؟ ص ۲٦۵ — ۰/۵

الف. نهی تکلیفی ☐

ب. نهی تکوینی ☐

ج. نهی ارشادی ☑

د. نهی تنزیهی ☐

٤- دلیل تقدیم برائت شرعیه بر اصالة الاشتغال عقلی (مبنای مسلک حق‌الطاعة) چیست؟ ص ۲۸۷ — ۰/۵

الف. ورود ☑

ب. حکومت ☐

ج. تخصّص ☐

د. تخصیص ☐

۵- عبارت ««لا یکلف الله نفسا الا ما آتاها»(طلاق: ۷) ان المال هو المتیقن من مراد الموصول بمقتضی السیاق الا انه مورد و هو لا یخصص الوارد» را تبیین نموده، در صدد اثبات چیست؟ ص ۲۲٤ - ۲ نمره — ۲

جواب: در موصول«ما» چهار احتمال مطرح است: ۱. مال ۲. فعل ۳. تکلیف ٤. جامع که با توجه به اینکه بحث انفاق مالی در ابتدای آیه مطرح است قدر متیقن از «ما» موصول، مال می‌باشد لکن با توجه به قاعده «المورد لا یخصص الوارد» آیه تخصیص نخورده و بر اطلاق خود باقی است (۱ نمره) و می‌توان با تمسک به آن جامع را اثبات نمود و با اثبات جامع، تکلیف نیز که تحت آن است اثبات شده و می‌توان از آیه برای اثبات برائت شرعیه استفاده نمود. (۱ نمره)

٦- اشکال مطرح در عبارت «انّ الحجب مسند الی الله سبحانه فیختصّ بالاحکام التی لم یبیّنها سبحانه و اخفاها علی العباد و لا یشمل محل الکلام» را بر استدلال به حدیث حجب برای اثبات برائت، تبیین کرده، پاسخ دهید. ص ۲۲۹ - ۲ نمره — ۲

جواب: برخی بر استدلال به حدیث حجب «ما حجب الله علمه عن العباد فهو موضوع عنهم» بر برائت اشکال کرده‌اند که حجب در روایت مستند به خداوند شده است (حجب الله) در نتیجه روایت مخصوص احکامی است که خود خداوند آن‌ها را بیان نکرده ولی محل کلام ما اعم است (یعنی مواردی را که صادر شده ولی واصل نشده را نیز شامل می‌شود) (۱ نمره) پاسخ: در صورتی که اسناد حجب به خدای متعال از حیث شارع بودن خدا باشد چنین اشکالی وارد است ولی چنین معنایی دلیل ندارد بلکه اسناد حجب به خداوند از این جهت است که همه امور در دست خداوند است در نتیجه تمام حجب‌ها را شامل می‌شود. (۱ نمره)

۷- رکن اول و دوم از ارکان «علم اجمالی» را به همراه دلیل نوشته، برای اختلال هر یک مثال بزنید. ص ۲۴۵ - ۲ نمره | ۲ |

جواب: رکن اول: علم به جامع تکلیف زیرا اگر علم به جامع نباشد شبهه بدوی است. رکن دوم: وقوف علم بر جامع وعدم سرایت به فرد زیرا در این صورت علم اجمالی نیست بلکه علم تفصیلی است و همان فرد منجّز است. مثال اختلال رکن اول: علم داریم یکی از دو لیوان نجس است سپس متوجه می‌شویم اشتباه کرده‌ایم در این صورت رکن اول علم اجمالی مختل می‌شود. مثال اختلال رکن دوم: علم داریم یکی از دو لیوان نجس است سپس متوجه می‌شویم لیوان نجس لیوان سمت راستی است در این صورت رکن دوم علم اجمالی مختل می‌شود.

۸- قاعده «الیقین» را به همراه مثال، تبیین کرده و فرق آن با استصحاب را بنویسید. ص ۲۵۳ و ۲۵۴ - ۲ نمره | ۲ |

جواب: اگر یقین به چیزی داشته باشیم و سپس در اصل وجود همان شیء شک کنیم به این معنا که تردید کنیم آیا واقعاً آنچه می‌پنداشتیم هست، وجود داشت (یقین، صادق بود) یا نه (یقین، کاذب بود)، چنین حالتی مجرای قاعده یقین است. مثل اینکه روز جمعه یقین به عدالت شخصی داشتیم و روز شنبه در عدالت همان شخص در روز جمعه شک کنیم. فرق: شک در «قاعده یقین» به خود آنچه یقین به آن تعلق گرفته است، تعلق می‌گیرد به لحاظ همان زمان ولی در استصحاب، شک در بقاء متیقن است بدون آنکه یقین سابق به لحاظ زمان سابق از بین برود.

[به عبارت دیگر شک در قاعده یقین ناقض تکوینی یقین است ولی در استصحاب حقیقةً ناقض نیست و به عبارت دقیق‌تر جریان استصحاب مبتنی است بر فراغ از تحقق آنچه می‌خواهیم اثبات کنیم ولی قاعده یقین چنین نیست.]

۹- برای «استصحاب حکم معلق» مثال زده، دلیل مرحوم نائینی(ره) بر عدم جریان آن را بنویسید. ص ۲۶۸ - ۲ نمره | ۲ |

جواب: ما قضیه شرطیه داریم که می‌گوید اگر این انگور بجوشد حرام می‌شود ولی ما شک داریم حال که انگور تبدیل به کشمش شده است این قضیه شرطیه هنوز باقی است یعنی باز هم با غلیان نجس می‌شود یا نه استصحاب می‌کنیم آن قضیه شرطیه را. دلیل مرحوم نائینی(ره): در حکم شرعی فقط جعل و مجعول داریم و جعل که شکی در بقائش نیست (رکن ثانی مختل است) و در مجعول نیز یقین به حدوث نداریم (رکن اول مختل است) و اما قضیه شرطیه در عالم تشریع چیزی جز امر منتزع از جعل حرمت بر موضوع مقدرة الوجود نیست پس اثر شرعی ندارد تا استصحاب قضیه جاری شود.

۱۰- حکم تعارض (تنافی) بین دلیل عقلی و دلیل شرعی چیست؟ توضیح دهید. ص ۲۷۸ - ۱ نمره | ۱ |

جواب: درصورتی که دلیل عقلی قطعی نباشد، حجت نیست در نتیجه حجت نیست تا تعارض حقیقی واقع شود (۰/۵ نمره) و در صورتی که قطعی باشد بر معارضش مقدم می‌شود زیرا دلیل عقلی قطعی مستلزم قطع به خطای معارض است و هر آنچه که قطع به خطای آن داریم از حجیت ساقط است. (۰/۵ نمره)

۱۱- «حکومت» را در بحث تعارض توضیح داده و مثالی بزنید. ص ۲۸۱ - ۲ نمره | ۲ |

جواب: حکومت یعنی یک دلیل، ناظر بر موضوع یا محمول دلیل دیگر باشد و در صدد تفسیر آن باشد به این صورت که گاهی موضوع یا محمول را تضییق می‌کند گاهی آن‌ها را توسعه می‌دهد. (۱/۵ نمره) مانند الربا حرام (محکوم). لا ربا بین الوالد و الوالد (حاکم). یا حکومت «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» بر ادله احکام شرعیه مثل وجوب صوم و... . (۰/۵ نمره)

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

نیم‌سال اول ۹۷-۹۶

پنج ساله و هفت ساله

کد امتحان	۲۹۶۱/۲۲
تاریخ	۱۳۹۶/۱۰/۲۴
درس	اصول فقه ۴
کتاب	دروس فی علم الاصول (الحلقة الاولی و الثانیة فی اسلوبها الثانی)
محدوده	از ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب

ساعت شروع	تعداد سؤال	مدت پاسخ
۱۰ صبح	۱۵	۶۵ دقیقه

نام و نام مصحح اول	نمره عدد	نمره حروف
نام و نام مصحح دوم	نمره عدد	نمره حروف

مهر مدرسه

نام و نام خانوادگی: ... نام پدر: .. کد طلبگی: .. مدرسه علمیه: . شهرستان: . استان: ..

۱- حکم در مسأله «شخصی شک دارد حج بر او واجب است، زیرا شک در استطاعت خود دارد» از حیث اصولی کدام است؟ ص ۲۵۶ (۰/۵)

الف) شک در تکلیف و مجرای اشتغال ☐

ب) شک در مکلف به و مجرای برائت ☐

ج) شک در مکلف به و مجرای اشتغال ☐

د) شک در تکلیف و مجرای برائت ☑

۲- نقد استدلال به سیره عقلاء بر حجیة الاستصحاب کدام است؟ ص ۲۷۶ (۰/۵)

الف) یحتمل ان لا یکون بنکتة الکشف ☑

ب) لا یمکن احراز هذه السیرة ☐

ج) یحتمل الردع من جانب الشارع ☐

د) لا یمکن اتصالها الی المعصوم (ع) ☐

۳- دلیل مطرح در عبارت: «لیس فی الحکم الا الجعل و المجعول و والجعل لا شک فی بقائه و المجعول لا یقین بحدوثه ...» نافی جریان کدام استصحاب است؟ ص ۲۹۱ (۰/۵)

الف) موضوعات مرکّبه ☐

ب) تدریجیات ☐

ج) حکم معلق ☑

د) توارد حالتین ☐

٤- نسبت بین دو دلیل «انّ الشاک فی الرکعة الاولی، لابد ان یعید» و «لا شک لکثیر الشک» چیست؟ ص ۳۰۵ (۰/۵)

الف) تقیید ☐

ب) حکومت ☑

ج) تخصّص ☐

د) ورود ☐

۵- استدلال به آیه شریفه «وما کنّا معذبین حتّی نبعث رسولا» بر برائت را نوشته، نقد نمایید. ص ۲۴۳ (۲)

جواب: با توجه به اینکه قبل از بعثت رسول خداوند عذاب نمی‌کند و رسول مانند مصداقی برای بیان است در نتیجه لاعقاب قبل از بیان نقد: نهایت آنچه که دلالت می‌کند عدم عقاب هنگام عدم صدور بیان است نه هنگامی که صادر شود از شارع و به دلیل مانعی به ما نرسد و رسول مانند مثالی برای صدور از جانب شارع است نه وصول فعلی به مکلف.

٦- اعتراض محقق نایینی (ره) درعبارت: «واعترض المحقّق النائینی بان الاستصحاب یکون وجیهاً لوکان الاثر المراد ترتیبه ثابتاً للواقع واما اذا کان ثابتاً لعدم العلم بالواقع فلامعنی جریانه» به جریان استصحاب برای اثبات برائت، را تبیین نمایید. ص ۲۴۹ و ۲۵۰ (۲)

جواب:

محقّق نایینی (ره) اعتراض کرده است که اثر مطلوب از استصحاب، نفی عقاب و ثبوت برائت است و این اثر مترتّب بر عدم حدوث نیست تا به اجرای استصحاب نیاز باشد بلکه این اثر به مجرد عدم علم به حدوث حاصل است چون قاعده قبح عقاب بلابیان موجود است و دیگر نیازی به اثبات تعبّدی برائت از طریق استصحاب نیست.

۷- وجه عدم شمول ادله برائت نسبت به تکلیف مشکوک استحبابی و کراهتی چیست؟ ص ۲۵۸ و ۲۵۹ -۲ نمره | ۲ |

جواب: زیرا اگر هدف از اجرای برائت، اثبات ترخیص در ترک است، این ترخیص در امور استحبابی و کراهتی، یقینی است و نیازی به اصل برائت ندارد و اگر هدف از اجرای برائت، اثبات عدم رجحان احتیاط است، این یقینی البطلان است چون احتیاط علی ای حالٍ راجح است.

۸- چهار رکن قاعده منجزیت علم اجمالی را بنویسید. ص ۲۶۴ - ۲ نمره | ۲ |

جواب: رکن اول: وجود علم به جامع، رکن دوم: وقوف علم به جامع و عدم سرایت آن به اطراف، رکن سوم: هر دو طرف صرف نظر از تعارض مشمول ادله برائت باشند. رکن چهارم: جریان برائت در هر دو طرف باعث ترخیص در مخالفت قطعیه شود.

۹- فرق بین «استصحاب» با قاعده «الیقین» و قاعده «المقتضی والمانع» را به همراه مثال تبیین نمایید. ص ۲۷۳ و ۲۷۴ | ۲ |

جواب: قاعده یقین، متعلق شک همان متعلق یقین است و به همان یقین سابق سرایت می‌کند و حقیقةً شک ناقض تکوینی یقین است برخلاف استصحاب که شک به بقای متیقن تعلق می‌گیرد، مثلا به عدالت زید در روز جمعه علم داشتیم و سپس در روز شنبه به عدالت زید در روز جمعه شک کنیم. قاعده المقتضی والمانع در این قاعده یقین و شک به دو امر متغایر یعنی مقتضی و مانع تعلق می‌گیرد مثلا ماری زید را گزید که مقتضی مرگ است اما شک می‌کنیم که آیا به طبیب مراجعه کرد یا خیر. ولی در استصحاب متعلق شک و یقین واحد است فقط زمانا فرق می‌کنند.

۱۰- در ضمن مثال «اصل مثبت» را تعریف نمایید. ص ۲۸۷ - ۱ نمره | ۱ |

جواب: استصحابی که بخواهد حکمی شرعی که مترتب بر أثر تکوینی مستصحب است را اثبات کند، اصل مثبت نام دارد. مثل اثبات حکم شرعی که مترتب بر رویش محاسن زید است، بواسطه اثبات رویش محاسن با استصحاب حیات زید.

۱۱- مراد از عبارت «انّ التنافی بین الحکمین تارة یکون بین الجعلین و اخری بین المجعولین» به همراه مثال تبیین نمایید. ص ۳۰۲ | ۲ |

جواب:

در تنافی بین دو جعل تنافی بین دو مدلول است، مثال: جعل وجوب حج بر مستطیع و جعل حرمت حج بر مستطیع که دو مدلول با هم تنافی دارند در تنافی بین دو مجعول به این نحو که فعلیت دو حکم با هم تنافی دارد و در حقیقت یک حکم، موضوع حکم دیگر را نفی یا اثبات می‌کند. مثال: دو مجعول در دو حکم «اذا وجد الماء فلیتوضأ للصلاة» و «اذا لم یجد الماء فلیتیمم للصلاة» با هم تنافی دارند. زیرا هنگامی که آب نداشته باشد موضوع حکم اول منتفی و در نتیجه حکم فعلی نیست.

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

نیمسال اول ۹۶-۹۵

پایه ششم ۵ ساله
پایه هفتم ۷ ساله

مهر مدرسه

کد امتحان:	۲۹۵۱/۲۴
تاریخ:	۱۳۹۵/۱۰/۲۵
عنوان:	اصول فقه ۴
کتاب:	دروس فی علم الاصول «الحلقة الثانیة - ایروانی»
محدوده:	از ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب (ص ۲۸۸-۲۲۱)

ساعت برگزاری: ۱۰ صبح	نمره: ۲۰	مدت پاسخگویی: ۹۰ دقیقه
شناسه یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شناسه یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

نام و نام خانوادگی: ... نام پدر: ... کد ملی: ... مدرسه علمیه: ... شهرستان: ... استان: ...

۱- شک در «وجوب غسل» به دلیل «شک در حدث»، شک در تکلیف است یا مکلَّف‌به؟ مجرای چه اصلی است؟ ص ۲۳۸ — ۰/۵

الف. مکلف‌به - برائت ☐

ب. مکلف‌به - اشتغال ☐

ج. تکلیف - اشتغال ☐

د. تکلیف - برائت ☑

۲- عدم منجزیت در شبهه غیر محصوره مستند به چه أمری است؟ ص ۲۴۷ — ۰/۵

الف. خروج برخی از افراد از محل ابتلاء ☐

ب. عدم لزوم وقوع در مخالفت قطعیه ☑

ج. جریان اصالة البرائة در همه اطراف ☐

د. حکومت قاعده عسر و حرج ☐

۳- بنابر نظر شهید صدر (ره) کدام تعریف از «استصحاب»، با تمام اتجاهات سازگار است؟ ص ۲۵۲ — ۰/۵

الف. مرجعیة الحالة السابقة ☑

ب. الحکم ببقاء ما کان ☐

ج. الیقین بالحدوث ☐

د. الشک فی البقاء ☐

۴- در کدام مورد «نقض یقین» تکوینی است؟ ص۲۵۳ — ۰/۵

الف. قاعده مقتضی و مانع ☐

ب. اصل استصحاب ☐

ج. اصل اشتغال ☐

د. قاعده یقین ☑

۵- مثال «یقین داریم آب کُر سابق، دیگر کُر نیست و لکن شک داریم ظهر از کر بودن خارج شده یا صبح» بر کدام مورد تطبیق می‌کند؟ ص ۲۷۱ — ۰/۵

الف. شک در تقدم و تأخر ☑

ب. شک در تدریجیات ☐

ج. مجهولی التاریخ ☐

د. توارد حالتین ☐

۶- نسبت بین دو حکم «انّ الشاک فی الرکعة الثانیة یعید الصلاة» و «کثیر الشک لیس بشاک» کدام است؟ ص ۲۸۱ — ۰/۵

الف. ورود ☐

ب. تقیید ☐

ج. حکومت ☑

د. تخصیص ☐

۷- کیفیت استدلال به آیه شریفه «لا یُکَلِّفُ اللّٰهُ نَفساً إلاّ ما آتاها» (الطلاق: ۷) بر برائت را نوشته و اشکال شیخ اعظم (ره) به آن را تبیین نمایید. ص ۲۲۴ - ۲ نمره — ۳

ص ۲۴۱

جواب: «ما»ی موصول اطلاق دارد، لذا مراد از آن معنایی جامع بین مال، فعل و تکلیف است. به این معنا که انسان در مقابل مال فقط به اندازه‌ای که به او روزی داده می‌شود و در فعل به اندازه توان جسمی و در تکلیف به اندازه‌ای که به او می‌رسد مکلف است. پس فقط نسبت به تکالیفی که به او رسیده است، مسؤول است. اعتراض شیخ (ره): اراده جامع از «ما» ممکن نیست. زیرا اگر معنای تکلیف لحاظ شود «ما» مفعول مطلق است و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مفعول‌به. نسبت بین فعل و مفعول‌به با نسبت بین فعل و مفعول مطلق مغایر است. و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست، با توجه به سیاق آیه قبل، «ما» متعین در معنای مال است.

۸- عبارت «الإعتراض الاول علی أدلة البرائة الشرعیّة هو أنّ الادلة خاصة بمورد الشک البدوی دون المقترن بالعلم الاجمالی و واضح ان الفقیه لو لاحظ جمیع الشبهات حصل له علم اجمالی بثبوت التکالیف فلا یمکن اجراء البرائة.» را شرح داده و جواب شهید (ره) از اشکال را بنویسید. ص ۲۳۲ و ۲۳۳ - ۲ نمره

۲

جواب: اشکال اولی که به ادله برائت وارد کرده‌اند این است که این ادلّه برائت در جایی جاری می‌شود که شک بدوی باشد نه مقرون به علم اجمالی و در شبهات حکمیه شک مقرون به علم اجمالی است چون فقیه وقتی به مجموع شبهات حکمیّه نظر می‌کند مثلاً اگر بیست تا شبهه دارد یقین دارد یک سری تکالیف واقعی در میان آن‌ها وجود دارد که مثلاً کمتر از پنج تا نیست، و با وجود این علم اجمالی، جایی برای اجرای برائت شرعی در هیچ‌کدام از این شبهات حکمیّه که هر یک از آن‌ها از اطراف این علم اجمالی هستند باقی نمی‌ماند.

جواب شهید صدر (ره): بله، فقیه قبل از استنباط احکام شرعی از ادلّه، علم اجمالی به وجود یک سری تکالیف واقعی دارد ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادلّه، آن علم اجمالی منحلّ می‌شود به علم تفصیلی به این مقدار از تکالیف که استنباط کرده و کمتر از معلوم بالاجمال او هم نیست و در مابقی شبهات دیگر علم به وجود تکلیفی در میان آن‌ها برایش باقی نمی‌ماند و لذا شک در این مابقی بدوی است و جای برائت شرعی.

۹- وجه عدم شمول ادله برائت نسبت به تکلیف مشکوک استحبابی و کراهتی چیست؟ ص ۲۴۰ - ۱ نمره

۱

جواب: زیرا اگر هدف از اجرای برائت، اثبات ترخیص در ترک است، این ترخیص در امور استحبابی و کراهتی، یقینی است و نیازی به اصل برائت ندارد و اگر هدف از اجرای برائت، اثبات عدم رجحان احتیاط است، این یقینی البطلان است چون احتیاط علی ای حالٍ راجح است.

۱۰- دلیل مشهور در عبارت «ذهب المشهور إلی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی، لأنها ترخیص فی المخالفة القطعیة.» را توضیح داده، جواب شهید صدر (ره) بر آن را بیان کنید. ص ۲۴۲ - ۲ نمره

۲

جواب: مشهور علما معتقدند، جریان اصل برائت در تمام اطراف علم اجمالی محال است. زیرا وجود علم (ولو اجمالی) مقتضی امتثال حکمی است که علم (اجمالی) به آن داریم. پس اگر بتوان در اطراف، برائت را جاری کرد، لازمه‌اش این است که بتوانیم با آن حکم بالاجمال مخالفت قطعی کنیم و این معصیتِ حرام است شرعاً و قبیح است عقلاً. در نتیجه ترخیص محال است. جواب شهید صدر (ره): باید در نوع حکم عقلی دقت کنیم در این مورد حکم عقلی معلق است به عدم ترخیص ظاهری از جانب مولی، در نتیجه ترخیص مخالف حکم عقل نیست بلکه موضوع آن را رفع می‌کند، و اگر بگویید حکم عقل معلق نیست ادعایی بدون دلیل است.

۱۱- تفصیل در عبارت «و قد یفصّل بین أن یکون الشرط محتملا بلحاظ المتعلق و بین کونه محتملا بلحاظ الموضوع» درباره جریان برائت در شرط مشکوک را در ضمن مثال تبیین نموده، اشکال شهید صدر (ره) به آن را بنویسید. ص ۲۴۹ و ۲۵۰ - ۲ نمره

۲

جواب: در خطاب «اعتق رقبه» متعلق، عتق و موضوع، رقبه است. گاهی شک تعلق می‌گردد به دعا هنگام عتق و گاهی تعلق می‌گیرد به شرط ایمان در رقبه. در حالت اول برائت جاری می‌شود، زیرا مرجع شکّ به شک در تقید واجب [عتق] به دعا است، یعنی شک در تکلیف زائد، لذا برائت از تکلیف زائد جاری می‌شود و در حالت دوم برائت جاری نمی‌شود. زیرا رقبه موس متعلق وجوب نیست. پس شک در تقید رقبه به ایمان شک در وجوب نیست تا بتوان برایت جاری کرد. اشکال شهید: هر چند مقید کردن رقبه به ایمان متعلق امر نیست، اما تقید عتق به ایمان رقبه متعلق امر است. پس شک در قید بودن ایمان در واقع، شک در مقید بودن عتق به ایمان رقبه است. و از آن جهت که تقید تحت اختیار مکلف است و تعلق وجوب به آن معقول است پس هنگام شک در وجوب این تقیید، نسبت به آن برائت جاری می‌شود.

۱۲- با توجه به صحیحة «قلت له الرجل ینام و هو علی وضوء ....» چرا برخی قائل شده‌اند که عبارت «و لا ینقض الیقین بالشک» افاده عموم نمی‌کند، یک جواب از آن بنویسید. ص ۲۵۹ - ۲ نمره

۲

جواب: استدلال برای عدم افاده عموم: زیرا در «لا ینقض الیقین بالشک» دو احتمال برای «لام» مطرح است یکی جنس و دیگری عهد که به وضوء بر می‌گردد و تردّد مانع انعقاد اطلاق است. (۱ نمره) جواب: عبارت «فانه علی یقین من وضوئه» ظاهر در تعلیل به امر عرفی است و عرف نیز یقین را به طبیعی یقین حمل می‌کند. (۱ نمره) [جواب دیگر در کتاب]

۱۳- با توجه به عبارت «انه فی الشبهة الحکمیة اذا کان الموضوع باقیاً بکامل قیوده فلا یمکن طرو الشک فی البقاء فلا بّد من زوال بعضها و معه تختل الوحدة» اشکال به «رکن ثالث استصحاب در شبهه حکمیه» را تبیین کرده، پاسخ تفصیلی ارائه دهید. ص ۲۶۲ - ۲ نمره

۲

جواب:

اشکال: در شبهات حکمیه اگر موضوع کاملاً باقی باشد پس شک در بقاء نیست (مگر به نحو نسخ) و اگر موضوع تغییر کرده است دیگر قضیه متیقنه با قضیه مشکوکه وحدت ندارد. جواب: وحدت معتبر در استصحاب وحدت عرفی است نه وحدت دقّی به عبارت دیگر قیود عرفی دو قسم هستند: قیودی که مقوم موضوع هستند [حیثیة تقییدیه] و قیودی که مقوم موضوع نیستند [حیثیت تعلیلیه] در اختلال به قیود اول استصحاب جاری نمی‌شود و در دومی جاری می‌شود.

۱۴- برای «استصحاب حکم معلق» مثال زده، دلیل مرحوم نائینی (ره) بر عدم جریان آن را بنویسید. ص ۲۶۸ - ۲ نمره

۲

جواب: ما قضیه شرطیه داریم که می‌گوید اگر این انگور بجوشد حرام می‌شود ولی ما شک داریم حال که انگور تبدیل به کشمش شده است این قضیه شرطیه هنوز باقی است یعنی باز هم با غلیان نجس می‌شود یا نه استصحاب می‌کنیم آن قضیه شرطیه را. دلیل مرحوم نائینی (ره): در حکم شرعی فقط جعل و مجعول داریم و جعل که شکی در بقائش نیست (رکن ثانی مختل است) و در مجعول نیز یقین به حدوث نداریم (رکن اول مختل است) و اما قضیه شرطیه در عالم تشریع چیزی جز امر منتزع از جعل حرمت بر موضوع مقدرةالوجود نیست پس اثر شرعی ندارد تا استصحاب قضیه جاری شود.

۱۵- «ورود» را با مثالی توضیح داده و فرق اصلی آن را با «تعارض» و «تزاحم» بنویسید. ص ۲۷۹ و ۲۸۰ - ۲ نمره

۲

جواب: در ورود تنافی بین دو مجعول است به این نحو که فعلیت دو حکم با هم تنافی دارد و در حقیقت یک حکم، موضوع حکم دیگر را نفی یا اثبات می‌کند. زیرا فعلیت حکم معلق به تحقق موضوع است. مثال: دو مجعول در دو حکم «اذا وجد الماء فلیتوضأ للصلاة» و «اذا لم یجد الماء فلیتیمم للصلاة» با هم تنافی دارند. زیرا هنگامی که آب نداشته باشد موضوع حکم اول منتفی و در نتیجه حکم فعلی نیست. یعنی دو حکم نمی‌توانند با هم فعلی باشند اگر چه دو جعل با هم تنافی ندارد. (۱/۵ نمره) فرق: در تعارض تنافی بین دو جعل است و در تزاحم تنافی بین دو امتثال است ولی در ورود تنافی بین دو مجعول است. (۰/۵ نمره)

ردیف:

ساعت برگزاری: ۱۰ صبح	نمره: ۲۰	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

شهریور سال تحصیلی ۹۵-۹۴

پایه پنجم ۵ ساله
پایه هفتم ۷ ساله

مهر مدرسه

شناسه یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شناسه یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

کد امتحان:	۲۹۴۳/۱۶
تاریخ:	۱۳۹۵/۰۶/۱۰
عنوان:	اصول فقه ۴
کتاب:	دروس فی علم الاصول «الحلقة الثانیة - ایروانی»
محدوده:	از ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب (ص ۲۸۸-۲۲۱)

نام و نام خانوادگی:........ نام پدر:........ کد ملی:........ مدرسه علمیه:........ شهرستان:........ استان:........

۱- شک در «وجوب روزه» به دلیل «شک در شروع رمضان»، شک در تکلیف است یا مکلف‌به؟ مجرای چه اصلی است؟ ص ۲۳۸ ۰/۵

الف. تکلیف - برائت ☑

ب. تکلیف - اشتغال ☐

ج. مکلف‌به - برائت ☐

د. مکلف‌به - اشتغال ☐

۲- بنابر نظر شهید صدر (ره) کدام تعریف از «استصحاب»، با تمام اتجاهات سازگار است؟ ص ۲۵۲ ۰/۵

الف. مرجعیة الحالة السابقة ☑

ب. الحکم ببقاء ما کان ☐

ج. الیقین بالحدوث ☐

د. الشک فی البقاء ☐

۳- در موارد «علم اجمالی بین وجوب یا حرمت دفن مخالف» کدام‌یک از ارکان أربعه منجزیة علم اجمالی اختلال پیدا کرده است؟ ص ۲۶۷ ۰/۵

الف. الرکن الأول ☐

ب. الرکن الثانی ☐

ج. الرکن الثالث ☐

د. الرکن الرابع ☑

۴- نام حالتی که موضوع استصحاب مرکب باشد و شک در تقدم یک جزء بر دیگری داریم و البته به زمان تحقق هر دو جزء نیز جهل داریم، چیست؟ ص ۲۷۳ ۰/۵

الف. الاستصحاب التعلیقی ☐

ب. الشک بین المحذورین ☐

ج. مجهولی التاریخ ☑

د. توارد الحالتین ☐

۵- نسبت دلیل «لایجب الحج علی المستطیع المدین» به دلیل «یجب الحج علی المستطیع» چیست؟ ص ۲۸۲ ۰/۵

الف. ورود ☐

ب. تقیید ☑

ج. حکومت ☒

د. تخصّص ☐

۶- دو طرف علم اجمالی در نظر کسانی که «دوران بین اقل و اکثر» را به «دوران بین متباینین» بر می‌گردانند، چیست؟ ص ۲۵۹ ۰/۵

الف. تسعه مقیّده و عشره مطلقه ☐

ب. تسعه مطلقه و عشره مقیّده ☐

ج. تسعه مطلقه و تسعه مقیّده ☑

د. تسعه مقیّده و جزء عاشر ☐

۷- دلالت آیه شریفه «وَ مَا كَانَ اللّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (توبه: ۱۱۵) بر برائت را تبیین نمایید. ص ۲۲۶ - ۲ نمره ۲

جواب: یا مراد از اضلال حتمی کردن گمراهی و منحرف بودن آن‌ها است و یا مراد از اضلال نوعی عقاب است مانند پستی و طرد از رحمت الهی و در هر صورت «اضلال» معلق گردیده است بر بیان حدودی که از سوی هر قوم [ما یتقون] باید رعایت شود و از آنجا که بیان به آن‌ها اضافه شده است نه خداوند ظاهر در وصول بیان به آن‌ها است در نتیجه بدون وصول بیان عقاب و ضلالی نیست و این معنای برائت است [نوشتن یک معنای اظلال کافی است].

۸- وجه تردید بین رفع و معارضه در عبارت قائلین به احتیاط: «انها معارضة بنصوص تدل علی وجوب الاحتیاط بنحو ترفع موضوع ادلة البرائة، او تعارضها من دون رفع موضوعها» را به همراه مثال تبیین نمایید. ص ۲۳۲ و ۲۳۳ - ۲ نمره

۲

جواب: اگر دلیل برائت بر ثبوت برائت هنگام عدم بیان تکلیف واقعی یا بیان وجوب احتیاط دلالت کند در این صورت ادله احتیاط، رافع برائت هستند زیرا موضوع برائت عدم بیان وجوب احتیاط است و ادله احتیاط بیان هستند و اگر دلیل برائت بر ثبوت برائت فقط هنگام عدم بیان تکلیف واقعی باشد در این صورت ادله احتیاط معارض ادله برائت می‌شوند.

۹- سه قول مطرح در مقدار «منجِّزیت علم اجمالی» را با ذکر یک مثال تبیین کرده، قول صحیح را با دلیل معیّن کنید. ص ۲۴۲ - ۲ نمره

۲

جواب:

ما اجمالاً به وجوب نماز ظهر یا جمعه علم داریم و در حقیقت نماز ظهر واجب است شکی نیست که علم اجمالی منجّز است ولی در مقدار منجزیت سه قول مطرح است. اول: منجِّز نماز ظهر است فقط. [ولی به دلیل عدم علم به واجب واقعی] ثانی: منجّز هر دو وجوب ظهر و جمعه است. ثالث: منجّز جامع بین ظهر و جمعه است نه بخصوص ظهر و نه خصوص جمعه. (۱/۵ نمره) قول ثالث قول صحیح است زیرا علم اجمالی از جامع سرایت نمی‌کند در نتیجه تنجز نیز بیشتر از جامع سرایت نمی‌کند. (۰/۵ نمره)

۱۰- رکن اول و دوم از ارکان «علم اجمالی» را به همراه دلیل نوشته، برای اختلال هر یک مثال بزنید. ص ۲۴۵ - ۲ نمره

۲

جواب: رکن اول: علم به جامع تکلیف زیرا اگر علم به جامع نباشد شبهه بدوی است. رکن دوم: وقوف علم بر جامع وعدم سرایت به فرد زیرا در این صورت علم اجمالی نیست بلکه علم تفصیلی است و همان فرد منجّز است. مثال اختلال رکن اول: علم داریم یکی از دو لیوان نجس است سپس متوجه می‌شویم اشتباه کرده‌ایم در این صورت رکن اول علم اجمالی مختل می‌شود. مثال اختلال رکن دوم: علم داریم یکی از دو لیوان نجس است سپس متوجه می‌شویم لیوان نجس لیوان سمت راستی است در این صورت رکن دوم علم اجمالی مختل می‌شود.

۱۱- قاعده «الیقین» را به همراه مثال، تبیین کرده و فرق آن با استصحاب را بنویسید. ص ۲۵۳ و ۲۵۴ - ۲ نمره

۲

جواب: اگر یقین به چیزی داشته باشیم و سپس در اصل وجود همان شیء شک کنیم به این معنا که تردید کنیم آیا واقعاً آنچه می‌پنداشتیم هست، وجود داشت (یقین، صادق بود) یا نه (یقین، کاذب بود)، چنین حالتی مجرای قاعده یقین است. مثل اینکه روز جمعه یقین به عدالت شخصی داشتیم و روز شنبه در عدالت همان شخص در روز جمعه شک کنیم. فرق: شک در «قاعده یقین» به خود آنچه یقین به آن تعلق گرفته است، تعلق می‌گیرد به لحاظ همان زمان ولی در استصحاب، شک در بقاء متیقن است بدون آنکه یقین سابق به لحاظ زمان سابق از بین برود.

[به عبارت دیگر شک در قاعده یقین ناقض تکوینی یقین است ولی در استصحاب حقیقةً ناقض نیست و به عبارت دقیق‌تر جریان استصحاب مبتنی است بر فراغ از تحقق آنچه می‌خواهیم اثبات کنیم ولی قاعده یقین چنین نیست.]

۱۲- اشکال در عبارت «فان قیل: انّ الاستصحاب و ان لم یکن جاریاً حین الصلاة و لکنه بعد الفراغ منها یجری لکون الشک فعلیاً آنذاک و بجریانه یثبت بطلانها. قلنا: ...» را بر «عدم جریان استصحاب با شک تقدیری» تبیین کرده، پاسخ دهید. ص ۲۶۱ - ۲ نمره

۲

جواب: به عدم جریان استصحاب حدث در اثناء نماز هنگامی که شک تقدیری است [یعنی اگر ملتفت شود شک می‌کند] برخی اشکال کرده‌اند که اگر چه اثناء نماز به دلیل اینکه شک تقدیری است استصحاب جاری نمی‌شود اما بعد از نماز چون شک فعلی است یعنی ملتفتاً شک دارد، استصحاب حدث جاری می‌گردد و حکم به بطلان نماز می‌گردد. (۱/۵ نمره) پاسخ: اگر ظرف جریان قاعده فراغ و استصحاب یکی باشد، قاعده مقدّم می‌شود و حکم به صحت نماز داده می‌شود. (۰/۵ نمره)

۱۳- با توجه به عبارت «ان الامر التدریجی مجموعة حدوثات و الحدوث الاول و ان کان متیقن التحقق الا انّه لا شک فی ارتفاعه و الثانی یشک فی اصل تحققه...» اشکال بر جریان «استصحاب در تدریجیات» را تبیین کرده، پاسخ دهید. ص ۲۶۹ - ۲ نمره

۲

جواب: برخی به استصحاب در تدریجیات اشکال کرده‌اند که امر تدریجی از مجموعه‌ای از حدوثات تشکیل شده است و حدوث اول اگر چه متیقن التحقق است ولی شکی نداریم که مرتفع شده است و حدوث ثانی شک در اصل تحققش داریم و یقین سابق ندارد پس رکن اول و دوم استصحاب با هم جمع نمی‌شود در نتیجه استصحاب جاری نیست. پاسخ: امر تدریجی نیز وحدت دارد که به سبب آن یک شیء واحد مستمر اعتبار می‌شود به نحوی که به جزء ثانی عنوان بقاء اطلاق می‌شود. [حال یا این وحدت حقیقی است مانند حرکت آب از بالا به پایین و یا عرفی است مانند راه رفتن]

۱۴- دلالت روایت شریف «سألته عن رجل اختلف علیه رجلان من اهل دینه فی امر ... قال علیه‌السلام: یرجئه حتی یلقی من یخبره، فهو فی سعة حتی یلقاه» بر «تخییر» در تعارض مستقر را تبیین کرده، نقد کنید. ص ۲۸۶ - ۲ نمره

۲

جواب: دلالت بر تخییر: قوله «فی سعة حتی یلقاه» دلالت می‌کند به اینکه شخص مخیّر است به هر کدام از روایات عمل کند و این عبارت اخرای جعل حجیت برای تخییر است. نقد: وجیه است که مقصود از سعة، عدم الزام مکلف به فحص و حرکت فوری به سوی امام است، اما روایت متعرّض عمل تا زمان لقاء امام نشده است [بله مقتضای اطلاق مقامی این است که به آنچه قبل از وصول دو خبر متعارض عمل می‌کرده، عمل کند.]

۱۵- تقدم استصحاب بر برائت را بر اساس «حکومت» تبیین نمایید. ص ۲۸۷ - ۱ نمره

۱

جواب: به دلیل اینکه در موضوع برائت عدم علم به حرمت اخذ شده است و دلیل استصحاب دلالت می‌کند بر اینکه علم تعبّدی به حرمت داریم [شک مسبوق به یقین را نازل منزله علم قرار داده است] در نتیجه مقدم بر برائت می‌شود.

ردیف:

ساعت برگزاری: ۱۰ صبح	نمره: ۲۰	مدت پاسخ: ۹۰ دقیقه

شناسه یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف

شناسه یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

نیمسال دوم تحصیلی ۹۵-۹۴

پایه پنجم ورودی بهمن

مهر مدرسه

کد امتحان:	۲۹۴۲/۲۷
تاریخ:	۱۳۹۵/۰۳/۱۶
عنوان:	اصول فقه ۴
کتاب:	دروس فی علم الاصول - حلقه ثانیه «آقای ایروانی»
محدوده:	از ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب (ص ۲۸۸-۲۲۱)

نام و نام خانوادگی: .... نام پدر: .... کد ملی: .... مدرسه علمیه: .... شهرستان: .... استان: ....

۱- بنابر نظر شهید صدر (ره) مراد از «شبهه» در روایت «الوقوف عند الشبهه خیر من الاقتحام فی الهلکة» چیست؟ ص ۲۳٤ | ۰/۵

الف. شبهات در علم اجمالی ☐

ب. دعوت‌های شبیه حق ☑

ج. تکلیف مشکوک ☐

د. متشابهات قرآن ☐

۲- در هنگامی که می‌دانم «در بین گوشت‌های موجود در فروشگاه بسیار بزرگ، یکی ذبح شرعی نشده است» کدام‌یک از ارکان علم اجمالی مختل می‌شود؟ ص ۲٤۷ | ۰/۵

الف. رکن اول ☐

ب. رکن دوم ☐

ج. رکن سوم ☐

د. رکن چهارم ☑

۳- بنابر نظر آیة الله خویی (ره) اگر استصحاب، اماره باشد، چگونه تعریف می‌شود؟ ص ۲۵۲ | ۰/۵

الف. مرجعیة الحالة السابقة ☐

ب. الحکم ببقاء ما کان ☐

ج. الیقین بالحدوث ☑

د. الشک فی البقاء ☐

٤- لازمه بیان رکن چهارم استصحاب به صیغه «ان شرط جریان الاستصحاب ان یکون المستصحب حکماً شرعیاً او موضوعاً لحکم شرعی» چیست؟ ص ۲٦۳ | ۰/۵

الف. عدم جریان استصحاب عدم تکلیف ☑

ب. عدم جریان استصحاب حکم شرعی ☐

ج. عدم جریان استصحاب تکلیف ☐

د. جریان استصحاب عدم تکلیف ☐

۵- نام حالتی که شخص می‌داند وضوء گرفته است ولی نمی‌داند صبح وضوء گرفته یا ظهر، چیست؟ ص ۲۷۱ | ۰/۵

الف. الشک فی التقدم و التاخر ☑

ب. تعارض الاستصحابین ☐

ج. مجهولی التاریخ ☐

د. توارد الحالتین ☐

٦- اگر موضوع اصل را «عدم علم» بدانیم و شارع نیز اماره را به «منزله علم» قرار داده باشد، وجه تقدم اماره بر اصل چیست؟ ص ۲۸۸ | ۰/۵

الف. ورود ☐

ب. تقیید ☐

ج. حکومت ☑

د. تخصیص ☐

۷- استدلال به حدیث «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی» بر «برائت» را تقریر کرده، چه اشکالی بر آن مطرح است؟ ص ۲۲٦ - ۲ نمره | ۲

جواب:

استدلال: اطلاق مساوق امان دادن است و شخصی که شک در تکلیف دارد در حق او صدق می کند که بگوییم نهی به او نرسیده است، پس عدم ورود نهی [عدم وصول نهی] ایمنی‌بخش از تکلیف مشکوک است یعنی برائت از تکلیف مشکوک. (۱ نمره) اشکال: در معنای «ورود» در روایت، دو احتمال وجود دارد زیرا می‌توان ورود را به دو نحو لحاظ کرد. ۱. وصول به مکلف ۲. صدور از شارع . با توجه به اینکه دو احتمال در معنای ورود است که در یک معنا نمی‌تواند برائت ثابت شود، برائت ثابت نیست. (۱ نمره)

۸- بر فرض قبول معارضه ادله احتیاط با ادله برائت در شبهات بدوی، دو دلیل برای ترجیح ادله برائت بنویسید. ص ۲۳۶ - ۱/۵ نمره

جواب:

۱/۵

۱. دلیل برائت، قرآنی است و چون قطعی است مقدّم می‌شود. ۲. دلیل برائت مختص به شبهات بدوی است [نه شبهات مقرون به علم اجمالی] در نتیجه اخص است و به دلیل اخصیت مقدم می‌شود. (ترجیح سوم در کتاب)

۹- با توجه به عبارت «ان الترخیص فی جمیع الاطراف ینافی الوجوب الواقعی المعلوم بالاجمال، لما تقدّم من تنضاد الاحکام التکلیفیة» چرا مشهور قائل به استحاله جریان برائت در همه اطراف علم اجمالی شده‌اند؟ نظر شهید صدر (ره) چیست؟ ص ۲۴۳ - ۲ نمره

۲

جواب: دلیل مشهور بر استحالة: ترخیص در تمام اطراف معنایش این است که مثلاً مولی چیزی را واجب کند و در همان وقت ترک آن را اجازه دهد یعنی دو حکم الزام و ترخیص در یک واقعه جمع شوند که با توجه به تضاد احکام تکلیفیه استحاله دارد، نظر شهید صدر (ره): این سخن در صورتی وجیه است که ترخیص واقعی باشد [یعنی در موضوعش شک اخذ نشود] ولی به دلیل این که ترخیص در هر طرف علم اجمالی، حکم ظاهری است منافاتی با جمع شدن با حکم واقعی دیگر ندارد.

۱۰- حکم مسأله در «شک در شرطیة» چیست؟ با دلیل تبیین نمائید. ص ۲۴۹ و ۲۵۰ - ۲ نمره

۲

جواب: مانند شک در جزئیت، حکمش برائت است زیرا مرجع شرط شرعی برمی‌گردد به تحصیص واجب به حصه‌ای خاص یعنی تعلق می‌گیرد امر به فعل و تقید و این معنایش این است که شک در شرطیت برمی‌گردد به علم به ذات فعل و شک در تقیّد که برائت جاری می‌شود. [مورد از موارد دوران بین اقل و اکثر است نه متباینین]

۱۱- عبارت «کیف اعتبر البناء علی الشک نقضاً للیقین و الحال ان الیقین السابق بالطهارة لا یزول بالشک فی الحدث بقاءا فان ذاک متعلق بالحدوث و هذا بالبقاء، فکیف اسند نقض الیقین الی الشک» را درباره «روایت استصحاب» توضیح داده، جوابی برای آن بنویسید. ص ۲۵۶ - ۲ نمره

۲

جواب: اشکال شده است که چطور در روایت، شک را ناقض یقین قلمداد کرده در صورتی که یقین سابق به طهارت با شک به حدث بقاءاً زائل نمی‌شود زیرا یقین به حدوث تعلق گرفته و شک به بقاء، پس چطور در روایت «لا تنقض الیقین بالشک» نقض یقین را به شک اسناد داده است. جواب: اگر چه در استصحاب، شک ناقض تکوینی یقین نیست زیرا متعلق یقین و شک متفاوت است اما با عنایت عرفی اسناد مذکور تصحیح می‌شود زیرا عرف زمان را الغاء نموده و دو متعلق را از حیث ذات یکی می‌داند، در نتیجه اسناد تصحیح می‌شود.

۱۲- مراد از «شک تقدیری» و «شک فعلی» در بحث استصحاب را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۶۱ - ۲ نمره

۲

جواب: گاهی اوقات شک فعلی است یعنی شخص بالفعل شک دارد ولی گاهی اوقات شک تقدیری است یعنی اگر شخص التفات داشته باشد، شک می‌کند، مثلاً اگر مکلف یقین به حدث داشته و سپس در بقاء حدث شک کند و با همین شک نماز بخواند، نمازش باطل است زیرا شک او فعلی است و استصحاب جاری می‌شود اما اگر مکلف یقین به حدث داشته باشد و غفلت کند و نماز بخواند و بعد از نماز شک کند که آیا حین نماز حدث باقی بود یا نه در این حالت شک تقدیری است یعنی اگر ملتفت بود شک در بقاء حدث داشت، در این صورت استصحاب جاری نمی‌شود.

۱۳- حکم استصحاب «کلی قسم سوم» را در ضمن مثالی بیان کرده، دلیل حکم را تبیین کنید. ص ۲۷۰ - ۲ نمره

۲

جواب: اگر یقین داشته باشیم که زید وارد مسجد شده و پس از مدتی خارج گردیده است ولی شک کنیم که همزمان با خروج زید و یا قبل از خروجش آیا خالد داخل مسجد گردیده به گونه‌ای که مسجد خالی از انسان نمانده باشد یا نه. چنانچه بخواهیم طبیعی انسان را در مسجد استصحاب کنیم این مورد از مصادیق استصحاب کلی قسم سوم خواهد بود [که انعدام فرد اول یقینی و وجود فرد ثانی مشکوک می‌باشد]. در این قبیل موارد، استصحاب جاری نمی‌شود (۱ نمره) زیرا رکن سوم استصحاب مختل است و وجودِ کلی که حدوثش در زمان اول قطعی و یقینی بود [حصه طبیعی ضمن فرد اول] با وجودِ کلی که بقائش در زمان ثانی مشکوک است [حصه طبیعی ضمن فرد دوم] فرق دارد و متعلق یقین و شک متحد نیستند. (۱ نمره)

۱۴- «تعارض» اصطلاحی را تعریف کرده، چه تفاوتی با «تزاحم» دارد؟ ص ۲۷۸ و ۲۷۹ - ۱/۵ نمره

۱/۵

جواب: تعارض عبارت است از تنافی دو دلیل از حیث مدلولهای‌شان به این نحو که ثبوت هر دو دلیل با هم در واقع امکان ندارد. (۱ نمره) با توجه به تعریف تعارض، تنافی بین دو جعل است ولی تزاحم تنافی بین دو امتثال است که ربطی بین دو مدلول ندارد. (۰/۵ نمره)

۱۵- پنج احتمال در «قاعده اولیه تعارض مستقر» را نوشته، یک احتمال را با دلیل رد کنید. ص ۲۸۳ و ۲۸۴ - ۲ نمره

۲

جواب: احتمال اول: شارع برای هر دو دلیل جعل حجیت کند که مستحیل است زیرا هر کدام از ادله دیگری را تکذیب می‌کند، احتمال دوم: شارع برای هر دو دلیل جعل حجیت کند ولی مشروط به عدم التزام به دلیل دیگر، این احتمال نیز غیر معقول است زیرا در صورت عدم التزام به هر دو دلیل، هر دو حجت هستند که محذور سابق پیش می‌آید. احتمال سوم: شارع برای یک طرف معین حجیت را جعل کند. این احتمال نیز مردود است زیرا دلیل و توجیهی بر حجیت یک طرف نداریم. احتمال چهارم: شارع برای یک طرف به نحو تخییری حجیت جعل کرده است، این احتمال نیز مردود است زیرا دلیل حجیت، اثبات وجوب تخییری نمی‌کند. در نتیجه فقط تساقط که احتمال پنجم است باقی می‌ماند. (پنج احتمال ۱/۲۵ نمره و یک دلیل رد ۰/۷۵ نمره)

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

اختصاصی نیمه حضوری

نیمسال اول ۹۵-۹۴

پایه پنجم ۵ ساله

ردیف:

نوع حضوری: | ساعت برگزاری: ۱۰ صبح | نمره: ۲۰ | مدت پاسخگویی: ۹۰ دقیقه

نمره به حروف	نمره به عدد	شناسه یا نام مصحح اول
نمره به حروف	نمره به عدد	شناسه یا نام مصحح دوم

کد امتحان:	۲۹۴۱/۲۹
تاریخ:	۱۳۹۴/۱۰/۱۹
عنوان:	اصول فقه ۴
کتاب:	دروس فی علم الاصول «حلقه ثانیه - آقای ایروانی»
محدوده:	از ابتدای اصول عملیه تا ابتدای بحث مقدار ما یثبت بالاستصحاب (ص ۲۸۶-۲۳۸)

مهر مدرسه

نام و نام خانوادگی: .... نام پدر: .... کد ملکی: .... مدرسه علمیه: .... شهرستان: .... استان: ....

۱- قاعده اولیه در صورت شک در تکلیف شرعی، بنابر قاعده قبح بلابیان چیست؟ ص ۲۳۹ و ۲۴۰ — ۰/۵

الف. برائت ☑

ب. استصحاب ☐

ج. اشتغال عقلی ☐

د. احتیاط شرعی ☐

۲- حکم در مسأله «شخصی شک دارد روزه بگیرد یا نه زیرا شک دارد امروز روز اول ماه رمضان است» از حیث اصولی کدام است؟ ص ۲۵۶ — ۰/۵

الف. شک در تکلیف و مجرای اشتغال ☐

ب. شک در مکلف به و مجرای برائت ☐

ج. شک در مکلف به و مجرای اشتغال ☐

د. شک در تکلیف و مجرای برائت ☑

۳- اگر مکلّف قبل از علم اجمالی به «یک طرف از علم اجمالی» مضطر شود، کدام‌یک از ارکان علم اجمالی مختل است؟ ص ۲۶۵ — ۰/۵

الف. رکن اول ☑

ب. رکن دوم ☐

ج. رکن سوم ☐

د. رکن چهارم ☐

۴- با توجه به عبارت «اذا علمنا ان السورة جزء ولکن شککنا فی عمومها للمریض أو اختصاصها بالصحیح» نسبت به وجوب سوره برای مریض چه حکمی جاری می‌شود؟ ص ۲۶۸ و ۲۶۹ — ۰/۵

الف. استصحاب ☐

ب. احتیاط ☐

ج. برائت ☑

د. توقف ☐

۵- در کدام مورد «نقض یقین» تکوینی است؟ ص ۲۷۷ — ۰/۵

الف. قاعده مقتضی و مانع ☐

ب. اصل استصحاب ☐

ج. قاعده یقین ☑

د. اصل اشتغال ☐

۶- آیا کلمه «الشک» در روایتِ زراره (که می‌فرماید: لا تنقض الیقین بالشک ابداً) شامل حالت ظن می‌شود؟ چرا؟ ص ۲۸۳ — ۰/۵

الف. نعم؛ بقرینة موردِ الروایة و کون السائل ظاناً بالحدث. ☐

ب. نعم؛ بقرینة قوله «و لکن انقضه بیقینٍ آخر». ☑

ج. لا؛ لتنویع الظن بالمعتبر و غیر المعتبر. ☐

د. لا؛ لان الشک لایشمل الظن وضعاً.

۷- نحوه استدلال به آیه شریفه «قُلْ لا أجِدُ فی ما أُوحِیَ إلَی مُحَرَّماً عَلی طاعِمٍ یطعَمُهُ إلاَّ أنْ یکُونَ مَیتَةً أوْ دَماً مَسْفُوحاً ...» (انعام: ۱۴۵) بر برائت شرعیه را توضیح داده، شهید صدر (ره) چه اشکالی بر این استدلال وارد می‌کند؟ ص ۲۴۳ - ۲ نمره — ۲

جواب: در این آیه، خداوند متعال نحوه محاجّه [و مباحثه] با یهود را به پیامبر می‌آموزد. خداوند نحوه اثبات برائت و عدم حرمت را «عدم وجدان» و «نیافتن دلیل» بیان می‌کند و این نشان از آن است که «نیافتنِ دلیل [بر حکم شرعی]» کافی است در تأمین و عدم عقاب و این همان اثبات «برائت شرعیه» است.

اشکال: نیافتن پیامبر در وحی الهی، به معنای عدم وجود حکم است؛ یعنی هر چه که بر پیامبر وحی نشود و حرمتش به پیامبر اعلام نگردد، در واقع حرام نبوده و حکم حرمت برایش تشریع نشده است. نمی‌توان این قضیه را قیاس کرد با «نیافتن مکلف» که احتمال دارد به خاطر از بین رفتنِ نصوص باشد. [به عبارت دیگر: مکلف نمی‌تواند پس از فحص و یأس بگوید: «چون من نیافتم پس این چیز در واقع حرام نیست و اصلاً حرمتی جعل نشده است»؛ چرا که شاید حکم جعل شده و به ما نرسیده باشد. پس این آیه - که اثباتِ عدمِ جعل می‌کند - با اثبات یا نفی برائت شرعیه، بیگانه است.]

۸- با توجه به عبارت «فقد یستدل له بوحدة السیاق لاسم الموصول» چگونه حدیث رفع مختص به شبهه موضوعیه می‌شود؟ پاسخ آن چیست؟ ص ۲۴٦ - ۲ نمره

۲	

جواب: برخی حدیث رفع را مختص شبهات موضوعیه می‌دانند زیرا «ما» در «ما اضطروا الیه» و فقرات دیگر ظهور در رفع موضوع دارد در نتیجه در «ما لایعلمون» هم به قرینه سیاق مراد شبهات موضوعیه است. جواب: اسم موصول در تمام موارد به یک معنا است و آن به معنای شیء است و درنهایت می‌توان گفت که مصادیق «ما» مختلف است و تفاوت در مصداق موجب از بین بردن وحدت سیاق نیست.

۹- عبارت «الإعتراض الاوّل علی أدلّة البرائة الشرعیّة هو أنّ الادلة خاصة بمورد الشک البدوی دون المقترن بالعلم الاجمالی و واضح ان الفقیه لو لاحظ جمیع الشبهات حصل له علم اجمالی بثبوت التکالیف فلا یمکن اجراء البرائة.» را شرح داده و جواب شهید (ره) از اشکال را بنویسید. ص ۲۵۰ و ۲۵۱ - ۲ نمره

۲	

جواب: اشکال اولی که به ادله برائت وارد کرده‌اند این است که این ادلّه برائت در جایی جاری می‌شود که شک بدوی باشد نه مقرون به علم اجمالی و در شبهات حکمیه شک مقرون به علم اجمالی است چون فقیه وقتی به مجموع شبهات حکمیّه نظر می‌کند مثلاً اگر بیست تا شبهه دارد یقین دارد یک سری تکالیف واقعی در میان آن‌ها وجود دارد که مثلاً کمتر از پنج تا نیست، و با وجود این علم اجمالی، جایی برای اجرای برائت شرعی در هیچ‌کدام از این شبهات حکمیّه که هر یک از آن‌ها از اطراف این علم اجمالی هستند باقی نمی‌ماند.

جواب شهید صدر (ره): بله، فقیه قبل از استنباط احکام شرعی از ادلّه، علم اجمالی به وجود یک سری تکالیف واقعی دارد ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادلّه، آن علم اجمالی منحلّ می‌شود به علم تفصیلی به این مقدار از تکالیف که استنباط کرده و کمتر از معلوم بالاجمال او هم نیست و در مابقی شبهات دیگر علم به وجود تکلیفی در میان آن‌ها برایش باقی نمی‌ماند و لذا شک در این مابقی بدوی است و جای برائت شرعی.

۱۰- رکن چهارم از ارکان «منجزیت علم اجمالی» را به همراه مثالی که عدم این رکن موجب سقوط تنجّز علم اجمالی گشته را بیان کرده، دلیل رکنیت آن را بنویسید. ص ۲٦٤ و ۲٦۷ - ۲ نمره

۲	

جواب: رکن چهارم: اجرای برائت در همه اطراف موجب ترخیص در مخالفت قطعیه شود و وقوع مخالفت قطعیه به اذن شرعی در خارج امکان داشته باشد. مثلاً در حالت دوران امر بین محذورین حتی اگر در دو طرف برائت جاری شود موجب مخالفت قطعیه نمی‌شود. دلیل رکنیت: محذور اجرای برائت در دو طرف به دلیل این است که موجب مخالفت قطعیه می‌شود که با تکلیف معلوم بالاجمال منافات دارد (عقلاً یا عقلائیاً) پس وقتی اجرای برائت در اطراف موجب مخالفت قطعیه نشود، می‌توان آن را اجرا نمود و با اجرای برائت در اطراف دیگر علم اجمالی از منجزیت ساقط می‌شود. [یعنی موافقت قطعیه لازم نیست.]

۱۱- برخی در موارد «شک در شرطیت» بین «متعلق» و «متعلق متعلق» تفصیل داده‌اند، دلیل ایشان را به همراه مثالی تبیین نمائید. ص ۲۷۰ - ۲ نمره

۲	

جواب: در اعتق رقبه، شرط گاهی شرط متعلق است مثل دعا هنگام عتق و گاهی شرط متعلقِ متعلق است مثل ایمان برای رقبه، در صورت اول برائت جاری می‌شود زیرا قیدیت دعا هنگام عتق یعنی امر به تقیید عتق به دعا پس شک در قیدیت، به شک در وجوب تقیید بر می‌گردد و برائت جاری می‌شود ولی در صورت دوم برائت جاری نمی‌شود زیرا قیدیت ایمان برای رقبه به دلیل اینکه غیر اختیاری است [مقدور نیست] به معنای امر به تقیید نیست [چون قدرت شرط تکلیف است] در نتیجه شک در قیدیت به شک در وجوب تقیید بر نمی‌گردد تا برائت جاری شود.

۱۲- اعتراض آیة الله خویی (ره) را در عبارت «أعترض السید الاستاذ بانّه یلزم فی التعریف ان یکون تاماً علی کل الاتجاهات و الحال انّ التعریف الاستصحاب بالحکم ببقاء ما کان لیس کذلک و یناسب افتراض کون الاستصحاب اصلاً اذ علی الامارية یلزم تعریفه بالیقین بالحدوث» بر تعریف استصحاب تبیین کرده، دو نقد شهید صدر (ره) بر ایشان را بنویسید. ص ۲۷۲ و ۲۷۳ - ۲ نمره

۲	

جواب: آیة الله خویی (ره) به تعریف مشهور از استصحاب اشکال می‌کنند که ملائم با تمام مبانی در استصحاب نیست زیرا برخی استصحاب را اصل عملی می‌دانند و برخی استصحاب را اماره و این تعریف مناسب با اصل بودن است و تعریف مناسب برای کسانی که استصحاب را اماره می‌دانند، یقین به حدوث است زیرا یقین به حدوث اماره است برای بقاء سابق. نقد شهید صدر (ره): ۱. در حقیقت اماره بر بقاء سابق، خود حدوث است نه یقین به حدوث زیرا یقین فقط طریق است ۲. هر چند که دو مبنا در حقیقت استصحاب است اما هر دو حکم ظاهری هستند در نتیجه می‌توان به عنوان جامع از حکم ظاهری در تعریف استفاده نمود که هر دو مبنا را شامل شود. [نقد دیگر در کتاب]

۱۳- برخی اشکال کرده‌اند که صحیحة زرارة: «قلت له: الرجل ینام و هو علی وضوء، اتوجب الخفقة و الخفقتان علیه الوضوء... قال: لا، حتی یستیقن انّه قد نام ... و لاینقض الیقین ابداً بالشک» ناظر به قاعده مقتضی و مانع است نه استصحاب، دلیل آن‌ها را به همراه یک نقد بنویسید. ص ۲۸۰ - ۲ نمره

۲	

جواب: اشکال: با توجه به اینکه در روایت، یقین به وضوء تعلق گرفته و وضوء نیز آنی الحصول است، در نتیجه بقائی ندارد که در آن شک کنیم بلکه وضوء مقتضی طهارت است. بنابر این یقین به مقتضی طهارت تعلق گرفته است و شک متعلق به حدوث مانع است. جواب: همانطور که وضوء برای غسل و مسح استعمال می‌شود به معنای طهارت نیز استعمال می‌شود و شاهد آن اینکه در روایت آمده: «ینام و هو علی وضوء» و از حدث به ناقض وضوء تعبیر شده است [و ظهور در «لاتنقض الیقین بالشک» در وحدت متعلق یقین و شک استصحاب را متعین می‌کند]

۱۴- ارکان استصحاب را نام ببرید. ص ۲۸۲ - ۱ نمره

۱	

جواب: ۱. یقین به حدوث ۲. شک در بقاء ۳. وحدت قضیة مشکوک و متیقن ٤. ترتّب اثر بر بقاء حالت سابق

۲	

۱۵- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۸۵ - ۲ نمره

جواب: قیودی که عرفاً مقوّم موضوع هستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اکرم الضیف» در این صورت، ضیف بودن، قیدِ وجوب اکرام است. حال اگر زید مهمانِ کسی شده باشد تا وقتی ضیف است، وجوب اکرام، ناشی از قید ضیف بودن است و پس از انتفای قید، عرف حکم می‌کند که وجوب مذکور منتفی است؛ لذا اگر زید از خانه میزبان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را ادامه وجوبِ قبلی نمی‌داند؛ چون «ضیف بودن» را مقوّمِ موضوع می‌داند، این قیود را حیثیات تقییدیه می‌نامند. قیودی که عرفاً مقوّم موضوع نیستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «الماء المتغیر بالنجاسة متنجس» در این صورت، «تغیّر» قیدِ تنجس است؛ حال اگر آبی تغیر فعلی داشته باشد و بالفعل بوی بول بدهد یقیناً حکم تنجس موجود است، اگر این تغیّر فعلاً زایل شد و دیگر این آب بوی بول نداد، عرف همچنان آب را متنجس می‌داند این قیود را حیثیات تعلیلیه می‌نامند.

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

نیمسال اول ۹۵-۹۴
پایه پنجم ۵ ساله
پایه هفتم ۷ ساله

مهر مدرسه

کد درس:	۲۹۴۱/۲۳
تاریخ:	۱۳۹۴/۱۰/۱۹
متن:	اصول فقه ۴
کتاب:	دروس فی علم الاصول «حلقه ثانیه - آقای ایروانی»
محدوده:	از ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب (ص ۳۱۲-۲۳۸)

وضعیت:

ساعت برگزاری: ۱۰ صبح	نمره: ۲۰	مدت پاسخگویی: ۹۰ دقیقه

شناسه یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شناسه یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

نام و نام خانوادگی: ...... نام پدر: ...... کد ملی: ...... مدرسه علمیه: ...... شهرستان: ...... استان: ......

۱- حکم در مسأله «شخصی شک دارد روزه بگیرد یا نه زیرا شک دارد امروز روز اول ماه رمضان است» از حیث اصولی کدام است؟ ص ۲۵٦ (۰/۵)

الف. شک در تکلیف و مجرای اشتغال ☐
ب. شک در مکلف به و مجرای برائت ☐
ج. شک در مکلف به و مجرای اشتغال ☐
د. شک در تکلیف و مجرای برائت ☑

۲- اگر مکلّف قبل از علم اجمالی به «یک طرف از علم اجمالی» مضطر شود، کدام‌یک از ارکان علم اجمالی مختل است؟ ص ۲٦۵ (۰/۵)

الف. رکن اول ☑
ب. رکن دوم ☐
ج. رکن سوم ☐
د. رکن چهارم ☐

۳- در کدام مورد «نقض یقین» تکوینی است؟ ص ۲۷۷ (۰/۵)

الف. قاعده مقتضی و مانع ☐
ب. اصل استصحاب ☐
ج. قاعده یقین ☑
د. اصل اشتغال ☐

٤- نام حالتی که شخص اجمالاً می‌داند هم حادث شده و هم وضوء گرفته، ولی نمی‌داند کدام مقدم است، چیست؟ ص ۲۹۷ (۰/۵)

الف. الشک فی التقدم و التاخر ☐
ب. الشک بین المحذورین ☐
ج. مجهولی التاریخ ☐
د. توارد الحالتین ☑

۵- کدام گزینه طبق نظر مشهور، نسبت به استصحاب سببی و مسببی صحیح است؟ ص ۲۹۹ (۰/۵)

الف. هر دو جاری می‌شوند و تعارض می‌کنند. ☐
ب. انهدام رکن دوم مسببی توسط سببی ☑
ج. عدم جریان هر یک با جریان دیگری ☐
د. مسببی بر سببی حاکم است. ☐

٦- اگر موضوع اصل را «عدم حجت» بدانیم و اماره را نیز حجت، چرا اماره بر اصل مقدم است؟ ص ۳۱۲ (۰/۵)

الف. ورود ☑
ب. حکومت ☐
ج. تخصّص ☐
د. تخصیص ☐

ص۲۴۲

۷- نحوه استدلال به آیه شریفه «قُلْ لا أَجِدُ فی ما أُوحِیَ إِلَیَّ مُحَرَّماً عَلى طاعِمٍ یَطْعَمُهُ إِلاَّ أَنْ یَکُونَ مَیْتَةً أَوْ دَماً مَسْفُوحاً ...» (انعام: ۱٤۵) بر برائت شرعیه را توضیح داده، شهید صدر (ره) چه اشکالی بر این استدلال وارد می‌کند؟ ص ۲٤۳ - ۲ نمره (۲)

جواب: در این آیه، خداوند متعال نحوه محاجّه [و مباحثه] با یهود را به پیامبر می‌آموزد. خداوند نحوه اثبات برائت و عدم حرمت را «عدم وجدان» و «نیافتن دلیل» بیان می‌کند و این نشان از آن است که «نیافتنِ دلیل [بر حکم شرعی]» کافی است در تأمین و عدم عقاب و این همان اثبات «برائت شرعیه» است.

اشکال: نیافتن پیامبر در وحی الهی، به معنای عدم وجود حکم است؛ یعنی هر چه که بر پیامبر وحی نشود و حرمتش به پیامبر اعلام نگردد، در واقع حرام نبوده و حکم حرمت برایش تشریع نشده است. نمی‌توان این قضیه را قیاس کرد با «نیافتن مکلف» که احتمال دارد به خاطر از بین رفتن نصوص باشد. [به عبارت دیگر: مکلف نمی‌تواند پس از فحص و یأس بگوید: «چون من نیافتم پس این چیز در واقع حرام نیست و اصلاً حرمتی جعل نشده است»؛ چرا که شاید حکم جعل شده و به ما نرسیده باشد. پس این آیه - که اثباتِ عدمِ جعل می‌کند - با اثبات یا نفی برائت شرعیه، بیگانه است.]

۸- عبارت «الإعتراض الاوّل علی أدلّة البرائة الشرعیّة هو انّ الادلة خاصة بمورد الشک البدوی دون المقترن بالعلم الاجمالی و واضح ان الفقیه لو لاحظ جمیع الشبهات حصل له علم اجمالی بثبوت التکالیف فلا یمکن اجراء البرائة.» را شرح داده و جواب شهید (ره) از اشکال را بنویسید. ص ۲۵۰ و ۲۵۱ - ۲ نمره

۲

جواب: اشکال اولی که به ادله برائت وارد کرده‌اند این است که این ادلّه برائت در جایی جاری می‌شود که شک بدوی باشد نه مقرون به علم اجمالی و در شبهات حکمیه شک مقرون به علم اجمالی است چون فقیه وقتی به مجموع شبهات حکمیّه نظر می‌کند مثلاً اگر بیست تا شبهه دارد یقین دارد یک سری تکالیف واقعی در میان آن‌ها وجود دارد که مثلاً کمتر از پنج تا نیست، و با وجود این علم اجمالی، جایی برای اجرای برائت شرعی در هیچ‌کدام از این شبهات حکمیّه که هر یک از آن‌ها از اطراف این علم اجمالی هستند باقی نمی‌ماند.

جواب شهید صدر (ره): بله، فقیه قبل از استنباط احکام شرعی از ادلّه، علم اجمالی به وجود یک سری تکالیف واقعی دارد ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادلّه، آن علم اجمالی منحلّ می‌شود به علم تفصیلی به این مقدار از تکالیف که استنباط کرده و کمتر از معلوم بالاجمال او هم نیست و در مابقی شبهات دیگر علم به وجود تکلیفی در میان آن‌ها برایش باقی نمی‌ماند و لذا شک در این مابقی بدوی است و جای برائت شرعی.

۹- رکن چهارم از ارکان «منجزیت علم اجمالی» را به همراه مثالی که عدم این رکن موجب سقوط تنجّز علم اجمالی گشته را بیان کرده، دلیل رکنیت آن را بنویسید. ص ۲٦٤ و ۲٦۷ - ۲ نمره

۲

جواب: رکن چهارم: اجرای برائت در همه اطراف موجب ترخیص در مخالفت قطعیه شود و وقوع مخالفت قطعیه به اذن شرعی در خارج امکان داشته باشد. مثلاً در حالت دوران امر بین محذورین حتی اگر در دو طرف برائت جاری شود موجب مخالفت قطعیه نمی‌شود. دلیل رکنیت: محذور اجرای برائت در دو طرف به دلیل این است که موجب مخالفت قطعیه می‌شود که با تکلیف معلوم بالاجمال منافات دارد (عقلاً یا عقلائیاً) پس وقتی اجرای برائت در اطراف موجب مخالفت قطعیه نشود، می‌توان آن را اجرا نمود و با اجرای برائت در اطراف دیگر علم اجمالی از منجزیت ساقط می‌شود. [یعنی موافقت قطعیه لازم نیست.]

۱۰- برخی در موارد «شک در شرطیت» بین «متعلق» و «متعلق متعلق» تفصیل داده‌اند، دلیل ایشان را به همراه مثالی تبیین نمائید. ص ۲۷۰ - ۲ نمره

۲

جواب: در اعتق رقبه، شرط گاهی شرط متعلق است مثل دعا هنگام عتق و گاهی شرط متعلقِ متعلق است مثل ایمان برای رقبه، در صورت اول برائت جاری می‌شود زیرا قیدیت دعا هنگام عتق یعنی امر به تقیید عتق به دعا پس شک در قیدیت، به شک در وجوب تقیید بر می‌گردد و برائت جاری می‌شود ولی در صورت دوم برائت جاری نمی‌شود زیرا قیدیت ایمان برای رقبه به دلیل اینکه غیر اختیاری است [مقدور نیست] به معنای امر به تقیید نیست [چون قدرت شرط تکلیف است] در نتیجه شک در قیدیت به شک در وجوب تقیید بر نمی‌گردد تا برائت جاری شود.

۱۱- اعتراض آیة الله خویی (ره) را در عبارت «اعترض السید الاستاذ بانّه یلزم فی التعریف ان یکون تاماً علی کل الاتجاهات و الحال انّ التعریف الاستصحاب بالحکم ببقاء ما کان لیس کذلک و یناسب افتراض کون الاستصحاب اصلاً اذ علی الاماریة یلزم تعریفه بالیقین بالحدوث» بر تعریف استصحاب تبیین کرده، دو نقد شهید صدر (ره) بر ایشان را بنویسید. ص ۲۷۲ و ۲۷۳ - ۲ نمره

۲

جواب: آیة الله خویی (ره) به تعریف مشهور از استصحاب اشکال می‌کنند که ملائم با تمام مبانی در استصحاب نیست زیرا برخی استصحاب را اصل عملی می‌دانند و برخی استصحاب را اماره و این تعریف مناسب با اصل بودن است و تعریف مناسب برای کسانی که استصحاب را اماره می‌دانند، یقین به حدوث است زیرا یقین به حدوث اماره است برای بقاء سابق. نقد شهید صدر (ره): ۱. در حقیقت اماره بر بقاء سابق، خود حدوث است نه یقین به حدوث زیرا یقین فقط طریق است ۲. هر چند که دو مبنا در حقیقت استصحاب است اما هر دو حکم ظاهری هستند در نتیجه می‌توان به عنوان جامع از حکم ظاهری در تعریف استفاده نمود که هر دو مبنا را شامل شود. [نقد دیگر در کتاب]

۱۲- برخی اشکال کرده‌اند که صحیحة زرارة: «قلت له: الرجل ینام و هو علی وضوء، اتوجب الخفقة و الخفقتان علیه الوضوء... قال: لا، حتی یستیقن انّه قد نام ... و لاینقض الیقین ابداً بالشک» ناظر به قاعده مقتضی و مانع است نه استصحاب، دلیل آن‌ها را به همراه یک نقد بنویسید. ص ۲۸۰ - ۲ نمره

۲

جواب: اشکال: با توجه به اینکه در روایت، یقین به وضوء تعلق گرفته و وضوء نیز آنی الحصول است، در نتیجه بقائی ندارد که در آن شک کنیم بلکه وضوء مقتضی طهارت است. بنابر این یقین به مقتضی طهارت تعلق گرفته است و شک متعلق به حدوث مانع است، جواب: همانطور که وضوء برای غسل و مسح استعمال می‌شود به معنای طهارت نیز استعمال می‌شود و شاهد آن اینکه در روایت آمده: «ینام و هو علی وضوء» و از حدث به ناقض وضوء تعبیر شده است [و ظهور در «لاتنقض الیقین بالشک» در وحدت متعلق یقین و شک استصحاب را متعین می‌کند]

۱۳- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۸۵ - ۲ نمره

۲

جواب: قیودی که عرفاً مقوِّم موضوع هستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اکرم الضیف» در این صورت، ضیف بودن، قیدِ وجوب اکرام است. حال اگر زید مهمانِ کسی شده باشد تا وقتی ضیف است، وجوب اکرام، ناشی از قید ضیف بودن است و پس از انتفای قید، عرف حکم می‌کند که وجوب مذکور منتفی است؛ لذا اگر زید از خانه میزبان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را ادامه وجوبِ قبلی نمی‌داند؛ چون «ضیف بودن» را مقوِّم موضوع می‌داند، این قیود را حیثیات تقییدیه می‌نامند. قیودی که عرفاً مقوِّم موضوع نیستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «الماء المتغیر بالنجاسة متنجس» در این صورت، «تغیّر» قیدِ تنجس است؛ حال اگر آبی تغیر فعلی داشته باشد و بالفعل بوی بول بدهد یقیناً حکم تنجس موجود است، اگر این تغیّر فعلاً زایل شد و دیگر این آب بوی بول نداد، عرف همچنان آب را متنجس می‌داند این قیود را حیثیات تعلیلیه می‌نامند.

۱٤- «حکومت» را در بحث تعارض توضیح داده و مثالی بزنید. ص ۳۰۵ - ۲ نمره

۲

جواب: حکومت یعنی یک دلیل، ناظر بر موضوع یا محمول دلیل دیگر باشد و در صدد تفسیر آن باشد به این صورت که گاهی موضوع یا محمول را تضییق می‌کند گاهی آن‌ها را توسعه می‌دهد. (۱/۵ نمره) مانند الربا حرام (محکوم). لا ربا بین الوالد و الولد (حاکم). یا حکومت «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» بر ادله احکام شرعیه مثل وجوب صوم و... . (۰/۵ نمره)

۱۵- اصل اولی و ثانوی در صورت تعارض مستقرّ چیست؟ مرجحات باب تعارض را به ترتیب نام ببرید. ص ۳۰۷ و ۳۰۸ - ۱ نمره

۱

جواب: اصل اولی تساقط متعارضان است ولی اصل ثانوی اجرای مرجحات است. ترتیب: موافقت با کتاب و مخالفت عامّه است.

مدیریت حوزه‌های علمیه
معاونت آموزش
اداره امتحانات

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

شهریور سال تحصیلی ۹۴-۹۳

پایه پنجم ۵ ساله
پایه هفتم ۷ ساله

کد امتحان:	۲۹۳۳/۲۰
تاریخ:	۱۳۹۴/۰۶/۱۰
عنوان:	اصول فقه ۴
کتاب:	دروس فی علم الاصول - حلقه ثانیه «ایروانی»
محدوده:	از ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب (ص ۲۱۲-۲۳۸)

ردیف: ....

ساعت آغاز: ۱۰ صبح	نمره: ۲۰	مدت پاسخگویی: ۹۰ دقیقه

شناسه یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شناسه یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

مهر مدرسه

نام و نام خانوادگی: .... نام پدر: .... کد ملکی: .... مدرسه علمیه: .... شهرستان: .... استان: ....

۱- به نظر شهید صدر (ره) قاعده اولیه و ثانویه در «شک در تکلیف» به ترتیب چیست؟ ص ۲٤۱ — ۰/۵

الف. احتیاط عقلی و برائت عقلی ☐
ب. برائت عقلی و برائت شرعی ☐
ج. احتیاط عقلی و برائت شرعی ☑
د. برائت شرعی و احتیاط عقلی ☐

۲- در روایت «ما حجب الله علمه عن العباد فهو موضوع عنهم»، کلمه «العباد» باید چگونه لحاظ شود تا بتوان با آن، برائت در تکالیف مشکوک را اثبات نمود؟ ص ۲٤۸ — ۰/۵

الف. عموم بدلی ☐
ب. إطلاق أحوالی ☐
ج. عموم مجموعی ☐
د. عموم استغراقی ☑

۳- در دو مورد «خروج یکی از اطراف علم اجمالی از محل ابتلاء» و «شبهه غیر محصوره» به ترتیب کدام‌یک از ارکان علم اجمالی مختل می‌شود؟ ص ۲٦٦ و ۲٦۷ — ۰/۵

الف. رکن چهارم - رکن سوم ☐
ب. رکن سوم - رکن چهارم ☑
ج. رکن سوم - رکن دوم ☐
د. رکن دوم - رکن سوم ☐

٤- در کدام مورد «نقض یقین» تکوینی است؟ ص ۲۷۷ — ۰/۵

الف. قاعده مقتضی و مانع ☐
ب. اصل استصحاب ☐
ج. اصل اشتغال ☐
د. قاعده یقین ☑

۵- مثال "یقین داریم آب کُر سابق، دیگر کُر نیست و لکن شک داریم ظهر از کر بودن خارج شده یا صبح" بر کدام مورد تطبیق می‌کند؟ ص ۲۹٤ — ۰/۵

الف. شک در تقدم و تاخر ☑
ب. موضوعات مرکب ☐
ج. مجهولی التاریخ ☐
د. توارد حالتین ☐

٦- نسبت بین دو حکم «انّ الشاک فی الرکعة الثانیة یعید الصلاة» و «کثیر الشک لیس بشاک» کدام است؟ ص ۳۰۵ — ۰/۵

الف. تخصیص ☐
ب. حکومت ☑
ج. ورود ☐
د. تقیید ☐

۷- استدلال به حدیث «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی» بر «برائت» را تقریر کرده، چه اشکالی بر آن مطرح است؟ ص ۲٤٤ - ۲ نمره — ۲

جواب:
استدلال: اطلاق مساوق امان دادن است و شخصی که شک در تکلیف دارد در حق او صدق می‌کند که بگوییم نهی به او نرسیده است، پس عدم ورود نهی [عدم وصول نهی] ایمنی‌بخش از تکلیف مشکوک است یعنی برائت از تکلیف مشکوک. (۱ نمره) اشکال: در معنای «ورود» در روایت، دو احتمال وجود دارد زیرا می‌توان ورود را به دو نحو لحاظ کرد. ۱. وصول به مکلف ۲. صدور از شارع . با توجه به اینکه دو احتمال در معنای ورود است که در یک معنا نمی‌تواند برائت ثابت شود، برائت ثابت نیست. (۱ نمره)

۸- بعضی با تمسک به استصحاب، برائت را در شبهات بدویه اثبات کرده‌اند، یکی از دو استصحاب ذکر شده را تبیین کنید. ص ۲۴۹ - ۱ نمره

۱

جواب:

استصحاب اول: می‌توان عدم تکلیف قبل از شریعت را استصحاب نمود؛ زیرا یقیناً در ابتدای شریعت (به دلیل تدریجی بودن تشریع احکام) حکم مشکوک وجود نداشت لذا می‌توان عدم وجودش را همچنان استصحاب کرد. [وجه دوم: می‌توان استصحاب کرد عدم تکلیف قبل از بلوغ را.]

۹- با توجه به روایت «الامور ثلاثة: امر بیّن رشده فاتبعه و امر تبیّن غیّه فاجتنبه و امر اختلف فیه وردّه الی الله عزّ و جلّ» استدلال به احتیاط در شبهه بدوی را تقریر کرده، یک نقد بنویسید. ص ۲۵۳ و ۲۵۴ - ۲ نمره

۲

جواب: استدلال: شک در شبهات بدوی از قسم ثالث هستند و با توجه به روایت باید آن‌ها را مرتکب نشده و به خداوند متعال رد کرد که عبارت اخرای احتیاط است. (۱ نمره)

نقد: اولاً: رد به خداوند ممکن است به معنای احتیاط نباشد بلکه به معنای رجوع به کتاب و سنّت باشد. ثانیاً: اگر قبول کنیم رد به خداوند یعنی احتیاط باز هم در شبهات بدوی احتیاط لازم نمی‌آید. زیرا با توجه به ادله برائت شبهات بدوی از قسم اول بوده و از مواردی است که بیّن الرشد است. (۱ نمره)

۱۰- ارکان قاعده منجزیت علم اجمالی را بنویسید. ص ۲۶۴ - ۲ نمره

۲

جواب: رکن اول: وجود علم به جامع، رکن دوم: وقوف علم به جامع و عدم سرایت آن به اطراف، رکن سوم: هر دو طرف صرف نظر از تعارض مشمول ادله برائت باشند. رکن چهارم: جریان برائت در هر دو طرف باعث ترخیص در مخالفت قطعیه شود.

۱۱- برخی در موارد «شک در شرطیت» بین «متعلق» و «متعلق متعلق» تفصیل داده‌اند، دلیل ایشان را به همراه مثالی تبیین نمائید. ص ۲۷۰ - ۲ نمره

۲

جواب: در اعتق رقبه، شرط گاهی شرط متعلق است مثل دعا هنگام عتق و گاهی شرط متعلقِ متعلق است مثل ایمان برای رقبه، در صورت اول برائت جاری می‌شود زیرا قیدیت دعا هنگام عتق یعنی امر به تقیید عتق به دعا پس شک در قیدیت، به شک در وجوب تقیید بر می‌گردد و برائت جاری می‌شود ولی در صورت دوم برائت جاری نمی‌شود زیرا قیدیت ایمان برای رقبه به دلیل اینکه غیر اختیاری است [مقدور نیست] به معنای امر به تقیید نیست [چون قدرت شرط تکلیف است] در نتیجه شک در قیدیت به شک در وجوب تقیید بر نمی‌گردد تا برائت جاری شود.

۱۲- با توجه به صحیحة «قلت له الرجل ینام و هو علی وضوء ....» چرا برخی قائل شده‌اند که عبارت «و لا ینقض الیقین بالشک» افاده عموم نمی‌کند، یک جواب از آن بنویسید. ص ۲۸۰ و ۲۸۱ - ۲ نمره

۲

جواب: استدلال برای عدم افاده عموم: زیرا در «لا ینقض الیقین بالشک» دو احتمال برای «لام» مطرح است یکی جنس و دیگری عهد که به وضوء بر می‌گردد و تردّد مانع انعقاد اطلاق است. (۱ نمره) جواب: عبارت « فانه علی یقین من وضوئه» ظاهر در تعلیل به امر عرفی است و عرف نیز یقین را به طبیعی یقین حمل می‌کند. (۱ نمره)[جواب دیگر در کتاب]

۱۳- با توجه به عبارت «انه فی الشبهة الحکمیة اذا کان الموضوع باقیاً بکامل قیوده فلا یمکن طرو الشک فی البقاء فلا بدّ من زوال بعضها و معه تختل الوحدة» اشکال به «رکن ثالث استصحاب در شبهه حکمیه» را تبیین کرده، پاسخ تفصیلی ارائه دهید. ص ۲۸۴ و ۲۸۵ - ۲ نمره

۲

جواب:

اشکال: در شبهات حکمیه اگر موضوع کاملاً باقی باشد پس شک در بقاء نیست (مگر به نحو نسخ) و اگر موضوع تغییر کرده است دیگر قضیه متیقنه با قضیه مشکوکه وحدت ندارد. جواب: وحدت معتبر در استصحاب وحدت عرفی است نه وحدت دقی به عبارت دیگر قیود عرفی دو قسم هستند: قیودی که مقوم موضوع هستند [حیثیة تقییدیه] و قیودی که مقوم موضوع نیستند [حیثیت تعلیلیه] در اختلال به قیود اول استصحاب جاری نمی‌شود و در دومی جاری می‌شود.

۱۴- برای «استصحاب حکم معلق» مثال زده، دلیل مرحوم نائینی (ره) بر عدم جریان آن را بنویسید. ص ۲۹۱ - ۲ نمره

۲

جواب: ما قضیه شرطیه داریم که می‌گوید اگر این انگور بجوشد حرام می‌شود ولی ما شک داریم حال که انگور تبدیل به کشمش شده است این قضیه شرطیه هنوز باقی است یعنی باز هم با غلیان نجس می‌شود یا نه استصحاب می‌کنیم آن قضیه شرطیه را. دلیل مرحوم نائینی (ره): در حکم شرعی فقط جعل و مجعول داریم و جعل که شکی در بقائش نیست (رکن ثانی مختل است) و در مجعول نیز یقین به حدوث نداریم (رکن اول مختل است) و اما قضیه شرطیه در عالم تشریع چیزی جز امر منتزع از جعل حرمت بر موضوع مقدرة الوجود نیست پس اثر شرعی ندارد تا استصحاب قضیه جاری شود.

۱۵- «ورود» را به همراه مثالی توضیح داده و فرق اصلی آن را با «تعارض» و «تزاحم» بنویسید. ص ۳۰۳ - ۲ نمره

۲

جواب: در ورود تنافی بین دو مجعول است به این نحو که فعلیت دو حکم با هم تنافی دارد و در حقیقت یک حکم، موضوع حکم دیگر را نفی یا اثبات می‌کند.

مثال: دو مجعول در دو حکم «اذا وجد الماء فلیتوضأ للصلاة» و «اذا لم یجد الماء فلیتیمم للصلاة» با هم تنافی دارند. زیرا هنگامی که آب نداشته باشد موضوع حکم اول منتفی و در نتیجه حکم فعلی نیست. (۱ نمره) فرق: در تعارض تنافی بین دو جعل است و در تزاحم تنافی بین دو امتثال است ولی در ورود تنافی بین دو مجعول است. (۱ نمره)

ردیف: ....

ساعت برگزاری: ۱۰ صبح	نمره: ۲۰	مدت پاسخگویی: ۹۰ دقیقه

شناسه یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شناسه یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

نیمسال اول ۹۴-۹۳

پنجم ۵ ساله

هفتم ۷ ساله

مهر مدرسه

کد امتحان:	۲۹۳۱/۲۷
تاریخ:	۱۳۹۳/۱۰/۲۰
عنوان:	اصول فقه ۴
کتاب:	دروس فی علم‌الاصول «حلقه ثانیه - آقای ایروانی»
محدوده:	از ابتدای اصول عملیه تاپایان کتاب (ص ۲۱۲-۲۳۸)

نام و نام خانوادگی: .... نام پدر: .... کد ملکی: .... مدرسه علمیه: .... شهرستان: .... استان: ....

۱- چرا استدلال به آیه شریفه «و ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا» (الاسراء: ۱۵) بر برائت مخدوش است؟ ص ۲۴۳ ۰/۵

الف. «حتی نبعث رسولا» کنایه از وصول است. ☐

ب. «رسول» به عنوان مصداقی از بیان است. ☐

ج. «حتی نبعث رسولا» کنایه از صدور است. ☑

د. «حتی نبعث رسولا» دو وجهی است. ☐

۲- شک در «وجوب نماز آیات» به دلیل شک در «وقوع خسوف»، شک در تکلیف است یا مکلّف‌به؟ مجرای چه اصلی است؟ ص ۲۵۷ ۰/۵

الف. تکلیف - برائت ☑

ب. تکلیف - اشتغال ☐

ج. مکلف به - برائت ☐

د. مکلف به - اشتغال ☐

۳- گزینه صحیح در صورتی که قائل شویم در «علم اجمالی به وجوب»، وجوب به واقع تعلق گرفته است، کدام است؟ ص ۲۶۰ ۰/۵

الف. فقط در جامع موافقت قطعیه واجب است. ☐

ب. موافقت احتمالیه واجب است. ☐

ج. مخالفت احتمالیه جایز است. ☐

د. موافقت قطعیه واجب است. ☑

۴- در موارد «علم اجمالی بین محذورین» کدام‌یک از ارکان أربعه منجزیة علم اجمالی اختلال پیدا کرده است؟ ص ۲۶۷ ۰/۵

الف. الرکن الرابع ☑

ب. الرکن الثانی ☐

ج. الرکن الثالث ☐

د. الرکن الأول ☐

۵- به نظر شهید صدر (ره) احتمال قوی‌تر برای جزاء جمله شرطیه در روایت «و إلاّ [لا یستیقن أنه قد نام] فإنه علی یقین من وضوئه» کدام است؟ ص ۲۷۸ ۰/۵

الف. جمله خبریه «فإنه علی یقین من وضوئه» ☐

ب. جمله انشائیه «فإنه علی یقین من وضوئه» ☐

ج. و لا ینقض الیقین بالشکّ ☐

د. فلایجب علیه الوضوء ☑

۶- نسبت بین دو حکم «یجب الحج علی المستطیع» و «المدین لیس مستطیعاً» کدام است؟ ص ۳۰۵ ۰/۵

الف. تخصیص ☐

ب. حکومت ☑

ج. ورود ☐

د. تقیید ☐

۷- کیفیت استدلال به آیه شریفه «لا یکلف الله نفسا الا ما آتاها» (الطلاق: ۷) بر برائت را نوشته و اشکال شیخ اعظم (ره) به آن را تبیین نمایید. ۲

ص ۲۴۲ - ۲ نمره

جواب: «ما»ی موصول اطلاق دارد، لذا مراد از آن معنایی جامع بین مال، فعل و تکلیف است. به این معنا که انسان در مقابل مال فقط به اندازه‌ای که به او روزی داده می‌شود و در فعل به اندازه توان جسمی و در تکلیف به اندازه‌ی که به او می‌رسد مکلف است. پس فقط نسبت به تکالیفی که به او رسیده است، مسؤل است. اعتراض شیخ (ره): اراده جامع از «ما» ممکن نیست. زیرا اگر معنای تکلیف لحاظ شود «ما» مفعول مطلق است و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مفعول‌به. نسبت بین فعل و مفعول‌به با نسبت بین فعل و مفعول مطلق مغایر است. و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست، با توجه به سیاق آیه قبل، «ما» متعین در معنای مال است.

۸- شهید صدر (ره) رفع در حدیث «رفع ما لایعلمون» را رفع ظاهری می‌داند، زیرا محال است قید «علم به حکم» در موضوع حکم اخذ شود، چه اشکالی به دلیل ایشان مطرح نموده‌اند و جواب شهید صدر (ره) از آن چیست؟ ص ٢٤٥ - ٢ نمره

جواب: اشکال: امکان دارد اخذ قید علم به حکم در موضوع مجعول. (۰/۵ نمره) جواب شهید (ره): ظاهر حدیث رفع این است که آن‌چه مرفوع است همان مجهول است. درحالی‌که بنابر أخذ علم به جعل در موضوع مجعول، مرفوع غیر از مجهول است. زیرا مرفوع، مجعول است؛ درحالی‌که مجهول جعل است. لذا ظاهر حدیث با أخذ علم به جعل در موضوع مجعول إبا دارد. (۱/۵ نمره)

۹- درباره شرطیت فحص در برائت گفته شده است: «إن بعض ادلة البرائة له اطلاق لحالة ماقبل الفحص کما فی حدیث الرفع»، شهید صدر (ره) در جواب می‌فرماید: «لابد من رفع الید عن هذا الاطلاق لأمور»، دو أمر از این امور را بنویسید. ص ٢٥٥ - ٢ نمره

جواب: ۱. مکلف علم اجمالی دارد که نسبت به برخی وقائع تکلیف دارد، لذا برای اینکه بتواند برائت جاری کند باید جستجو کند تا به آن مقدار که اجمالا برایش معلوم بوده است دست پیدا کند و علم اجمالیش منحل شود. ۲. آنچه دلالت می‌کند بر وجوب تعلم - مثل اینکه در قیامت از انسان پرسیده می‌شود چرا عمل نکردی؟ می‌گوید نمی‌دانستم. به او می‌گویند چرا یاد نگرفتی؟ - اطلاق دلیل برائت را تقید می‌زند به موارد بعد از فحص و ثابت می‌کند که شک بلافحص و یادگیری عذر شرعی محسوب نمی‌شود. ۳. برخی ادله برائت مثل «ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا» دلالت می‌کند بر اینکه غایت برائت بعث رسول است، و از آنجایی که «بعث رسول» کنایه از بیانی است که در معرض وصول باشد نه اینکه وصولش به فعلیت رسیده باشد، برائت مشروط است به اینکه بیان در معرض وصول نباشد، لذا فحص قبل از برائت واجب است تا معرضیت وصول منتفی شود.

۱۰- دلیل مشهور در عبارت «ذهب المشهور إلی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی، لأنها ترخیص فی المخالفة القطعیة.» را توضیح داده، جواب شهید صدر (ره) بر آن را بیان کنید. ص ٢٦١ و ٢٦٢ - ٢ نمره

جواب: مشهور علما معتقدند، جریان اصل برائت در تمام اطراف علم اجمالی محال است. زیرا وجود علم (و لو اجمالی) مقتضی امتثال حکمی است که علم (اجمالی) به آن داریم. پس اگر بتوان در اطراف، برائت را جاری کرد، لازمه‌اش این است که بتوانیم با آن حکم بالاجمال مخالفت قطعی کنیم و این معصیتِ حرام است شرعاً و قبیح است عقلاً. در نتیجه ترخیص محال است. جواب شهید صدر (ره): باید در نوع حکم عقلی دقت کنیم در این مورد حکم عقلی معلق است به عدم ترخیص ظاهری از جانب مولی. در نتیجه ترخیص مخالف حکم عقل نیست بلکه موضوع آن را رفع می‌کند، و اگر بگویید حکم عقل معلق نیست ادعایی بدون دلیل است.

۱۱- تفصیل در عبارت «و قد یفصّل بین أن یکون الشرط محتملا بلحاظ المتعلق و بین کونه محتملا بلحاظ الموضوع» درباره جریان برائت در شرط مشکوک را در ضمن مثال تبیین نموده، اشکال شهید صدر (ره) به آن را بنویسید. ص ٢٧٠ - ٢ نمره

جواب: در خطاب «اعتق رقبه» متعلق، عتق و موضوع، رقبه است. گاهی شک تعلق می‌گردد به دعا هنگام عتق و گاهی تعلق می‌گیرد به شرط ایمان در رقبه. در حالت اول برائت جاری می‌شود، زیرا مرجع شک به شک در تقید واجب [عتق] به دعا است، یعنی شک در تکلیف زائد، لذا برائت از تکلیف زائد جاری می‌شود و در حالت دوم برائت جاری نمی‌شود. زیرا رقبه مومن متعلق وجوب نیست. پس شک در تقید رقبه به ایمان شک در وجوب نیست تا بتوان برایت جاری کرد. اشکال شهید: هر چند مقید کردن رقبه به ایمان متعلق امر نیست، اما تقید عتق به ایمان رقبه متعلق امر است. پس شک در قید بودن ایمان در واقع، شک در مقید بودن عتق به ایمان رقبه است. زیرا از آن جهت که تقیید تحت اختیار مکلف است و تعلق وجوب به آن معقول است پس هنگام شک در وجوب این تقیید، نسبت به آن برایت جاری می‌شود.

۱۲- اگر رکن اول استصحاب عبارت از «یقین به حدوث» باشد، اشکال شده در مواردی که اماره بر حالت سابقه قائم شده است نباید بتوان مؤدای اماره را استصحاب کرد در حالی‌که شکی در استصحاب آن نیست، دو جوابی که از این اشکال داده شده است را بیان نمایید.
ص ٢٨٢ - ٢ نمره

جواب: جواب اول از محقق نایینی: از آن جهت که قطع، جزء موضوع استصحاب است، قطع در آن موضوعی است و بر اساس اینکه اماره قائم مقام قطع موضوعی است، می‌تواند قائم مقام قطع موضوعی واقع در موضوع استصحاب قرار بگیرد. جواب دوم: برخی منکر رکنیت یقین برای استصحاب شده‌اند و استظهار کرده‌اند: یقینی که در لسان دلیل أخذ شده است، به عنوان اینکه مشیر به حدوث است أخذ شده است و چون اماره حدوث را ثابت می‌کند، پس استصحاب جاری می‌شود.

۱۳- در ضمن مثال استصحاب سببی و مسببی را تعریف نمایید. ص ٢٩٨ - ٢ نمره

جواب: هنگام شک در طهارت آب، از آن جهت که طهارت آب موضوع جواز شرب است، هنگام شک در جواز شرب آب، استصحاب طهارت آب جاری می‌شود و جواز شرب که أثر آن است را ثابت می‌کند. به استصحاب جاری در طهارت آب، استصحاب سببی گفته می‌شود. زیرا مانند سببی است برای حکم شرعی جواز شرب. حال اگر به خود حکم جواز شرب توجه کنیم، قبلاً متیقن‌الحدوث بوده و الان مشکوک‌البقا است، لذا حالت سابقه آن یعنی جواز شرب را استصحاب می‌کنیم. به استصحاب جاری در جواز شرب اصل مسببی گفته می‌شود، زیرا جواز شرب مانند مسبب است برای طهارت آب.

۱۴- «ورود» را با مثالی توضیح داده و فرق اصلی آن را با «تعارض» و «تزاحم» بنویسید. ص ٣٠٣ - ٢ نمره

جواب: در ورود تنافی بین دو مجعول است به این نحو که فعلیت دو حکم با هم تنافی دارد و در حقیقت یک حکم، موضوع حکم دیگر را نفی یا اثبات می‌کند. زیرا فعلیت حکم معلق به تحقق موضوع است، مثال: دو مجعول در دو حکم «اذا وجد الماء فلیتوضأ للصلاة» و «اذا لم یجد الماء فلیتیمم للصلاة» با هم تنافی دارند. زیرا هنگامی که آب نداشته باشد موضوع حکم اول منتفی و در نتیجه حکم فعلی نیست. یعنی دو حکم نمی‌توانند با هم فعلی باشند اگر چه دو جعل با هم تنافی ندارد. (۱/۵ نمره) فرق: در تعارض تنافی بین دو جعل است و در تزاحم تنافی بین دو امتثال است ولی در ورود تنافی بین دو مجعول است. (۰/۵ نمره)

۱۵- یک وجه برای تقدیم استصحاب در تعارض بین «برائت و استصحاب» را نوشته، توضیح دهید. ص ٣١١ - ١ نمره

جواب: ۱. دلیل استصحاب حاکم بر دلیل برائت است. چون دلیل برائت در موضوعش عدم علم أخذ شده ولی دلیل استصحاب لسان آن إبقای یقین است یعنی با وجود استصحاب گویا شکی نیست لذا موضوع برائت ملغی می‌شود. ۲. دلیل استصحاب عرفاً أظهر از دلیل برائت است در عمومیّت و شمول (نسبت به محلّ اجتماع هر دو که حالت شک بدوی مسبوق به یقین باشد) چون در بعضی روایات استصحاب فرموده: لاینقض الیقین بالشک أبداً، و این تأیید آن را أقوی دلالة از دلیل برائت قرار می‌دهد. [یک وجه کافی است.]

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

شهریور سال تحصیلی ۹۳-۹۲

پایه پنجم ۵ ساله
پایه هفتم ۷ ساله

مهر مدرسه

کد امتحان	۲۹۲۳/۲۰
تاریخ	۱۳۹۳/۰۶/۰۵
درس	اصول فقه ۴
کتاب	حلقه ثانیه-شهید صدر
محدوده	از ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب (ص ۳۲۱-۲۱۳)

ردیف:

ساعت برگزاری: ۸ صبح	نمره: ۲۰	مدت پاسخگویی: ۹۰ دقیقه

شناسه یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شناسه یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

نام و نام خانوادگی: .... نام پدر: .... کد ملکی: .... مدرسه علمیه: .... شهرستان: .... استان: ....

۱- چرا شهید صدر (ره) مقایسه خداوند متعال با مولای عرفی برای اثبات برائت شرعیه را صحیح نمی‌داند؟ ص ۲۱۷ — ۰/۵

الف. عقل قادر به فهم مصالح و مفاسد نیست. ☐
ب. عقلاء نمی‌توانند بر خداوند تکلیف کنند. ☐
ج. حق الطاعة برای خداوند نامحدود است. ☐
د. حق الطاعة برای خداوند ذاتی است. ☑

۲- بنابر نظر شهید صدر (ره) مراد از «شبهه» در روایت «الوقوف عند الشبهه خیر من الاقتحام فی الهلکة» چیست؟ ص ۲۳۵ — ۰/۵

الف. تکلیف مشکوک ☐
ب. دعوت‌های شبیه حق ☑
ج. شبهات در علم اجمالی ☐
د. متشابهات قرآن ☐

۳- برخی به یکی از ارکان استصحاب اشکال کرده‌اند که رکنیت آن مخصوص شبهات موضوعیه است و در شبهات حکمیه قابل تصور نیست، منظور ایشان کدام رکن است؟ ص ۲۷۹ — ۰/۵

الف. اول ☐
ب. دوم ☐
ج. سوم ☑
د. چهارم ☐

۴- اگر فرض کنیم مطهِّریت آب مترتب بر وصف اجتماع «طهارت آب» و «کریت آب» باشد و طهارت یقینی است ولی الان در کُریت آب که قبلاً کُر بوده، شک کرده‌ایم، آیا آب در صورت ملاقات با متنجس مطهِّر است؟ چرا؟ ص ۲۹۲ — ۰/۵

الف. خیر - عدم حجیت اصل مثبت ☑
ب. بله - برائت در شبهه موضوعیه ☐
ج. بله - استصحاب موضوع مرکب ☐
د. خیر - اشتغال ذمه به دلیل علم اجمالی ☐

۵- نام حالتی که شخص اجمالاً می‌داند هم حادث شده و هم وضوء گرفته، ولی نمی‌داند کدام مقدم است، چیست؟ ص ۲۹۶ — ۰/۵

الف. الشک فی التقدم و التاخر ☐
ب. الشک بین المحذورین ☐
ج. مجهولی التاریخ ☐
د. توارد الحالتین ☑

۶- اگر موضوع اصل را «عدم حجت» بدانیم و اماره را نیز حجت، چرا اماره بر اصل مقدم است؟ ص ۳۱۹ و ۳۲۰ — ۰/۵

الف. ورود ☑
ب. حکومت ☐
ج. تخصص ☐
د. تخصیص ☐

۷- با توجه به عبارت«لا یتم الاستدلال بحدیث (کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی) اذ لم یعلم انّ الملحوظ فیه الوفود النهی علی المکلف المساوق لوصوله الیه، بل لعلّ الملحوظ وفوده علی الشیء نفسه، کما یناسبه قوله (ع): (یرد فیه نهی)...» استدلال بر برائت و اشکال شهید صدر (ره) را تبیین نمائید. ص ۲۲۳ - ۲ نمره — ۲

جواب: استدلال: اطلاق مساوق امان دادن است و شخصی که شک در تکلیف دارد در حق او صدق می‌کند که بگوییم نهی به او نرسیده است، پس عدم ورود نهی [عدم وصول نهی] ایمنی‌بخش از تکلیف مشکوک است یعنی برائت از تکلیف مشکوک. (۱ نمره) اشکال شهید صدر (ره): اگر چه «ورود» حیثیت رسیدن و حضور نزد چیزی را در درون خود دارد ولی در معنای «ورود» در روایت، دو احتمال وجود دارد زیرا می‌توان ورود را به دو نحو لحاظ کرد. ۱. رسیدن نهی به مکلف که هم معنای وصول به مکلف است. ۲. رسیدن نهی به خود منهی‌عنه باشد. یعنی از مولا تکلیف صادر شود که البته با «یرد فیه نهی» مناسب است. با توجه به اینکه دو احتمال در معنای ورود است که در یک معنا نمی‌تواند برائت ثابت شود، برائت ثابت نیست. (۱ نمره)

۸- سه امری که موجب می‌شود از اطلاق دلیل برائت نسبت به موارد «عدم فحص» رفع ید شود را بنویسید. ص ۲۳۹ و ۲۴۰ - ۱/۵ نمره

۱/۵

جواب:
اولاً: بعضی از ادله برائت، تکلیف مشکوک در معرض وصول (یعنی اگر مکلف فحص کند به آن می‌رسد.) را تامین نمی‌کند و شامل موارد عدم فحص نمی‌شود مانند آیه شریفه «ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا» ثانیاً: مکلف علم اجمالی دارد بوجود تکالیف در شبهات حکمیه تا وقتی که این علم اجمالی منحل نشود، نمی‌توان برائت جاری کرد و تنها در صورتی منحل می‌شود که فحص کنیم. پس اجرای برائت مختص موارد بعد از فحص است. ثالثاً: اخبار دال بر وجوب تعلّم، دلالت دارد که شک بدون فحص و تعلم عذر شرعی نیست در نتیجه مقیّد اطلاق ادله برائت است.

۹- دلیل وجوب موافقت قطعیه در «علم اجمالی» را با توجه به جریان اصول ترخیصی تبیین نمائید. ص ۲۴۷ و ۲۴۹ و ۲۵۰ - ۲ نمره

۲

جواب:
با توجه به اینکه نمی‌توان در هر دو طرفِ علم اجمالی برائت جاری نمود زیرا منجر به مخالفت قطعیه می‌شود (عقلائیا) پس اصول تعارض و تساقط می‌کنند و از طرفی فقط در یک طرف خاص نیز نمی‌توان برائت جاری کرد زیرا با توجه به اینکه نسبت دو طرف به جامع یکسان است ترجیح بلا مرجح می‌شود در نتیجه وقتی در اطراف مشکوک نتوان برائت جاری نمود تکلیف در هر دو طرف منجّز است و باید هر دو طرف را امتثال نمود و این یعنی موافقت قطعیه لازم است.

۱۰- رکن چهارم از ارکان «منجزیت علم اجمالی» را به همراه مثالی که عدم این رکن موجب سقوط تنجیز علم اجمالی گشته را بیان کرده، دلیل رکنیت آن را بنویسید. ص ۲۵۳ و ۲۵۶ - ۲ نمره

۲

جواب: رکن چهارم: اجرای برائت در همه اطراف موجب ترخیص در مخالفت قطعیه شود و وقوع مخالفت قطعیه در خارج امکان داشته باشد مثلا در حالت دوران امر بین محذورین حتی اگر در دو طرف برائت جاری شود موجب مخالفتِ قطعیه نمی‌شود. دلیل رکنیت: محذور اجرای برائت در دو طرف به دلیل این است که موجب مخالفت قطعیه می‌شود که با تکلیف معلوم بالاجمال منافات دارد (عقلا یا عقلائیا) پس وقتی اجرای برائت در اطراف موجب مخالفت قطعیه نشود، می‌توان آن را اجرا نمود و با اجرای برائت در اطراف دیگر علم اجمالی از منجزیت ساقط می‌شود. [یعنی موافقت قطعیه لازم نیست.]

۱۱- برخی در موارد «شک در شرطیت» بین «متعلق» و «متعلق متعلق» تفصیل داده‌اند، دلیل ایشان را به همراه مثالی تبیین نمائید. ص ۲۶۳ - ۲ نمره

۲

جواب: در اعتق رقبه، شرط گاهی شرط متعلق است مثل دعا هنگام عتق و گاهی شرط متعلقِ متعلق است مثل ایمان برای رقبه، در صورت اول برائت جاری می‌شود زیرا قیدیت دعا هنگام عتق یعنی امر به تقیید عتق به دعا پس شک در قیدیت، به شک در وجوب تقیید بر می‌گردد و برائت جاری می‌شود ولی در صورت دوم برائت جاری نمی‌شود زیرا قیدیت ایمان برای رقبه به دلیل اینکه غیر اختیاری است [مقدور نیست] به معنای امر به تقیید نیست [چون قدرت شرط تکلیف است] در نتیجه شک در قیدیت به شک در وجوب تقیید بر نمی‌گردد تا برائت جاری شود.

۱۲- با توجه به صحیحه زراره: «... و الّا فانّه علیٰ یقین من وضوئه، و لا ینقض الیقین أبداً بالشک...» مراد از «اسناد نقض یقین به شک» را تبیین نمائید. ص ۲۷۰ - ۱/۵ نمره

۱/۵

جواب: در روایت دقت کنیم می‌بینیم که مراد از نقض یقین به شک در روایت، نقض تکوینی نیست و اگر سوال کننده در روایت بناء را بر حدث بگذارد باز هم حادث بودن در بقاء، یقین سابق را نقض نمی‌کند زیرا یقین متعلق به حدوث است و شک متعلق به بقاء است به همین دلیل اسناد نقض به شک عرفی است به این صورت که زمان را لحاظ نمی‌کنیم یعنی حدوث و بقاء را جدا نمی‌کنیم و یک امر واحد در نظر می‌گیریم با این لحاظ شک و یقین یک متعلق دارند و می‌تواند شک ناقض یقین باشد.

۱۳- اشکال در عبارت «انّ اللام فی قوله(ع): (لا ینقض الیقین بالشک)کما یمکن ان یکون للجنس یحتمل ان یکون للعهد فلا یکون للجملة اطلاق لغیر مورد الشک فی انتقاض الوضوء» را تبیین کرده، یک جواب شهید صدر (ره) بر اشکال را بنویسید. ص ۲۷۴ - ۲ نمره

۲

جواب:
برخی اشکال کرده‌اند که روایت فقط استصحاب در باب وضوء را اثبات می‌کند و عمومیت ندارد. زیرا «ال» در الیقین همانطور که ممکن است برای جنس باشد ممکن است برای عهد یعنی یقین به وضوء باشد در نتیجه عبارت اجمال دارد و اطلاق ندارد. جواب: با توجه به اینکه عبارت «لاتنقض الیقین بالشک» در مقام تعلیل است و تعلیل ظهور دارد به اینکه از موارد مناسبات حکم و موضوع است یعنی تعلیل «لا ینقض الیقین بالشک» از مرتکزات عرفی است و از مرتکزات عرفی بودت اقتضاء دارد که یقین و شک را حمل کنیم بر طبیعی یقین و شکه نه یقین و شک در باب وضوء [جواب دیگر در کتاب]

۲

۱۴- استصحاب «حکم معلّق» را به همراه مثالی توضیح دهید. ص ۲۸۸ - ۲ نمره

جواب: اگر شارع انگور را در صورت غلیان حرام کرده باشد و ما انگوری داریم که غلیان نکرده است پس حرام نیست، اگر این انگور قبل از غلیان، به کشمش تبدیل شود، ما شک می‌کنیم که آیا این کشمش هم بعد از غلیان حرام می‌شود یا خیر؟ یعنی آیا آن قضیه شرطیه که سابقاً بود (یعنی حرمت انگور در صورت غلیان)، اکنون نیز وجود دارد؟ یعنی آیا کشمش در صورت غلیان حرام می‌شود، در صورت جریان استصحاب حکم معلق، کشمش نیز در صورت غلیان حرام می‌شود.

۱۵- با توجه به افتراضات پنج‌گانه در«حکم ثانوی در متعارضین» دلیل شهید صدر (ره) بر تساقط را به اختصار تبیین کنید. ص ۳۱۰ و ۳۱۱ و ۳۱۲ - ۲ نمره

۲

جواب: افتراض اول: شارع برای هر دو دلیل جعل حجیت کند که مستحیل است زیرا هر کدام از ادله دیگری را تکذیب می‌کند، افتراض دوم: شارع برای هر دو دلیل جعل حجیت کند ولی مشروط به عدم التزام به دلیل دیگر، این افتراض نیز غیر معقول است زیرا در صورت عدم التزام به هر دو دلیل، هر دو حجت هستند که محذور سابق پیش می‌آید. افتراض سوم: شارع برای یک طرف معین حجیت را جعل کند. این افتراض نیز مردود است زیرا دلیل و توجیهی بر حجیت یک طرف نداریم. افتراض چهارم: شارع برای یک طرف به نحو تخییری حجیت جعل کرده است، این افتراض نیز مردود است زیرا دلیل حجیت، اثبات وجوب تخییری نمی‌کند. در نتیجه فقط تساقط که افتراض پنجم است باقی می ماند. [برای چهار افتراض اول هر کدام ۰/۵ نمره]

ردیف:

ساعت برگزاری: ۱۰ صبح | نمره: ۲۰ | مدت نگارش: ۹۰ دقیقه

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

نیم‌سال دوم ۹۳-۹۲

پایه پنجم ورودی بهمن

شناسه یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف

شناسه یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

مهر مدرسه

کد امتحان: ۲۹۲۲/۳۲

تاریخ: ۱۳۹۳/۰۳/۲۴

عنوان: اصول فقه ۴

کتاب: دروس فی علم الاصول «الحلقة الثانیة»

محدوده: از ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب (ص ۳۲۱-۲۱۳)

نام و نام خانوادگی: ... نام پدر: ... کد ملکی: ... مدرسه علمیه: ... شهرستان: ... استان: ...

۱- برای اثبات برائت شرعیه اگر «ما» موصوله در آیه شریفه «لایکلف الله نفساً الأ ما آتاها» (طلاق: ۷)، به معنای تکلیف باشد، «إیتاء» به چه معناست؟ ص ۲۱۹

۰/۵

الف. إعطاء ☐

ب. إیصال ☑

ج. إصدار ☐

د. إقدار ☐

۲- با توجه به اشکال: «ادله برائت یا محکوم ادله احتیاط هستند یا معارض، پس برائت شرعی اثبات نمی‌شود.» پاسخ اصلی شهید صدر (ره) چیست؟ ص ۲۳۷

۰/۵

الف. ادله احتیاط ناتمام است. ☑

ب. ادله برائت مرجّح قرآنی دارند. ☐

ج. استصحاب عدم تکلیف مرجع است. ☐

د. ادله برائت مخصص ادله احتیاط هستند. ☐

۳- نظر شهید صدر (ره) پیرامون «جریان اصل برائت شرعی در همه اطراف علم اجمالی» به لحاظ عالم امکان چیست؟ ص ۲۴۸

۰/۵

الف. عرفا و عقلاً استحاله دارد. ☐

ب. عقلاً استحاله دارد. ☐

ج. عقلاً امکان دارد. ☑

د. عرفاً امکان دارد. ☐

۴- کدام مورد از ارکان استصحاب نیست؟ ص ۲۷۶

۰/۵

الف. شک در بقاء ☐

ب. یقین به حدوث ☐

ج. شک در یقین سابق ☑

د. وحدت قضیه متیقنه و مشکوکه ☐

۵- کدام گزینه طبق نظر مشهور، نسبت به استصحاب سببی و مسببی صحیح است؟ ص ۲۹۸

۰/۵

الف. هر دو جاری می‌شوند و تعارض می‌کنند. ☐

ب. انهدام رکن دوم مسببی توسط سببی ☑

ج. عدم جریان هر یک با جریان دیگری ☐

د. مسببی بر سببی حاکم است. ☐

۶- تقدیم «دلیل برائت شرعی بر اشتغال عقلی» و تقدیم «دلیل محرز قطعی بر استصحاب»، به ترتیب از چه نوعی است؟ ص ۳۱۸ و ۳۱۹

۰/۵

الف. حکومت - حکومت ☐

ب. ورود - حکومت ☐

ج. حکومت - ورود ☐

د. ورود - ورود ☑

۷- با توجه به عبارت «أنّ التکلیف إنّما یکون محرّکا للعبد بوجوده العلمی لا بوجوده الواقعی، و علیه فلا مقتضی للتحرّک مع عدم العلم. و من الواضح أنّ العقاب علی عدم التحرّک مع أنّه لا مقتضی للتحرّک قبیح» استدلال محقق نائینی (ره) بر قبح عقاب بلابیان به همراه مثالی را تقریب نمایید و جواب شهید صدر (ره) از آن را بنویسید. ص ۲۱۶ - ۲ نمره

۲	

جواب: تقریب: تکلیف در صورتی محرکیت دارد که به آن علم داشته باشیم وگر نه تکلیف واقعی بدون این که معلوم باشد محرکیتی ندارد، (مانند این که شیری درنده پشت دیوار ایستاده باشد و شما علم به آن نداشته باشید، شما برای فرار تحریک می‌شوید ولی اگر واقعا شیری نباشد و شما علم داشته باشید پشت دیوار است، پا به فرار می‌گذارید.) بنابر این در صورت عدم علم به تکلیف، مقتضای محرکیت وجود ندارد و قبیح است مولی ما را بر مخالفت تکلیفی که اقتضای تحریک ندارد عقاب کند.

اشکال: آن‌چه محرکیت دارد، این است که عبد می‌خواهد حق‌الطاعه مولی را رعایت کند و از عهده آن خارج شود، همه هدفش خروج از این عهده است نه این که هدفش صرفا امتثال تکلیف با عنوانش باشد، لذا باید حدود این حق‌الطاعه را ملاحظه کنیم که آیا شامل تکالیف مشکوکه همه می‌شود یا خیر؟ در صورت شمول تکلیف غیر معلوم هم اقتضای تحریک را دارد، اگر بگویید شامل نمی‌شود این مصادره و اول کلام است.

۸- تقریب استدلال به روایت «الوقوف عند الشبهه خیرٌ من الاقتحام فی الهلکه» بر احتیاط را نوشته و ردّ شهید صدر (ره) بر آن را تبیین کنید. ص ۲۳۵ - ۲ نمره

۲	

جواب: تقریب: روایت دلالت می‌کند که با ارتکاب شبهه، در هلاکت واقع می‌شوی، معنای این کلام این است که تکالیف مشکوکه منجّز هستند و برای ارتکاب آن‌ها مؤمّنی نداریم. لذا احتیاط واجب است.

ردّ: این تقریب متوقف بر این است که شبهه به معنای شک باشد در حالی‌که در لغت به معنای مشابه و شبیه است، اگر به شک، شبهه گفته می‌شود به جهت این است که مشابهت منجر به شک می‌شود، لذا شبهه در روایت قابل حمل بر چیزی است که در ظاهر به حق شباهت دارد، ولی در حقیقت باطل است، [بنابر این روایت ما را از شعارها و گرایش‌هایی که ظاهری حق‌گونه دارد، بر حذر می‌دارد و این ربطی به وظیفه عملی مکلف در هنگام شک ندارد.]

۹- مراد از إنحلال علم اجمالی کبیر به علم إجمالی صغیر را در ضمن مثالی توضیح داده و دو شرط لازم آن را بنویسید. ص ۲۵۴ س ۸ - ۲ نمره

۲	

جواب: اگر علم اجمالی به وجود دو مایع نجس در میان ده مایع نجس وجود داشته باشد این علم اجمالی ده طرف خواهد داشت و معلوم بالاجمال دو مایع از ده تاست. حال اگر تحقیق شد و علم جدیدی پیدا شد به نجاسة دو مایع در ضمن این پنج مایع که این پنج تا همان بعض أطراف ده مایع است، در اینجا علم إجمالی اول به سبب این علم دوّم انحلال پیدا کرد و شک در پنج‌تای دیگر شک بدوی خواهد بود، که به آن علم اجمالی منحلّ شده کبیر می‌گویند چون ده طرف داشت و به دوّمی صغیر می‌گویند چون پنج طرف دارد. شرط اوّل: أطراف علم اجمالی صغیر باید همان بعض اطراف علم اجمالی کبیر باشد یعنی اطراف صغیر داخل در اطراف کبیر بوده باشد. شرط دوّم: عدد معلوم بالاجمال در کبیر بیشتر از عدد معلوم بالاجمال در علم اجمالی صغیر نباشد یعنی اگر در کبیر دو تا بود در صغیر یکی نباشد.

۱۰- در حالات دوران واجب بین تعیین و تخییر، کدام‌یک از ارکان منجزیت علم اجمالی مختل است؟ وجه اختلال را بیان نمایید. ص ۲۶۳ - ۲ نمره

۲	

جواب: رکن سوم، یعنی هر دو طرف فی نفسه با قطع نظر از تعارض جریان اصل در اطراف، مشمول دلیل برائت باشد.

وجه اختلال: در دوران واجب واحد بین تعیین و تخییر، یکی از عناوین با این که از حیث مفهوم با دیگری متباین است ولی از جهت صدق أوسع است و جامع به شمار می‌رود. اصل برائت در این طرف که جامع به شمار می‌رود با قطع نظر از تعارض جریان اصل در اطراف، جاری نیست، زیرا یا مقصود از جریان اصل، تأمین نسبت به ترک جامع است که منجر به مخالفت قطعیه می‌شود یا مقصود تأمین از ناحیه وجوب تخییری است که لغو است، زیرا مکلف می‌داند اگر جامع کلاً ترک کند ایمن از عقاب نیست؛ لذا اصل در طرفی که از جهت صدق اوسع است جاری نیست.

۱۱- با توجه به عبارت «و کما تختلف هذه القواعد فی أرکانها المقوّمة لها، کذلک فی حیثیات الکشف النوعی المزعومة فیها»، فرق استصحاب با قاعده مقتضی و مانع را از دو جهت ارکان و حیثیت کشف بیان نمایید. ص ۲۶۷ - ۲ نمره

۲	

جواب: از جهت ارکان: متعلق شک و یقین در قاعده مقتضی و مانع دو أمری است که ذاتاً متباین هستند، یقین به مقتضی تعلق گرفته است و شک به مانع، ولی در استصحاب، یقین و شک به امری تعلق گرفته‌اند که ذاتاً یک چیز است.

از جهت حیثیت کشف: حیثیت کشف در استصحاب بر این اساس است که غالباً آن‌چه حادث می‌شود باقی می‌ماند؛ ولی حیثیت کشف در قاعده مقتضی و مانع بر این اساس است که غالباً مقتضیات نافذ هستند و در معلول‌های خود مؤثرند.

۱۲- مراد از «اصل مثبت» را به همراه مثالی بیان کرده، توضیح دهید چرا استصحاب نمی‌تواند مثبتات خود را إثبات کند؟ ص ۲۸۴ - ۲ نمره

۲	

جواب:

استصحابی که بخواهد حکمی شرعی که مترتب بر أثر تکوینی مستصحب است را اثبات کند، اصل مثبت نام دارد. مثل اثبات حکم شرعی که مترتب بر رویش محاسن زید است، بواسطه اثبات رویش محاسن با استصحاب حیات زید. (۰/۵ نمره)

زیرا اگر مرادتان این است که حکم شرعی را مستقیماً بدون تعبد به رویش محاسن زید، با استصحاب حیات او اثبات کنید، غیر ممکن است، چون موضوع حکم شرعی رویش محاسن است نه حیات زید، و مادامی‌که رویش محاسن تعبداً ثابت نشود حکم شرعی هم ثابت نمی‌شود و اگر مرادتان است که با استصحاب حیات زید، ابتدا رویش محاسن را اثبات کنید و به تبع حکم شرعی را اثبات کنید، خلاف ظاهر دلیل استصحاب است، چه این که مفاد دلیل استصحاب این است که مشکوکا لبقاء را می‌گوید باقی فرض کن (نازل منزله باقی قرار می‌دهد.)، و عرفا تنزیل منصرف است به توسعه در دایره آثاری که خود منزِّل جعل کرده است و شامل آثاری که تحت جعل او نبوده نمی‌شود، لذا در مقام ما رویش محاسن از آن جهت که أثر تکوینی حیات است، از دایره مجعولات منزّل خارج است و استصحاب از اثبات آن قاصر است. (۱/۵ نمره)

۱۳- چرا در استصحاب کلی نوع سوم، با این که حدوث جامع یقینی و بقاء آن مشکوک است، استصحاب جاری نیست؟ ص ۲۹۱ - ۱ نمره

۱	

جواب:

چون جامع یقینی ما در وجود فردی موجود شده بود که الآن یقین به ارتفاع آن فرد داریم و جامعی که مشکوک ما است، در وجود فردی موجود می‌شود که به آن فرد شک داریم. پس جامعی که حادث شد وجودی غیر از وجود جامعی که در حال حاضر مشکوک است دارد؛ لذا دو وجود مغایر هستند که استصحاب در آن جاری نیست.

۱۴- سه قول مطرح در مقدار «منجِّزیت علم اجمالی» را با ذکر یک مثال تبیین کرده، قول صحیح را با دلیل معیَّن کنید. ص۲٤٦ - ۲ نمره

۲	

جواب:

ما اجمالاً به وجوب نماز ظهر یا جمعه علم داریم و در حقیقت نماز ظهر واجب است شکی نیست که علم اجمالی منجِّز است ولی در مقدار منجزیت سه قول مطرح است اول: منجِّز نماز ظهر است فقط. ثانی: منجِّز هر دو وجوب ظهر و جمعه است. ثالث: منجِّز جامع بین ظهر و جمعه است نه بخصوص ظهر و نه خصوص جمعه. (۱/۵ نمره) قول ثالث قول صحیح است زیرا علم اجمالی از جامع سرایت نمی‌کند در نتیجهٔ تنجز نیز بیشتر از جامع سرایت نمی‌کند. (۰/۵ نمره)

۱۵- گاهی متکلم برای تفسیر کلام خود، کلام دیگری ناظر به کلام اولش بیان می‌کند که به تعبیر شهید صدر (ره) «و النّظر تارة یکون بلسان التصرف فی موضوع القضیة التی تکفلها الکلام الأخر، و أخری بلسان التصرف فی محمولها»، هر یک از این تصرف‌ها را با مثال توضیح دهید. ص ۳۰۸ - ۲ نمره

۲	

جواب: مثال اول: متکلم اول می‌گوید: «الربا حرام» و بعداً می‌گوید: «لا ربا بین الوالد و ولده»، مدلول کلام دوم ناظر به مدلول کلام اول است به این شکل که در موضوع حرمت تصرف می‌کند، یعنی دایره موضوع حرمت که ربا است را ادعاءً محدود می‌کند به غیر ربایی که بین والد و ولد است. به عبارت دیگر متکلم قبول دارد ربای بین والد و ولد ربا است ولی ادعا می‌کند که ربا بر آن منطبق نیست.

مثال دوم: متکلم می‌گوید: «لا ضرر فی الاسلام»، یعنی در اسلام حکمی که منجر به ضرر بشود وجود ندارد، مدلول این کلام ناظر به احکامی است که در شریعت ثابت است و حالتی که این احکام ضرری باشند را نفی می‌کند، یعنی محمول که همان احکام اولیه است را مقید می‌کند به حالت غیرضرری.

۱۳- استصحاب «کلی قسم دوم» را با ذکر مثال توضیح داده، حکمش را بنویسید. ص ۲۹۰

۲

جواب: حصول کلی در ضمن فرد مشکوک بین قصیر الوجود - که یقین به زوالش داریم - و طویل الوجود - که یقین به زوالش نداریم - مثلاً می‌دانیم که ساعتی قبل، انسان داخل مسجد شد؛ ولی نمی‌دانیم که آیا زید بود یا عمرو؛ از طرف دیگر اکنون زید را در خارج مسجد می‌بینیم، پس یقین داریم که اگر آن کلی (یعنی انسان) در ضمن این فردش (یعنی زید) در مسجد وجود یافته بود هر دو (هم کلی و هم فرد) معدوم شده‌اند ولی اگر کلی در ضمن فرد دیگرش (عمرو) در مسجد وجود یافته بود، بقای هر دو محتمل است. در این صورت، استصحاب کلی جاری می‌شود چون ارکان استصحاب - یعنی یقین به حدوث و شک در بقاء - تام است، ولی استصحاب هیچ‌یک از دو فرد جاری نیست چون ارکان استصحاب تمام نیست - چرا که حدوث عمرو مشکوک است و زوال زید یقینی است.

۱۴- تفاوت «تعارض» و «تزاحم» را به همراه مثال بیان کنید. ص ۳۰۴

۲

جواب: هنگامی که مدلول دو دلیل با هم تنافی داشته باشند و این تنافی، حاصلِ تضاد بین دو جعل باشد، این تنافی را تعارض گویند امّا اگر تنافی در مقام جعل نباشد بلکه در مقام امتثال باشد، این تنافی را تزاحم می‌نامند. تعارض مثل الربا حرام و لا ربا بین الوالد و ولده، تزاحم مثل تنافی «لا تغصب» و «انقذ الغریق» در مقام امتثال که نجات غریق متوقف بر غصب است.

۱۵- اصل اولی و ثانوی در صورت تعارض مستقرّ چیست؟ مرجحات باب تعارض را به ترتیب نام ببرید. ص ۳۱۴ و ۳۱۵

۱

جواب: اصل اولی تساقط متعارضان است ولی اصل ثانوی اجرای مرجحات است. ترتیب: موافقت با کتاب و مخالفت عامّه است.

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران
معاونت آموزش
اداره امتحانات

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

شهریور سال تحصیلی ۹۲-۹۱
پایه پنجم ۷ ساله
پایه هفتم ۷ ساله

مهر مدرسه

کد امتحان:	۲۹۱۳/۰۶
تاریخ:	۱۳۹۲/۶/۱۰
عنوان:	اصول فقه ۴
کتاب:	دروس فی علم الاصول (الحلقة الثانیة)
محدوده:	از ابتدای درس ۴۱ تا پایان کتاب

ردیف:

ساعت برگزاری: ۸ صبح	نمره: ۲۰	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه

شناسه یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شناسه یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

نام و نام خانوادگی: .... نام پدر: .... کد ملکی: ....
مدرسه علمیه: .... شهرستان: .... استان: ....

۱- بنا بر نظر شیخ انصاری ﵀ اگر مراد از موصول در آیه شریفه «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا» (طلاق: ۷) تکلیف باشد، موصول از کدام قسم مفعول است؟ (۰/۵)

الف. مفعول له ☐
ب. مفعول به ☐
ج. مفعول مطلق ☑
د. مفعول فیه ☐

۲- دلیل قائلین اختصاص حدیث شریف «کلّ شیء فیه حلال و حرام فهو لک حلال حتی تعرف الحرام منه بعینه فتدعه» به شبهات موضوعیه چیست؟ (۰/۵)

الف. زیرا تقسیم به حلال و حرام، فعلی است. ☐
ب. زیرا برائت در شبهات موضوعیه اجماعی است. ☐
ج. زیرا شناخت حرام غایت حلیت لحاظ شده است. ☐
د. زیرا قدر متیقن، شبهات موضوعیه را شامل می‌شود. ☐

۳- حکم در مسأله «شخصی شک دارد روزه بگیرد یا نه زیرا شک دارد امروز روز اول ماه رمضان است» از حیث اصولی کدام است؟ (۰/۵)

الف. شک در تکلیف و مجرای اشتغال ☐
ب. شک در مکلف به و مجرای برائت ☐
ج. شک در مکلف به و مجرای اشتغال ☐
د. شک در تکلیف و مجرای برائت ☑

۴- در موارد «علم اجمالی بین محذورین» کدام‌یک از ارکان أربعه منجزیة علم اجمالی اختلال پیدا کرده است؟ (۰/۵)

الف. الرکن الأول ☐
ب. الرکن الثانی ☐
ج. الرکن الثالث ☐
د. الرکن الرابع ☑

۵- مثال «اذا کان علی یقین من طهارة ثوب یوم السبت فشک یوم الاحد فی طهارته یوم السبت» مجرای کدام قاعده یا اصل است؟ (۰/۵)

الف. اصل برائت ☐
ب. قاعده یقین ☑
ج. اصل استصحاب ☐
د. قاعده مقتضی و مانع ☐

۶- تعارض بین دو دلیل شرعی لفظی (تنافی بین دو مدلول) در کدام‌یک از موارد زیر جریان دارد؟ (۰/۵)

الف. تنافی بین دو جعل باشد. ☑
ب. تنافی بین دو امتثال باشد. ☐
ج. تنافی بین دو مجعول باشد. ☐
د. تنافی بین ملاک دو حکم باشد. ☐

۷- با توجه به عبارت «و یمکن تلخیص استدلال المحقق النائینی علی قاعدة قبح العقاب بلا بیان بالاستشهاد بالاعراف العقلائیة و استقباح معاقبة الآمر فی المجتمعات العقلائیة مأموره علی مخالفة تکلیف غیر واصل» استدلال مرحوم نائینی ﵀ و جواب شهید صدر ﵀ را بنویسید. (۲)

۸- بعضی به دلیل وحدت سیاق در حدیث: «رفع عن امّتی تسعة: الخطأ و النسیان و ما اکرهوا علیه و ما لا یعلمون و ما لا یطیقون و ما اضطرّوا الیه و....» قائل به اختصاص «رفع ما لا یعلمون» به شبهه موضوعیه شده‌اند، استدلال ایشان با جواب شهید صدر ﷺ از آن را بنویسید. (۲)

۹- چرا جریان حدیث رفع، در مورد استحباب که احتمال عقاب ندارد، لغو است؟ دو دلیل بنویسید. (۲)

۱۰- ارکان چهارگانه منجزیّت علم اجمالی را نام ببرید. (۱)

۱۱- آیا علم اجمالی در دوران امر بین «تعیین و تخییر» منجّز است؟ توضیح دهید. (۲)

۱۲- چرا ممکن است ادعا شود که صحیحه زراره «... و الّا فانّه علیٰ یقین من وضوئه، و لا ینقض الیقین أبداً بالشک ...» ناظر به قاعده مقتضی و مانع است نه استصحاب؟ جواب شهید ﷺ به این ادعا چیست؟ (۲)

۱۳- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. (۲)

درس ... مربوط به ... ارکان استصحاب – قیود ... مقوم هستند ...

۱۴- استصحاب «کلی قسم دوم» را با ذکر مثال توضیح داده، حکمش را بنویسید. (۲)

۱۵- «حکومت» را توضیح داده و مثالی بزنید. (۲)

– حاکم ... در باب تعارض

«سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۲۱۴۴۲۱ اداره سنجش معاونت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات امتحانی می‌باشد.»

«در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر کد امتحان و شماره سؤال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و جوابگویی ضروری می‌باشد.»

امتحانات عمومی سطح ۲

نیم سال اول ۹۱-۹۰

کد درس:	۶۳
تاریخ:	۹۰/۱۱/۰۲
درس:	اصول فقه ۲
کتاب:	دروس فی علم الاصول (الحلقة الثانیة)
محدوده:	از ابتدای درس ۲۱ تا پایان کتاب

نمره با عدد	نمره با حروف	شماره و امضاء مصحح اول

نمره با عدد	نمره با حروف	شماره و امضاء مصحح دوم

مهر مدرسه

نام و نام خانوادگی: نام پدر: مدرسه علمیه: شهرستان: نام استاد:

۱- به نظر شهید صدر (قدس سره) قاعده عملیه اولیه در حالت شک در تکلیف چیست؟

الف. برائت عقلی ☐ ب. برائت شرعی ☐

ج. اصالة شغل الذمة شرعی ☐ د. اصالة شغل الذمة عقلی ☐

۲- کلمه «العباد» در «ما حجب الله علمه عن العباد فهو موضوع عنهم» به چه نحوه‌ای لحاظ شود اثبات برائت شرعیه می‌کند؟

الف. عموم بدلی ☐ ب. عموم استغراقی ☐ ج. عموم مجموعی ☐ د. إطلاق أحوالی ☐

۳- کدام گزینه درباره «برائت شرعی» نادرست است؟

الف. اجرای برائت در مستحبات فائده ندارد. ☐ ب. برائت شرعی قاعده عملیه ثانویه است. ☐

ج. برائت شرعی بعد از فحص از ادله جاری می‌شود. ☐ د. برائت شرعی در شک در مکلف به جاری می‌شود. ☐

۴- به نظر شهید صدر (قدس سره) علم اجمالی، منجّز چیست؟

الف. فقط منجّز جامع است. ☐ ب. منجّز خصوص آن طرفی است که واجب واقعی می‌باشد. ☐

ج. منجّز تمام أطراف علم إجمالی می‌باشد. ☐ د. منجّز هم جامع و هم أطراف علم اجمالی است. ☐

۵- چرا به نظر شهید صدر (قدس سره) شک بین أقل و أکثر از حالات علم إجمالی نمی‌باشد؟

الف. چون طرفین علم اجمالی باید متباین باشند. ☐

ب. چون علم اجمالی در این مورد منحل می‌شود. ☐

ج. چون علم به جامع بین دو فرد متباین وجود ندارد. ☐

د. چون امکان ترخیص شارع در جامع وجود دارد. ☐

۶- نسبت دلیل «لا ربا بین الوالد و ولده» به دلیل «ألربا حرام» چیست؟

الف. مخصّص ☐ ب. حاکم ☐ ج. مقیِّد ☐ د. وارد ☐

۷- ترتیب استدلال به آیه شریفه «... لا یکلّف الله نفساً إلّا ما آتاها ...» برای اثبات برائت شرعی را بیان نمائید.

۸- بعضی به دلیل وحدت سیاق در حدیث رفع قائل به اختصاص «رفع ما لا یعلمون» به شبهه موضوعیه شده‌اند. کیفیت استدلال آنها با جواب شهید صدر (قدس سره) از آن را بیان کنید.

۹- عبارت «الإعتراض الاول علی أدلّه البرائة الشرعيّة هو أنّ هذه الأدلّة انّما تشمل حالة الشک البدوي لا المقرون بعلم اجمالي و الفقيه حينما يلحظ الشبهات الحكميّة ككل يوجد لديه علم إجمالي.» را شرح داده و جواب شهيد (قدس سره) از اشکال در عبارت را بنويسيد.

۱۰- مراد از انحلال علم اجمالي کبير به علم اجمالي صغير را به همراه مثال توضيح داده و دو شرط لازم آن را بنويسيد.

۱۱- قاعده «مقتضي و مانع» چيست؟ و يک فرق آن با «استصحاب» را بنويسيد.

۱۲- چرا ممکن است گفته شود، صحيحه زراره «... و الّا فانّه علی يقين من وضوئه، و لا ينقض اليقين أبداً بالشک ...» ناظر به قاعده مقتضي و مانع است نه استصحاب، و جواب شهيد (قدس سره) از آن چيست؟

۱۳- در جريان استصحاب در امور تدريجي چه اشکالي مطرح است؟ جواب شهيد (قدس سره) از آن چيست؟

۱۴- تعارض ذاتي و عرضي را با مثال توضيح دهيد.

۱۵- در تعارض بين دليل برائت با دليل استصحاب، چرا دليل استصحاب را مقدم می‌دارند؟

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران
معاونت آموزش
مدیریت امتحانات

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

نیمسال اول ۹۲-۹۱
پایه پنجم ۵ ساله
پایه هفتم ۷ ساله

مهر مدرسه

کد امتحان	۹۱۲۲۱/۱۸
تاریخ	۱۳۹۱/۱۰/۲۷
موضوع	اصول فقه ۴
کتاب	دروس فی علم الاصول (حلقه ثانیه)
محدوده	از ابتدای درس ۴۱ تا پایان کتاب (ص ۳۲۱-۲۱۵)

ردیف:

ساعت ۱۰ صبح	نمره ۲۰	مدت ۹۰ دقیقه

شناسه یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شناسه یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد ملکی: مدرسه علمیه: شهرستان: استان:

۱- در استدلال به حدیث رفع، بر برائت شرعی، کدام گزینه با نظر شهید صدر (ره) سازگار نیست؟ ص ۲۲۳ تا ۲۲۵ (۰/۵)

الف. انّ وحدة السیاق تقتضی کون المصادیق من سنخ واحد. ☑ ص ۲۲۴

ب. الرفع فی الحدیث یکون رفعاً ظاهریاً بمعنی تأمین الشاک. ☐

ج. الاطلاق یقتضی شمول الحدیث للشبهة الموضوعیة و الحکمیة. ☐

د. یمکن ان یُراد بـ «ما لا یعلمون» التکلیفُ المشکوک فی کلتا الشبهتین. ☐

۲- به نظر شهید صدر (ره) جریان اصول مؤمّنة در اطراف «علم اجمالی» ثبوتاً و اثباتاً به ترتیب چه حکمی دارد؟ ص ۲۴۷ و ۲۴۹ (۰/۵)

الف. محال عقلاً- محال عقلائیاً ☐

ب. ممکن عقلائیاً- محال عقلاً ☐

ج. ممکن عقلاً- محال عقلائیاً ☑

د. ممکن عقلائیاً- ممکن عقلائیاً ☐

۳- اگر علم اجمالی به وجود تکلیف در بین چند امر را به آن امور سرایت نداده و علم را فقط منجّز جامع بدانیم؛ آنگاه طبق مسلک «قبح عقاب بلا بیان» و مسلک «حق الطاعة»، حکم عقلی به ترتیب چه خواهد بود؟ ص ۲۴۷ (۰/۵)

الف. وجوب موافقت قطعیه – وجوب موافقت قطعیه ☐

ب. جواز مخالفت قطعیه – وجوب موافقت احتمالیه ☐

ج. جواز مخالفت احتمالیه – جواز مخالفت احتمالیه ☐

د. وجوب موافقت احتمالیه – وجوب موافقت قطعیه ☑

۴- در کدام گزینه، حیثیت کشف بر اساس «غلبة أنّ الحادث یبقی» استوار است؟ ص ۲۶۷ (۰/۵)

الف. قاعده یقین ☐

ب. قاعده تجاوز ☐

ج. اصل استصحاب ☑

د. قاعده مقتضی و مانع ☐

۵- آیا کلمه «الشک» در روایت زراره (که می‌فرماید: لا تنقض الیقین بالشک ابداً) شامل حالت ظن می‌شود؟ چرا؟ ص ۲۷۷ (۰/۵)

الف. نعم؛ بقرینة موردِ الروایة و کون السائل ظانّاً بالحدث. ☐

ب. نعم؛ بقرینة قوله «و لکن انقضه بیقین آخر». ☑

ج. لا؛ لتنویع الظن بالمعتبر و غیر المعتبر. ☐

د. لا؛ لان الشک لایشمل الظن وضعاً. ☐

۶- دلیل عدم جریان اصول عملیه هنگام وجود دلیل محرز قطعی چیست؟ ص ۳۱۹ (۰/۵)

الف. ورود دلیل محرز بر اصل ☑

ب. حکومت دلیل محرز بر اصل ☐

ج. دلیل محرز، تخصصاً خارج است. ☐

د. چون دلیل محرز اهم است از اصل. ☐

۷- نحوه استدلال به آیه شریفه «قُل لَآ أَجِدُ فِی مَآ أُوحِیَ إِلَیَّ مُحَرَّمًا ...» (انعام: ۱۴۵) بر برائت شرعیه را توضیح داده، شهید صدر (ره) چه اشکالی بر این استدلال وارد می‌کند؟ ص ۲۲۰ - ۲ نمره ۲

جواب: در این آیه، خداوند متعال نحوه محاجّه [و مباحثه] با یهود را به پیامبر می‌آموزد. خداوند نحوه اثبات برائت و عدم حرمت را «عدم وجدان» و «نیافتن دلیل» بیان می‌کند و این نشان از آن است که «نیافتن دلیل [بر حکم شرعی]» کافی است در تأمین و عدم عقاب و این همان اثبات «برائت شرعیه» است. جواب: اشکال این است که نیافتن پیامبر در وحی الهی، به معنای عدم وجود حکم است؛ یعنی هر چه که بر پیامبر وحی نشود و حرمتش به ایشان اعلام نگردد، در واقع حرام نبوده و حکم حرمت برایش تشریع نشده است. نمی‌توان این قضیه را قیاس کرد با «نیافتن مکلف» که احتمال دارد به خاطر از بین رفتن نصوص باشد. [به عبارت دیگر: مکلف نمی‌تواند پس از فحص و یأس بگوید: «چون من نیافتم پس این چیز در واقع حرام نیست و اصلا حرمتی جعل نشده است»؛ چرا که شاید حکم جعل شده و به ما نرسیده باشد. پس این آیه - که اثبات عدم جعل می‌کند - با اثبات یا نفی برائت شرعیه، بیگانه است.]

۸- اشکال مطرح در عبارت «ألإعتراض الاوّل علی أدلّة البرائة الشرعیّة هو أنّ هذه الأدلّة انّما تشمل حالة الشک البدویّ لا المقترن بعلم إجمالی، و الفقیه حینما یلحظ الشبهات الحکمیّة ککل یوجد لدیه علم إجمالی» را توضیح داده، جواب شهید صدر (ره) از این اشکال را بنویسید. ص ۲۳۲ س ۷ - ۲ نمره ۲

جواب: اشکال شده که ادلّه برائت در جایی جاری می‌شوند که شک، بدوی باشد نه مقرون به علم اجمالی؛ در حالی که فقیه علم دارد به وجود تعدادی تکلیف واقعی - مثلا ده تا - در بین مجموع شبهات حکمیه و با وجود این علم اجمالی، در هیچ‌کدام از شبهات حکمیه نمی‌توان برائت شرعیه جاری کرد. پاسخ: قبول داریم که فقیه قبل از استنباط احکام شرعی از ادلّه، علم اجمالی به وجود یک سری تکالیف واقعی دارد؛ ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادلّه، آن «علم اجمالی»، منحلّ می‌شود به «علم تفصیلی» به این مقدار از تکالیف که استنباط کرده [و آن تکالیف استنباط شده نیز کمتر از مقدار معلوم بالاجمال نیست] و «شک بدوی» در مابقی شبهات؛ چرا که علم به وجود تکلیفی در میان آنها برایش باقی نمی‌ماند [و شک در این مابقی بدوی است] که محل اجرای برائت شرعی است.

۹- برخی از ادله «برائت شرعی»، اطلاق داشته و شامل شک قبل از فحص نیز می‌شود؛ با این وجود، شهید صدر (ره) این اصل را مشروط به فحص می‌داند و سه دلیل بر مدعای خود اقامه کرده است، دو دلیل آن را بنویسید. ص ۲۳۹ و ۲۴۰ - ۲ نمره ۲

جواب: [سه جوابی که شهید صدر (ره) می‌فرماید عبارتند از:] ۱. بعضی از ادله برائت شرعیه ثابت می‌کند مسئولیت و مدیونیت را در صورتی که بیانی بر تکلیف، در معرض وصول بوده که با فحص به دست می‌آمده است. [مثل آیه «و ما کنّا معذّبین حتی نبعث رسولاً» که برای اثبات برائت شرعیه به آن استدلال شده است. گفتیم که «بعث رسول» مثالی است برای بیان حکم. پس «عدم بیانی که در محل وصول مکلف باشد» غایت است برای عدم عذاب پس هر جا چنین بیانی باشد استحقاق عقاب نیز ثابت است و مکلف شاک، قبل از فحص، احتمال تحقق بیان و تحقق غایت را می‌دهد پس ناچار از فحص است.] ۲. مکلف علم اجمالی دارد به وجود تکالیفی در بین شبهات حکمیه. این علم اجمالی با «فحص» منحل می‌شود به «علم تفصیلی» و «شک بدوی» که شک بدوی محل جریان اصل برائت است. پس بدون فحص، محلی برای اجرای اصل برائت نیست. ۳. روایاتی داریم دال بر وجوب تعلّم. در روز قیامت از مکلف می‌پرسند: «چرا عمل نکردی [به تکالیف]؟» جواب می‌دهد: «چون [به تکالیف] علم نداشتم.» سؤال می‌شود که «چرا برای دانستن تلاش نکردی؟». چنین روایاتی قید می‌زند اطلاق [ادعا شده در] دلیل برائت را و ثابت می‌کند که «شک بدون فحص» عذر شرعی [و رافع عقاب] نیست.

۱۰- رکن چهارم برای «تنجز علم اجمالی» را بیان کرده، اختلال این رکن در «دوران امر بین محذورین» را با مثالی تبیین کنید. ص ۲۵۶ - ۲ نمره ۲

جواب: رکن چهارم برای تنجُّز علم اجمالی، این است که علم اجمالی باید به گونه‌ای باشد که اگر در همه اطراف آن، اصل برائت را جاری کنیم در حقیقت، حکم به جواز مخالفت قطعیه کرده باشیم و در مقام عمل نیز مخالفت قطعیه ممکن باشد؛ اما در این مثال رکن چهارم محقق نمی‌شود:

اگر علم اجمالی داریم که در مورد دفن میت کافر، تکلیف الزامی صادر شده است؛ اما نمی‌دانیم که آن تکلیف، آیا «وجوب دفن» است یا «حرمت دفن». مطلب در اینجا دائر بین محذورین است که حتی اگر در هر دو طرف شبهه [یعنی وجوب و حرمت] برائت جاری کنیم باز هم به مخالفت قطعیه گرفتار نمی‌شویم [چون در این مثال، مخالفت قطعیه - همانند موافقت قطعیه - مُحال است؛ چرا که در مقام عمل، یا دفن صورت می‌گیرد - که با وجوب سازگار است - و یا دفن ترک می‌شود - که با حرمت سازگار است -].

۱۱- با توجه به عبارتِ «اذا ثبت ان السورة – مثلاً – جزء فی حال التذکّر و شککنا فی اطلاق هذه الجزئیة للناسی فهل تجری البرائة عن السورة بالنسبة الی الناسی؟ فقد یقال ان هذه الصورة من حالات الدوران بین الاقل و الاکثر فتجری البرائة عن الزائد. و اعترض علی ذلک بان الدوران یفترض وجود امرٍ موجَّه الی المکلف علی ایّ حال و لیس هذه الصورة من هذا القبیل» ادعا مذکور در «فقد یقال...» و اعتراض وارد شده برآن را را تبیین کنید. ص ۲۶۱ – ۲ نمره

۲

حواب: مدعی در صدد است که «شک در جزئیت سوره در حال نسیان» را از قبیل دوران امر بین اقل و اکثر بداند و برای ناسی، در زاید از متیقن – یعنی در جزئیت سوره – برائت جاری سازد و حکم به عدم وجوب در حال نسیان نماید.

اعتراض این است که در دوران بین اقل و اکثر، باید یک امر و یک خطاب متوجه مکلف باشد و سپس شک کنیم که متعلق آن امر آیا [مثلاً] ۹ مورد است یا ۱۰ مورد؛ ولی در محل بحث، [یک خطاب که متعلق آن تکلیف به اکثر و ده جزئی است متوجه مکلّف در حال تذکر شده است و دورانی بین اقل و اکثر متصور نیست؛] خطابی نداریم که متوجه ناسی باشد و احتمال دهیم که متعلقش همان اقل و تکلیف ۹ جزئی [و بدون سوره] باشد و در مازادش شک کنیم چون معقول نیست که خطاب و امر، متوجه ناسی [بما هو ناسی] گردد؛ چرا که ناسی [در حین نسیان] ملتفت به ناسی بودنش نیست و در نتیجه [تکلیف متوجه ناسیان را شامل خود نمی‌بیند و] از آن امر، منبعث نمی‌گردد.

۱۲- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۷۹ و ۲۸۰ – ۲ نمره

۲

حواب: قیودی که عرفاً مقوِّم و منوِّع حکم هستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اکرم الضیف» در این صورت، ضیف بودن، قید وجوب اکرام است. حال اگر زید مهمانِ کسی شده باشد تا وقتی ضیف است، وجوب اکرام، ناشی از قید ضیف بودن است و پس از انتفای قید، عرف حکم می‌کند که وجوب مذکور منتفی است؛ لذا اگر زید از خانه میزبان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان هم حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را ادامه وجوبِ قبلی نمی‌داند؛ چون «ضیف بودن» را مقوِّم ومنوِّع حکم می‌داند، این قیود را حیثیات تقییدیه می‌نامند.

قیودی که عرفاً مقوِّم حکم نیستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «الماء المتغیر بالنجاسة متنجس» در این صورت، «تغیّر» قید تنجس است؛ حال اگر آبی تغیّر فعلی داشته باشد و بالفعل بوی بول بدهد یقیناً حکم تنجس موجود است، اگر این تغیّر فعلاً زایل شد و دیگر این آب بوی بول نداد، عرف همچنان آب را متنجس می‌داند این قیود را حیثیات تعلیلیه می‌نامند.

۱۳- حکم استصحابِ «کلی قسمِ سوم» را در ضمن مثالی بیان کرده، دلیل حکم را تبیین کنید. ص ۲۹۱ – ۲ نمره

۲

جواب: اگر یقین داشته باشیم که زید وارد مسجد شده و پس از مدتی خارج گردیده است ولی شک کنیم که همزمان با خروج زید و یا قبل از خروجش آیا خالد داخل مسجد گردیده به گونه‌ای که مسجد خالی از انسان نمانده باشد یا نه. چنانچه بخواهیم وجود انسان را در مسجد استصحاب کنیم این مورد از مصادیق استصحاب کلی قسم سوم خواهد بود [که انعدام فرد اول یقینی و وجود فرد ثانی مشکوک می‌باشد]. در این قبیل موارد، نه استصحاب فرد جاری می‌شود و نه استصحاب کلی (۱ نمره) زیرا فرد اول، شک در بقای وجودش در زمان لاحق نداریم و فرد دوم، یقین به وجود شیء در زمان سابق نداریم پس استصحاب فرد ممکن نیست. اما استصحاب کلی ممکن نیست؛ چرا که رکن سوم استصحاب مختل است و وجودِ کلی که حدوثش در زمان اول قطعی و یقینی بود با وجود کلی که بقائش در زمان ثانی مشکوک است فرق دارد و متعلق یقین و شک متحد نیستند. توضیح اینکه کلی اول در ضمن فردی محقق شده بود که کلی دوم در ضمن آن فرد محقق نشده بلکه در ضمن فرد جدیدی تحقق یافته است و از آنجا که کلی در ضمن افراد تحقق می‌یابد و تحققی سوای آنها ندارد؛ آن دو کلی متغایر با یکدیگر هستند. (۱ نمره)

۱۴- برای تعارض بین «استصحاب سببی» و «استصحاب مسببی» یک مثال زده و تعارض بین آنها را تبیین کنید. ص ۲۹۸ – ۱/۵ نمره

۱/۵

جواب: مثلاً ظرف آبی داریم که یقین به طهارت سابقش و شک در نجاست لاحقش داریم. یک لباس هم داریم که یقیناً نجس بوده و پس از شستن آن با این آب مشکوک، شک می‌کنیم که آیا پاک شد یا نه. اگر به هر یک از آب و لباس به طور مستقل بنگریم، دو استصحاب متصور است: ۱. استصحاب طهارت آب (استصحاب سببی) ۲. استصحاب نجاست لباس (استصحاب مسببی) (۱ نمره)

تبیین تعارض: استصحاب سببی، طهارت لباس را به دنبال دارد و استصحاب مسببی، نجاست و عدم طهارت لباس را و این دو حکم متعارض هستند و این تعارض ناسی از تعارض و عدم امکان جمع بین منشأ این دو حکم [یعنی آن دو استصحاب] می‌باشد. (۰/۵ نمره)

۱۵- عبارتِ «حالات التزاحم خارجة عن نطاق التعارض بین الادلة؛ بل فیها یتقدّم الاهمّ علی الاقل اهمیة» را در ضمن مثالی برای تزاحم، توضیح دهید. ص ۳۰۵ – ۱/۵ نمره

۱/۵

جواب: هنگامی تزاحم محقق می‌شود که تنافی بین دو امتثال باشد نه بین دو جعل [دو مدلول دلیل] که محقق تعارض است؛ مثلا مکلف می‌بیند که کسی در حال غرق شدن است و برای نجات او باید از زمین مردم عبور کرده و مرتکب غصب شود. از طرفی تکلیف داریم که «غریق را نجات بده» و از طرف دیگر تکلیف داریم که «غصب نکن» که این دو تکلیف، در مقام امتثال با هم تنافی دارند و نمی‌توان هر دو را امتثال کرد. در این قبیل موارد، تنافی بین مدلول‌های ادله شرعی نیست تا تعارض بین ادله رخ داده و مشمول ادله باب تعارض گردد؛ بلکه وظیفه مکلف در مقام امتثال این است که مفاد دلیلی را که اهم است بر دلیل مهم، مقدم نماید.

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران
معاونت آموزش
اداره امتحانات

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

نیم‌سال اول ۹۳-۹۲
پایه پنجم ۵ ساله
پایه هفتم ۷ ساله

مهر مدرسه

کد امتحان:	۲۹۲۱/۲۶
تاریخ:	۱۳۹۲/۱۰/۲۴
عنوان:	اصول فقه ۴
کتاب:	الحلقة الثانیة (شهید صدر (ره))
محدوده:	از ابتدای درس ۲۱ تا پایان کتاب (ص ۳۲۱-۲۱۵)

وقفه: ....

ساعت برگزاری: ۱۰ صبح	نمره: ۲۰	مدت پاسخگویی: ۹۰ دقیقه

شناسه یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شناسه یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

نام و نام خانوادگی: .... نام پدر: .... کد ملی: .... مدرسه علمیه: .... شهرستان: .... استان: ....

۱- به نظر شهید صدر ﷺ قاعده اولیه و ثانویه در «شک در تکلیف» به ترتیب چیست؟ ص ۲۱۷ و ۲۳۹ — ۰/۵

الف. احتیاط عقلی و برائت عقلی ☐

ب. برائت عقلی و برائت شرعی ☐

ج. احتیاط عقلی و برائت شرعی ☑

د. برائت شرعی و احتیاط عقلی ☐

۲- شک در «وجوب نماز آیات به واسطه‌ی خسوف»، شک در تکلیف است یا مکلّف به؟ مجرای چه اصلی است؟ ص ۲۴۰ — ۰/۵

الف. تکلیف - برائت ☑

ب. تکلیف - اشتغال ☐

ج. مکلف به - برائت ☐

د. مکلف به - اشتغال ☐

۳- در مثال «إذا أتی المکلّف بفعل مترسّلاً ثم علم إجمالاً بأنّ الشارع أوجب علیه إمّا هذا الفعل أو فعلٍ آخر، فعلی الأوّل یکون التکلیف قد سقط بالإتیان بالمکلّف به و علی الثانی یکون ثابتا، فالتکلیف لا یعلم ثبوته فعلاً» کدام‌یک از ارکان أربعه منجزیة علم اجمالی اختلال پیدا کرده است؟ ص ۲۵۳ س ۲۰ — ۰/۵

الف. الرکن الأوّل ☑

ب. الرکن الثانی ☐

ج. الرکن الثالث ☐

د. الرکن الرابع ☐

٤- کسی مقداری انگور دارد و یقین دارد که «هذا العنب اذا غلی حرم». پس از مدتی انگورها تبدیل به کشمش می‌شوند و شک می‌کند که «هذا الزبیب اذا غلی حرم أو لا؟». این مورد، مثال برای کدام استصحاب است؟ ص ۲۸۸ — ۰/۵

الف. استصحاب مجهولة التاریخ ☐

ب. استصحاب کلی قسم سوم ☐

ج. استصحاب تدریجیات ☐

د. استصحاب تعلیقی ☑

٥- مثال «اذا کان علی یقین من نجاسة ثوب یوم السبت فشک یوم الاحد فی نجاسته یوم السبت» مجرای کدام قاعده یا اصل است؟ ص ۲٦۷ — ۰/۵

الف. اصل برائت ☐

ب. قاعده یقین ☑

ج. اصل استصحاب ☐

د. قاعده مقتضی و مانع ☐

٦- تعارض بین «ادله برائت عقلی» با «ادلّه خبر واحد» به چه نحو است؟ ص ۳۰۵ — ۰/۵

الف. ظاهر و نصّ ☐

ب. مورود و وارد ☑

ج. عام و خاص ☐

د. محکوم و حاکم ☐

۷- با توجه به عبارت «و یمکن تلخیص استدلال المحقق النائینی علی قاعدة قبح العقاب بلا بیان بالاستشهاد بالاعراف العقلائیة و استقباح معاقبة الأمر فی المجتمعات العقلائیة مأموره علی مخالفة تکلیف غیر واصل» استدلال مرحوم نائینی ﵀ و جواب شهید صدر ﵀ را بنویسید. ص ۲۱۶ س ۸

۲	

جواب: استدلال مرحوم نائینی: عرف و عقلاء عقاب عبد را بوسیله‌ی مولای عرفی به خاطر مخالفت با تکلیف غیر معلوم قبیح می‌شمرند.

(و حدود حق اطاعت موالی عرفی را تکالیف قطعی و معلوم می‌دانند فلذا محدوده حق اطاعت شارع هم تکالیف قطعی و معلوم است) بنابراین عقاب شارع همانند موالی عرفیه زمانی صحیح است که تکلیف واصل و معلوم باشد.

جواب شهید صدر ﵀: قیاس حق طاعت خدا با حق طاعت موالی عرفیه بدون دلیل است زیرا حق طاعت اُمراء و موالی عرفیه، جعلی می‌باشد و به تبع همین جعل، وسعت و ضیق دائره آن معلوم می‌شود که عادتاً در حدود تکالیف مقطوعه جعل می‌گردد، اما حق طاعت خداوند متعال ذاتی تکوینی می‌باشد، فلذا مضیق بودن دایره حق مجعول، ملازم با مضیق بودن دائره حق ذاتی تکوینی نمی‌باشد بلکه برای تحدید دائره حق خداوند متعال باید به عقل عملی رجوع نمود که مقتضی تعمیم است.

۸- بعضی به دلیل وحدت سیاق در حدیث رفع قائل به اختصاص «رفع ما لا یعلمون» به شبهه موضوعیه شده‌اند، کیفیّت استدلال آنها را بنویسید. ص ۲۲۴ س ۱۱

۲	

جواب: اسم موصول یعنی کلمه «ما» در این حدیث چهار بار تکرار شده که در سه مورد آن «ما اکرهوا علیه و ما لا یطیقون و ما اضطروا الیه» مراد از آن موضوع خارجی و یا فعل خارجی است نه تکلیف و لذا برای حفظ وحدت سیاق «ما»ی در «ما لا یعلمون» هم حمل بر موضوع خارجی می‌شود و لذا مختصّ به شبهه موضوعیّه خواهد شد.

۹- دلیل مشهور در عبارت «ذهب المشهور إلی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی، لأنها ترخیص فی المخالفة القطعیة.» را توضیح داده، جواب شهید صدر ﵀ بر آن را بیان کنید. ص ۲۴۷ و ۲۴۸

۲	

جواب: مشهور علما معتقدند، جریان اصل برائت در تمام اطراف علم اجمالی محال است. زیرا وجود علم (و لو اجمالی) مقتضی امتثال حکمی است که علم (اجمالی) به آن داریم پس اگر بتوان در اطراف، برائت را جاری کرد، لازمه‌اش این است که بتوانیم با آن حکم بالاجمال مخالفت قطعی کنیم و این معصیتِ حرام است شرعاً و قبیح است عقلاً در نتیجه ترخیص محال است. جواب شهید صدر ﵀: باید در نوع حکم عقلی دقت کنیم در این مورد حکم عقلی معلق است به عدم ترخیص ظاهری از جانب مولی در نتیجه ترخیص مخالف حکم عقل نیست بلکه موضوع آن را رفع می‌کند، و اگر بگویید حکم عقل معلق نیست ادعایی بدون دلیل است.

۱۰- مقصود از عبارت «من ارکان قاعدة منجزیة العلم الاجمالی ان یکون کلّ من الطرفین مشمولاً فی نفسه لدلیل اصل البراءة بقطع النظر عن التعارض» را توضیح داده، مثالی بزنید که این رکن در آن موجود نباشد. ص ۲۵۲ و ۲۵۵

۳	

جواب: یکی از شرایط منجزیت و حجیت علم اجمالی آن است که با قطع نظر از علم اجمالی بتوان در هر یک از دو طرف اصل ترخیصی (برائت) جاری کرد. در چنین مواردی است که می‌گوییم جریان برائت در هر دو طرف امکان ندارد، اما اگر یکی از دو طرف [با قطع نظر از تعارض اصل در دو طرف] اصل برائت را فی حد نفسه نپذیرد، اصل در طرف دیگر معارض ندارد و جاری می‌شود لذا علم اجمالی منجز نیست. مثال: اگر علم اجمالی به نجاست یکی از دو ظرف داشته باشیم و یکی از آنها خارج از محل ابتلا باشد، ظرف خارج از محل ابتلا فی نفسه مجرای برائت نیست چون مکلف در معرض مخالفت با آن قرار ندارد تا شک کند و برائت جاری شود. پس برائت در ظرف دوم معارض ندارد.

۱۱- قاعده «مقتضی و مانع» چیست؟ و یک فرق آن با «استصحاب» را بنویسید. ص ۲۶۷ س ۱۵

۲	

جواب: قاعده‌ی مقتضی و مانع قاعده‌ای است که می‌گوید هرگاه مقتضی برای چیزی محرَز و متیقن بود و شک کردیم که آیا مانعی که جلوی تأثیر این مقتضی را بگیرد آمده است یا خیر، باید بنا گذاشت بر عدم آن مانع و حکم کرد به تأثیر مقتضي و وجود مقتضیٰ مثلاً یقین به وجود دلیل بر وجوب نماز جمعه داریم و شک داریم که آیا زمان غیبت مانع از استمرار این وجوب در این زمان هست یا خیر، بنا می‌گذاریم بر عدم مانعیت و حکم می‌کنیم به وجوب جمعه.

وقتی ما احراز مقتضی مثل شرب سمّ کرده باشیم و بعد شک در وجود مانعی مثل شرب دواءِ مانع از این مقتضی بکنیم بر اساس این قاعده بنا بر انتفای مانع گذاشته می‌شود و لذا مقتضا یعنی موت ثابت می‌شود.

فرق: ۱. در قاعده مقتضی و مانع یقین و شک به دو امری که ذاتاً متغایرند تعلّق می‌گیرد یعنی یقین به مقتضیِ و شک به مانع تعلق گرفته ولی در استصحاب متعلّق یقین و شک ذاتاً واحد است. ۲. از حیث حیثیت کشف نیز با استصحاب متفاوت است زیرا حیثیت کشف در این قاعده بر اساس «غلبه اینکه مقتضی نافذ و مؤثر در معلول است.» ولی در استصحاب بر اساس «غلبه اینکه حادث باقی می‌ماند.» است.

۱۲- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۷۹ و ۲۸۰

۲	

جواب: قیودی که عرفاً مقوِّم و منوِّع حکم هستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اکرم الضیف» در این صورت، ضیف بودن، قیدِ وجوب اکرام است. حال اگر زید مهمانِ کسی شده باشد تا وقتی ضیف است، وجوب اکرام، ناشی از قید ضیف بودن است و پس از انتفای قید، عرف حکم می‌کند که وجوب مذکور منتفی است؛ لذا اگر زید از خانه میزبان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان هم حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را ادامه وجوبِ قبلی نمی‌داند؛ چون «ضیف بودن» را مقوِّم و منوِّع حکم می‌داند، این قیود را حیثیات تقییدیه می‌نامند. قیودی که عرفاً مقوِّم حکم نیستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «الماء المتغیر بالنجاسة متنجس» در این صورت، «تغیّر» قیدِ تنجس است؛ حال اگر آبی تغیر فعلی داشته باشد و بالفعل بوی بول بدهد یقیناً حکم تنجس موجود است، اگر این تغیّر فعلاً زایل شد و دیگر این آب بوی بول نداد، عرف همچنان آب را متنجس می‌داند این قیود را حیثیات تعلیلیه می‌نامند.

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

شهریور سال تحصیلی ۹۷-۹۶

پایه پنجم ۵ ساله
پایه هفتم ۷ ساله
پایه پنجم ورودی بهمن

مهر مدرسه

کد درس:	۲۹۶۳/۲۲
تاریخ:	۱۳۹۷/۰۶/۱۱
درس:	اصول فقه ۴
کتاب:	دروس فی علم الاصول «الحلقة الاولی و الثانیة فی اسلوبها الثانی»
منبع:	از ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب (ص ۲۸۸-۲۲۱)

ساعت شروع: ۹ صبح | نمره: ۱۵ | مدت پاسخگویی: ۹۰ دقیقه

شماره یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

نام و نام خانوادگی: .... نام پدر: .... کد طلبگی: .... مدرسه علمیه: .... شهرستان: .... استان: ....

۱- چرا قیاس حق‌الطاعة خداوند با حق‌الطاعة بین عقلاء صحیح نیست؟ ص ۲۲۳ (۰/۵)

الف. حق‌الطاعة الهی، ذاتی است. ☑

ب. حق‌الطاعة الهی، یقینی است. ☐

ج. حق‌الطاعة الهی، واجب است. ☐

د. حق‌الطاعة الهی، جعلی است. ☐

۲- مراد از موصول در حدیث رفع: «رفع ... ما لا یعلمون ...» چه فرض گردد تا شامل شبهات موضوعیه و حکمیه هر دو باشد؟ ص ۲۲۹ (۰/۵)

الف. تکلیف ظاهری ☐

ب. تکلیف واقعی ☐

ج. فعل خارجی ☐

د. تکلیف فعلی ☑

۳- مثال «اذا کان علی یقین من عدالة زید یوم الخمیس فشک یوم الجمعة فی عدالته یوم الخمیس» مجرای کدام قاعده است؟ ص ۲۵۳ (۰/۵)

الف. قاعده مقتضی و مانع ☐

ب. اشتغال عقلی ☐

ج. قاعدهٔ یقین ☑

د. استصحاب ☐

۴- عبارت «قد یفترض وجود موضوع واحد تطرأ علیه حالتان متضادتان کل واحدة موضوع لحکم شرعی ...» ناظر به کدام گزینه است؟ ص ۲۷۳ (۰/۵)

الف. الشک فی التقدم و التأخر ☐

ب. الشک بین المحذورین ☐

ج. مجهولی التاریخ ☐

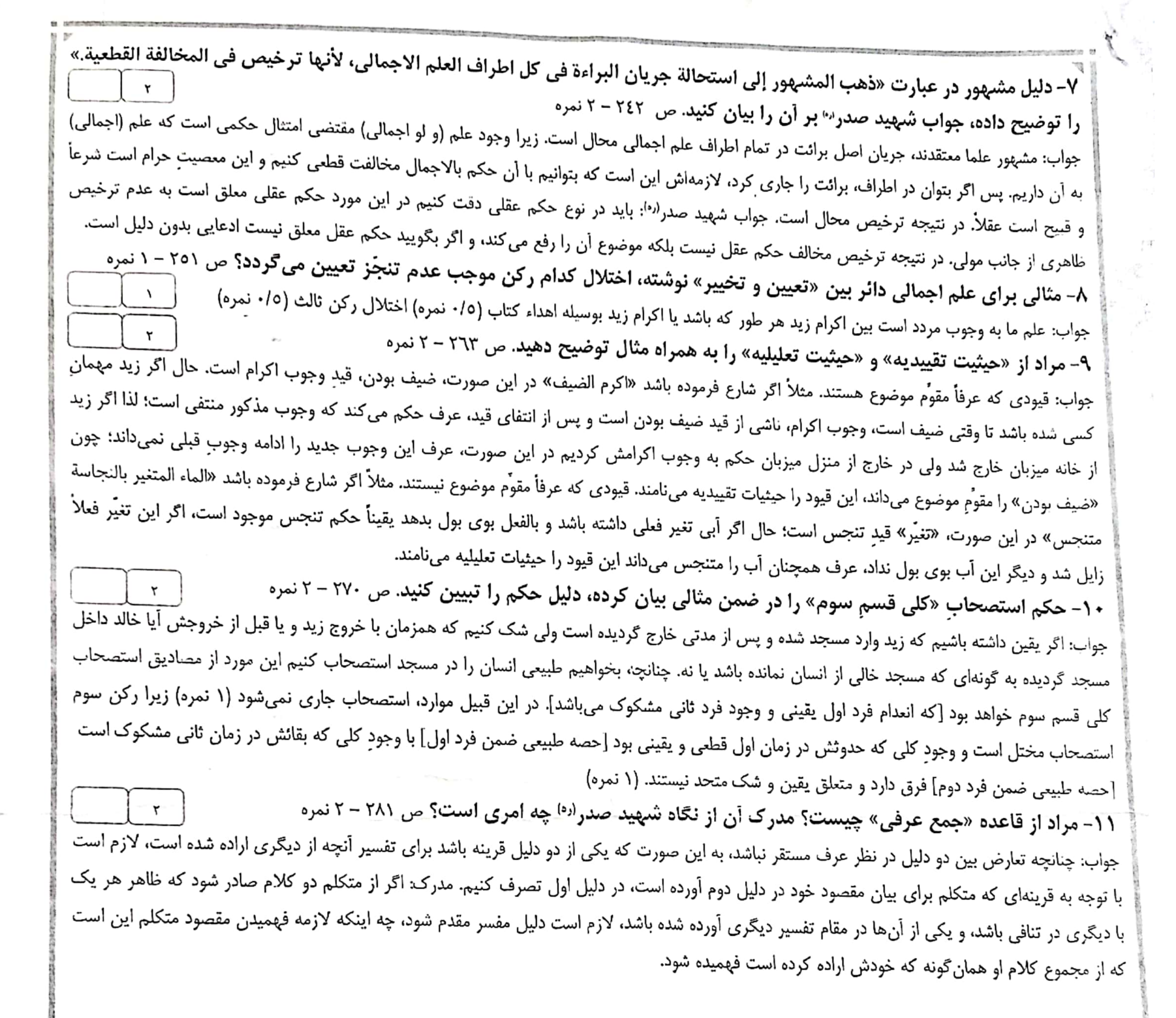
د. توارد الحالتین ☑

۵- عبارت «اعترض الشیخ الاعظم(ره) بان ارادة الجامع من الموصول فی قوله تعالی: (لا یکلف الله نفسا الا ما آتاها)(الطلاق/۷) غیر ممکنة لانّه بلحاظ التکلیف یکون مفعولا مطلقاً و بلحاظ المال مفعولا به ... فالاولی هی نسبة الحدث الی بعض اطواره، و الثانیة نسبة المغایر الی المغایر» را تبیین نموده، اعتراض بر چیست؟ ص ۲۲۵ - ۲ نمره (۲)

جواب: اعتراض شیخ(ره): اراده جامع از «ما» ممکن نیست. زیرا اگر معنای تکلیف لحاظ شود «ما» مفعول مطلق است به تعبیری: لا یکلّف الله نفساً تکلیفا الا التکلیف الذی آتاها «و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مفعول‌به به تعبیری: لایکلّف الله نفسا مالا الا المال الذی آتاها. نسبت بین فعل و مفعول مطلق نسبت بین حدث (یکلّف) و یکی از اشکال آن (تکلیف) است ولی نسبت بین فعل و مفعول‌به اینگونه نیست و مفعول به یکی از اشکال فعل نیست بلکه مغایر آن است، در نتیجه نسبت بین فعل و مفعول مطلق با فعل و مفعول به مغایر است. و از آن جایی که استعمل لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست، با توجه به سیاق آیه قبل، «ما» متعین در معنای مال است. (۱/۵ نمره) استدلالی که به آن اعتراض شده است: «ما»ی موصول اطلاق دارد، لذا مراد از آن معنایی جامع بین مال، فعل و تکلیف است. (۰/۵ نمره)

۶- چگونه برخی از کلمه «بعینه» در حدیث: «کل شیء فیه حلال و حرام فهو لک حلال ابدا حتی تعرف الحرام منه بعینه فتدعه» برای اختصاص حدیث به شبهات موضوعیه استدلال می‌نمایند؟ با مثال تبیین نمایید. ص ۲۳۰ - ۲ نمره (۲)

جواب: لازمه حمل حدیث بر شبهه حکمیه این است که کلمه «بعینه» تأکید صرف باشد برای حتی تعرف الحرام منه، به خلاف صورتی که حمل بر شبهه موضوعیه گردد. مثلاً «شک دارد این گوشت مذکی است یا میته و علم اجمالی دارد که گوشت حرامی در کل گوشت‌های شهر وجود دارد» در این صورت حتی تعرف الحرام منه ناظر به علم اجمالی به حرمت است و بعینه ناظر به علم تفصیلی به مشکوک الحرمة است و با توجه به اینکه حمل بر تأکید خلاف ظاهر است پس حمل حدیث بر شبهه موضوعیه متعیّن می‌گردد.



۷- دلیل مشهور در عبارت «ذهب المشهور إلی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی، لأنها ترخیص فی المخالفة القطعیة.» را توضیح داده، جواب شهید صدر(ره) بر آن را بیان کنید. ص ۲۴۲ - ۲ نمره

۲	

جواب: مشهور علما معتقدند، جریان اصل برائت در تمام اطراف علم اجمالی محال است. زیرا وجود علم (و لو اجمالی) مقتضی امتثال حکمی است که علم (اجمالی) به آن داریم. پس اگر بتوان در اطراف، برائت را جاری کرد، لازمه‌اش این است که بتوانیم با آن حکم بالاجمال مخالفت قطعی کنیم و این معصیتِ حرام است شرعاً و قبیح است عقلاً. در نتیجه ترخیص محال است. جواب شهید صدر(ره): باید در نوع حکم عقلی دقت کنیم در این مورد حکم عقلی معلق است به عدم ترخیص ظاهری از جانب مولی. در نتیجه ترخیص مخالف حکم عقل نیست بلکه موضوع آن را رفع می‌کند، و اگر بگویید حکم عقل معلق نیست ادعایی بدون دلیل است.

۸- مثالی برای علم اجمالی دائر بین «تعیین و تخییر» نوشته، اختلال کدام رکن موجب عدم تنجّز تعیین می‌گردد؟ ص ۲۵۱ - ۱ نمره

۱	

جواب: علم ما به وجوب مردد است بین اکرام زید هر طور که باشد یا اکرام زید بوسیله اهداء کتاب (۰/۵ نمره) اختلال رکن ثالث (۰/۵ نمره)

۲	

۹- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۶۳ - ۲ نمره

جواب: قیودی که عرفاً مقوّم موضوع هستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اکرم الضیف» در این صورت، ضیف بودن، قیدِ وجوب اکرام است. حال اگر زید مهمانِ کسی شده باشد تا وقتی ضیف است، وجوب اکرام، ناشی از قید ضیف بودن است و پس از انتفای قید، عرف حکم می‌کند که وجوب مذکور منتفی است؛ لذا اگر زید از خانه میزبان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را ادامه وجوبِ قبلی نمی‌داند؛ چون «ضیف بودن» را مقوّمِ موضوع می‌داند، این قیود را حیثیات تقییدیه می‌نامند. قیودی که عرفاً مقوّم موضوع نیستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «الماء المتغیر بالنجاسة متنجس» در این صورت، «تغیّر» قیدِ تنجس است؛ حال اگر آبی تغیر فعلی داشته باشد و بالفعل بوی بول بدهد یقیناً حکم تنجس موجود است، اگر این تغیّر فعلاً زایل شد و دیگر این آب بوی بول نداد، عرف همچنان آب را متنجس می‌داند این قیود را حیثیات تعلیلیه می‌نامند.

۲	

۱۰- حکم استصحابِ «کلی قسمِ سوم» را در ضمن مثالی بیان کرده، دلیل حکم را تبیین کنید. ص ۲۷۰ - ۲ نمره

جواب: اگر یقین داشته باشیم که زید وارد مسجد شده و پس از مدتی خارج گردیده است ولی شک کنیم که همزمان با خروج زید و یا قبل از خروجش آیا خالد داخل مسجد گردیده به گونه‌ای که مسجد خالی از انسان نمانده باشد یا نه. چنانچه، بخواهیم طبیعی انسان را در مسجد استصحاب کنیم این مورد از مصادیق استصحاب کلی قسم سوم خواهد بود [که انعدام فرد اول یقینی و وجود فرد ثانی مشکوک می‌باشد]. در این قبیل موارد، استصحاب جاری نمی‌شود (۱ نمره) زیرا رکن سوم استصحاب مختل است و وجودِ کلی که حدوثش در زمان اول قطعی و یقینی بود [حصه طبیعی ضمن فرد اول] با وجودِ کلی که بقائش در زمان ثانی مشکوک است [حصه طبیعی ضمن فرد دوم] فرق دارد و متعلق یقین و شک متحد نیستند. (۱ نمره)

۲	

۱۱- مراد از قاعده «جمع عرفی» چیست؟ مدرک آن از نگاه شهید صدر(ره) چه امری است؟ ص ۲۸۱ - ۲ نمره

جواب: چنانچه تعارض بین دو دلیل در نظر عرف مستقر نباشد، به این صورت که یکی از دو دلیل قرینه باشد برای تفسیر آنچه از دیگری اراده شده است، لازم است با توجه به قرینه‌ای که متکلم برای بیان مقصود خود در دلیل دوم آورده است، در دلیل اول تصرف کنیم. مدرک: اگر از متکلم دو کلام صادر شود که ظاهر هر یک با دیگری در تنافی باشد، و یکی از آن‌ها در مقام تفسیر دیگری آورده شده باشد، لازم است دلیل مفسر مقدم شود، چه اینکه لازمه فهمیدن مقصود متکلم این است که از مجموع کلام او همان‌گونه که خودش اراده کرده است فهمیده شود.

امتحانات متمرکز عمومی

شهریور ۹۸-۱۳۹۷

پایه پنجم ورودی بهمن، پنجم ۵ ساله، هفتم ۷ ساله

کد امتحان :	۲۹۷۳/۱۸
تاریخ ازمون :	۱۳۹۸/۰۶/۰۹
عنوان:	اصول فقه ۴
کتاب:	دروس فی علم الاصول (حلقه ثانیه)
محدوده:	حلقه ثانیه: از ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب (ص ۲۸۸-۲۲۱)
حذفیات:	ندارد

ساعت برگزاری: ۱۰ صبح	نمره: ۱۵	زمان پاسخگویی: ۷۰ دقیقه

شناسه یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف

شناسه یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

مهر حوزه آزمون

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد ملکی: استان: شهرستان: مدرسه علمیه:

۱- با توجه به مسلک حق الطاعة شهید صدر(ره) قاعده اولیه هنگام شک در تکلیف شرعی، کدام است؟ ص ۲۲۳ ۰/۵

الف. برائت عقلی ☐

ب. برائت شرعی ☐

ج. اشتغال عقلی ☑

د. اشتغال شرعی ☐

۲- به کدام قرینه حدیث شریف« اخوک دینک فاحتط لدینک بماشئت» دلالت بر وجوب احتیاط ندارد؟ ص ۲۲۳ ۰/۵

الف. التقیید بالمشیة ☑

ب. التقیید بالدین ☐

ج. لفظ اخوک ☐

د. هیئة الامر ☐

۳- شک در «وجوب حج» به دلیل «شک در استطاعت»، شک در تکلیف است یا مکلّف‌به؟ مجرای چه اصلی است؟ ص ۲۳۸ ۰/۵

الف. مکلف‌به - برائت ☐

ب. مکلف‌به - اشتغال ☐

ج. تکلیف - اشتغال ☐

د. تکلیف - برائت ☑

۴- نسبت بین دو دلیل «ثوب المصلّی لابُد ان یکون طاهراً» و « انّ مشکوک الطهارة طاهر» چیست؟ ص ۲۸۱ ۰/۵

الف. تخصّص ☐

ب. حکومت ☑

ج. تقیید ☐

د. ورود ☐

۵- با توجه به عبارت «أن العقاب علی التکلیف عند عدم العلم به عقاب علی ما لا مقتضی للتحرک عنه، فأن المحرک خصوص العلم» استدلال محقق نایینی (ره) بر قاعده قبح عقاب را به همراه مثال نوشته و جواب شهید صدر (ره) از آن را تبیین نمایید. ۲

ص۲۲۳

جواب: تقریب: تکلیف در صورتی محرکیت دارد که به آن علم داشته باشیم وگرنه تکلیف واقعی بدون این‌که معلوم باشد محرکیتی ندارد، (مانند این که شیری درنده پشت دیوار ایستاده باشد و شما علم به آن نداشته باشید، شما برای فرار تحریک می‌شوید ولی اگر واقعا شیری نباشد و شما علم داشته باشید پشت دیوار است، پا به فرار می‌گذارید.) بنابراین در صورت عدم علم به تکلیف، مقتضای محرکیت وجود ندارد و قبیح است مولی ما را بر مخالفت تکلیفی که اقتضای تحریک ندارد عقاب کند.

اشکال: آن‌چه محرکیت دارد، این است که عبد می‌خواهد حق‌الطاعه مولی را رعایت کند و از عهده آن خارج شود، همه هدفش خروج از این عهده است نه این که هدفش صرفا امتثال تکلیف با عنوانش باشد، لذا باید حدود این حق‌الطاعه را ملاحظه کنیم که آیا شامل تکالیف مشکوکه همه می‌شود یا خیر؟ در صورت شمول تکلیف غیر معلوم هم اقتضای تحریک را دارد، اگر بگوویید شامل نمی‌شود این مصادره و اول کلام است.

۶- عبارت : «اما الاول (اختصاص حدیث الرفع بالشبهات الموضوعیة) فقد یستدلّ له بوحدة السیاق لاسم الموصول [فی حدیث الرفع]، اذ المقصود منه فی «ما اضطروا الیه» ونحوه الفعل الخارجی لا نفس التکلیف...» را به همراه دلیل تبیین نمایید. ص ۲۲۸

۲

جواب: برخی قائلند که حدیث رفع:« رفع عن امّتی تسعة اشیاء: الخطأ و النسیان و ما أکرهوا علیه و ما لایعلمون و مالایطیقون و ما اضطرّوا الیه ....» بر اصل برائت فقط در شبهات موضوعیه دلالت دارد و شبهات حکمیه را شامل نمی شود و اینگونه استدلال کرده‌اند که سیاق واحد در اسم موصول«ما» مستلزم اختصاص به شبهات موضوعیه است زیرا روشن است که «مای موصول» در «ما اضطرّوا الیه» و مثل آن یعنی «ما اکرهوا علیه» و «مالایطیقون» فعل خارجی است زیرا اضطرار به حکم یا اکراه به حکم معنا ندارد بلکه اضطرار و اکراه مثلاً به اکل میته است که موضوع خارجی است تعلق می‌گیرد پس به دلیل وحدت سیاق «مالایعلمون» نیز بر موضوع خارجی حمل می‌شود.

۷- چهار رکن قاعده منجزیت علم اجمالی را بنویسید. ص۲۴۵

۳

جواب: رکن اول: وجود علم به جامع، رکن دوم: وقوف علم به جامع و عدم سرایت آن به اطراف، رکن سوم: هر دو طرف صرف نظر از تعارض مشمول ادله برائت باشند. رکن چهارم: جریان برائت در هر دو طرف باعث ترخیص در مخالفت قطعیه شود.

۸- با توجه به عبارت: «استدلّ علی الاستصحاب بحصول الظنّ بالبقاء فممنوع کبریً و صغریً» استدلال و نقد آن را تبیین نمایید. ص ۲۵۵

۲

جواب: برخی می‌گویند یقین سابق موجب ظن به بقا می‌شود [مثلا شخصی زنده بوده است اکنون شک می‌کنیم هنوز زنده است یا خیر، احتمال زیاد زنده است.] (۰/۵ نمره) اشکال کرده‌اند که کبرویاً این استدلال ناتمام است زیرا دلیلی بر حجیت چنین ظنی نداریم و صغرویاً نیز ناتمام است زیرا مجرد حالت سابقه افاده ظن ندارد بلکه گاهی اوقات به دلیل خصوصیتی که مقتضی استمرار است، افاده ظن دارد. (۱/۵ نمره)

۹- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۶۳

۲

جواب: قیودی که عرفاً مقوِّم موضوع هستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اکرم الضیف» در این صورت، ضیف بودن، قیدِ وجوب اکرام است. حال اگر زید مهمانِ کسی شده باشد تا وقتی ضیف است، وجوب اکرام، ناشی از قید ضیف بودن است و پس از انتفای قید، عرف حکم می کند که وجوب مذکور منتفی است؛ لذا اگر زید از خانه میزبان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را ادامه وجوبِ قبلی نمی‌داند؛ چون «ضیف بودن» را مقوِّمِ موضوع می‌داند، این قیود را حیثیات تقییدیه می‌نامند. قیودی که عرفاً مقوِّم موضوع نیستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «الماء المتغیر بالنجاسة متنجس» در این صورت، «تغیّر» قیدِ تنجس است؛ حال اگر آبی تغیر فعلی داشته باشد و بالفعل بوی بول بدهد یقیناً حکم تنجس موجود است، اگر این تغیّر فعلاً زایل شد و دیگر این آب بوی بول نداد، عرف همچنان آب را متنجس می‌داند این قیود را حیثیات تعلیلیه می‌نامند.

۱۰- فرق بین «استصحاب» با قاعده «الیقین» و قاعده «المقتضی والمانع» را به همراه مثال تبیین نمایید. ص ۲۷۳ و ۲۷۴

۲

جواب: قاعده یقین، متعلق شک همان متعلق یقین است و به همان یقین سابق سرایت می‌کند و حقیقة شک ناقض تکوینی یقین است برخلاف استصحاب که شک به بقای متیقن تعلق می‌گیرد، مثلا به عدالت زید در روز جمعه علم داشتیم و سپس در روز شنبه به عدالت زید در روز جمعه شک کنیم. قاعده المقتضی و المانع در این قاعده یقین و شک به دو امر متغایر یعنی مقتضی و مانع تعلق می‌گیرد مثلا ماری زید را گزید که مقتضی مرگ است اما شک می‌کنیم که آیا به طبیب مراجعه کرد یا خیر. ولی در استصحاب متعلق شک و یقین واحد است فقط زمانا فرق می‌کنند.

۱۱- اصل اولی و ثانوی در صورت تعارض مستقرّ چیست؟ مرجّحات باب تعارض که شهید صدر(ره) مطرح کردند را به ترتیب نام ببرید. ص۲۸۴

۱

جواب: اصل اولی تساقط متعارضان است ولی اصل ثانوی اجرای مرجّحات است. ترتیب: موافقت با کتاب و مخالفت عامّه است.